



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مہنگانہ مکتبہ علمی، دہلی نواں بازار



ابجد

مصنفہ: غلام قادر نوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میثاق طلبگی، دفتر اول: رسم طلبگی

نویسنده:

محمد عالم زاده نوری

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	میتاق طلبگی، دفتر اول : رسم طلبگی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۸	فهرست مطالب
۲۳	مقدمه
۲۵	پیش گفتار
۳۲	فصل اول : هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی
۳۲	اشاره
۳۳	هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی
۳۳	اشاره
۳۵	الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت
۴۳	ب) کار طلبگی
۴۷	ج) نصاب طلبگی
۵۴	د) آینده کاری طلبه
۵۹	پرسش
۶۱	فصل دوم : طلبه در دوره رشد و تحصیل
۶۱	اشاره
۶۲	طلبه در دوره رشد و تحصیل
۶۴	ضرورت تحصیل
۶۴	اشاره
۶۴	الف) ارزش تفقه
۶۵	ب) سربازان نبرد فرهنگی
۶۶	ج) نهال فروشی حوزه

۶۸ (د) ثمرات متفاوت
۶۹ (هـ) یاوران امام عصر (عج)
۷۲ پرسش
۷۳ فصل سوم : ویژگی های کنونی حوزه
۷۳ اشاره
۷۴ ویژگی های کنونی حوزه
۷۴ اشاره
۷۴ الف) کمبود منابع انسانی در حوزه
۷۸ ب) حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین
۸۱ پرسش
۸۳ فصل چهارم : روند کلی فعالیت های طلبه
۸۳ اشاره
۸۴ روند کلی فعالیت های طلبه
۸۴ اشاره
۸۵ الف) دوران زندگی حوزویان
۸۶ ب) دوره رشد و تحصیل
۸۸ ج) فعالیت های فرهنگی در برنامه عملی طلبه
۹۳ پرسش
۹۴ فصل پنجم : کارآمدی اجتماعی طلبه
۹۴ اشاره
۹۵ کارآمدی اجتماعی طلبه
۹۵ اشاره
۱۰۷ الف) کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت
۱۰۸ ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین
۱۱۰ ج) کارآمدی در تربیت
۱۱۱ د) کارآمدی در مهارت های عمومی

۱۱۲ ه- به دست آوردن کارآمدی
۱۱۳ پرسش
۱۱۶ فصل ششم : طلبه و انقلاب اسلامی
۱۱۶ اشاره
۱۱۷ طلبه و انقلاب اسلامی
۱۱۸ پرسش ها
۱۱۹ مبانی
۱۲۴ حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی»
۱۳۱ ویژگی های طلبه ی انقلابی
۱۳۱ اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه
۱۳۲ مجاهدت و استقامت
۱۳۴ هدفمندی و رسالت مداری
۱۳۶ اصلاح، تحول خواهی و پیش بردگی
۱۳۷ نگاه کلان، بین المللی و تاریخی
۱۴۰ دشمن شناسی
۱۴۰ اعتقاد به سنن الهی
۱۴۱ اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند
۱۴۶ آشنایی تخصصی با معارف دینی
۱۴۶ دیگر صفات
۱۴۷ طلبه انقلابی چه چیز نیست؟
۱۴۹ انقلابی بودن؛ وظیفه همگانی یا کفایی
۱۵۱ معرفی منابع
۱۵۴ کتاب نامه
۱۵۹ درباره مرکز

میثاق طلبگی، دفتر اول : رسم طلبگی

مشخصات کتاب

سرشناسه: عالم زاده نوری، محمد، 1349 .

عنوان: میثاق طلبگی، دفتر اول، رسم طلبگی .

تکرار و نام پدیدآور: مؤلف محمد عالم زاده نوری؛ به سفارش و نظارت مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم؛ مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396

مشخصات ظاهری: 144 ص .

شابک: 7 - 42 - 7550 - 600 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص 139 - 144؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: طلاب راه و رسم زندگی.

موضوع: حوزه های علمیه .

موضوع: هدف ها و نقش ها .

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت حوزه های علمیه

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت

رده بندی کنگره: BP 254/7/29 1396

رده بندی دیویی : 297/656

شماره کتابشناسی ملی: 4376342

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

میثاق طلبگی / دفتر اول

رسم طلبگی

محمد عالم زاده نوری

ص: 3

سرشناسه: عالم زاده نوری، محمد، 1349 .

عنوان: میثاق طلبگی، دفتر اول، رسم طلبگی .

تکرار و نام پدیدآور: مؤلف محمد عالم زاده نوری؛ به سفارش و نظارت مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم؛ مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396

مشخصات ظاهری: 144 ص .

شابک: 7 - 42 - 7550 - 600 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص 139 - 144؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: طلاب راه و رسم زندگی.

موضوع: حوزه های علمیه .

موضوع: هدف ها و نقش ها .

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت حوزه های علمیه

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت

رده بندی کنگره: BP 254/7/29 1396

رده بندی دیویی: 297/656

شماره کتابشناسی ملی: 4376342

میثاق طلبگی / دفتر اول

رسم طلبگی

به سفارش و نظارت:

مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه مؤلف: محمد عالم زاده نوری

ناشر: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

نوبت چاپ: چهارم / تابستان 1399

شمارگان: 3000 نسخه

قیمت: 50/000 ریال

صفحه آرایی و طراحی جلد: فرهود مقدم

شابک: 978 - 600 - 7550 - 42 - 7

*تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه محفوظ است *

نشانی: قم، انتهای بلوار پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم (جمکران)، مجتمع دارالولاية، معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکز پخش:

قم، خیابان روح الله، روبه روی مجتمع ناشران، نمایندگی کتاب حوزه های علمیه

025-37735547

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه

025-37748383

ص: 4

دیر زمانی است که بارانی ام *** آمده ام تا تو برویانی ام
آمده ام خسته و چشم انتظار *** گمشده این شب ظلمانی ام
آمده ام تا تو رهایم کنی *** شربت پرواز بنوشانی ام
آمده ام با عطشی آتشین *** چله نشین شب طوفانی ام
آمده ام چشم به راهت نهم *** آمده ام تا که به خود خوانی ام
آدمم ای فجر سپید امید *** در عطش عشق بسوزانی ام
تشنه ام ای دوست صدایم بزن *** عاشق یک جرعه روحانی ام
باز هوای غزلم ابری است *** دیر زمانی است که بارانی ام

ص: 5

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیراز همه فرزندان و عزیزان روحانی

خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علماء و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت

در مسیر دنیا نیست.

امام خمینی قدس سره ، صحیفه نور، ج 2، ص 343

ص: 6

مسأله دکتری افتخاری؛ خوب، البته این یک افتخار است که این دانشگاه این اظهار محبت را به ما بکند؛ لیکن من اهل دکتری نیستم؛ همان طلبگی ما کافی است. اگر بتوانیم به میثاق طلبگی متعهد و پایبند بمانیم که قولاً و فعلاً این میثاق را از دوران نوجوانی و جوانی با خدای متعال اگر خداوند کمک کند و ما بتوانیم این میثاق را حفظ کنیم و در همین عالم طلبگی پیش برویم من این را ترجیح می‌دهم. شما لطف کردید و این برای ما هم مایه مباهات است لیکن من پیشنهاد شما را قبول نمی‌کنم.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در یکی از دیدارها با مسئولان وزارت علوم

در پاسخ به پیشنهاد اعطای دکترای افتخاری به ایشان

ص: 7

مقدمه 13

پیش گفتار 15

فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی 23

الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت 25

ب) کار طلبگی 33

ج) نصاب طلبگی 37

د) آینده کاری طلبه 44

پرسش 49

فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل 51

ضرورت تحصیل 52

الف) ارزش تقیه 53

ب) سربازان نبرد فرهنگی 54

ج) نهال فروشی حوزه 55

د) ثمرات متفاوت 57

هـ-) یاوران امام عصر (عج) 58

پرسش 61

ص: 9

فصل سوم: ویژگی های کنونی حوزه 63

الف) کمبود منابع انسانی در حوزه 63

ب) حوزه بهترین پایگاه آشنایی با دین 68

پرسش 71

فصل چهارم: روند کلی فعالیت های طلبه 73

الف) دوران زندگی حوزویان 74

ب) دوره رشد و تحصیل 75

ج) فعالیت های فرهنگی در برنامه عملی طلبه 77

پرسش 81

فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه 83

الف) کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت 95

ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین 96

ج) کارآمدی در تربیت 98

د) کارآمدی در مهارت های عمومی 99

ه-) به دست آوردن کارآمدی 100

پرسش 101

فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی 105

پرسش ها 106

مبانی 107

حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی» 112

ویژگی های طلبه انقلابی 119

مجاهدت و استقامت 120

هدفمندی و رسالت مداری 122

اصلاح تحول خواهی و پیش برندگی 124

نگاه کلان بین المللی و تاریخی 125

دشمن شناسی 128

اعتقاد به سنن الهی 128

اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند 129

آشنایی تخصصی با معارف دینی 134

دیگر صفات 134

طلبه انقلابی چه چیز نیست؟ 135

انقلابی بودن؛ وظیفه همگانی یا کفایی 137

معرفی منابع 139

کتاب نامه 142

ص: 11

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (1)

مسیر علم آموزی و عمل به دستورات دینی و پاسداری از مرز دین و باورهای اسلامی مسیر انبیا و اولیا و بندگان برگزیده خدا است. طلاب علوم دینی که قدم در میدان علم و عمل میگذارند از مصادیق آیه فوق و از بهترین بندگان خدا هستند. طلاب راستین علوم دینی، هم دعوت به سوی خدا می کنند و دارای عمل صالح اند و هم در گفتار و رفتار تسلیم دستورات دین و از مصادیق مسلمان واقعی می باشند. آگاهی طلاب از رسالت حوزه و زی طلبگی و ارزش و جایگاه سربازی حضرت ولی عصر علیه السلام شناخت آنها را نسبت به خود و ارزش و جایگاه مسئولیت سنگینی که بر عهده گرفته اند بیشتر می کند و این شناخت در ایجاد روحیه کرامت و خودباوری و ایجاد انگیزه در التزام به اقتضائات طلبگی بسیار مؤثر است.

مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت در نظر دارد با استعانت از خداوند متعال و توجهات خاصه حضرت ولی عصر علیه السلام و با بهره گیری از عالمان فاضل و کارشناسان تربیت اخلاقی در ایجاد بینش صحیح نسبت به راه و رسم

ص: 13

1- و کیست خوش گفتار تر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم. (فصلت، آیه 33)

طلبگی تدابیری اتخاذ نماید. چاپ مجموعه کتابهای «میثاق طلبگی» و برپایی دوره تربیت اخلاقی با همین نام برای طلاب جدید الورد در راستای همین هدف است. دفتر امور تربیت اخلاقی وظیفه خود میداند از فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین محمد عالم زاده نوری که از سالیان متمادی دغدغه ارتقای سطح بینش و خودباوری طلاب را داشته و با قلمی روان و اشرافی کامل نسبت به فضای طلبگی، برای آشنایی طلاب با نظام حوزه اقدام به تدوین کتاب حاضر نموده تقدیر و تشکر نماید.

مدیریت اخلاق و تربیت

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

ص: 14

حوزه های علمیه شیعه همواره کانون تربیت نخبگان و فرزاندگانی بوده که رسالت پاسداری از معارف اسلامی و انتشار آن را در طول اعصار و قرون بر دوش داشته اند. دانشمندانی که با سلاح علم و کلام و قلم به احیا و اصلاح جوامع انسانی همت گمارند و واسطه فیض دریافت پیام خدا و کسب معرفت و بصیرت گردند.

آیین آسمانی اسلام که با ندای «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» بر کره خاکی فرود آمد، چنان بر تربیت این مرزبانان اعتقادی و مریبان انسانیت ارج نهاد که به اندک زمانی، وجهه غالب اجتماع اسلامی، وجهه علم آموزی و دانش پژوهی گشت و در دامان گسترده آن حوزه های پررونق علمی و دانشهای فراوان اسلامی پدید آمد. قرآن کریم خود بنیانگذار حوزه های اسلام پژوهی و اسلام گستری بود و فرمان «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» (1) صادر کرد. پیام آور این کتاب دانشمندان دینی را مثال ستارگان آسمان دانست که بدانها تاریکی ها زدوده می شود. (2)

امیر مؤمنان علیه السلام در خطاب معروف خود به کمیل هر آن کس را که نه دانشمند ربانی و نه دانش آموز در راه رستگاری، باشد فرومایه ای ناچیز می شمارد که به هر

ص: 15

-
- 1- تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد. (توبه، آیه 122)
 - 2- قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم : انَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ. (منية المرید، ص 104)

بانگی و با هر بادی به سوی روان گردد. (1)

«حوزه علمیه» مرکز پرورش آن دانشمندان ربانی است و «طلبه» همان آموزنده و جوینده ای که در مسیر «شدن» قرار گرفته است طلبه امروز رهبر دینی و پیشوای فکری فردای جامعه است و گنجینه ای در اختیار دارد که بهره مندی از آن معماری تمدن بزرگ اسلامی را در جامعه جهانی ضمانت میکند.

آنان که معنای عمیق انتظار را به خوبی آموخته اند و چشم به راه پیدایش آن فردای تابناک در جهان غم زده امروزند، تربیت این نخبگان و فرزندگان و مصلحان اجتماعی را جز از حوزه های علمیه و از سیمای همین طلبه های امروز سراغ نمی گیرند. بی تردید تلاش برای پرورش جامع طلاب و خدمت به فرایند رشد و تعالی آنان، مسیر آن آرمان جهانی را هموار می سازد و آن افق تابناک را نزدیک تر می سازد.

طلاب علوم دینی که به هدف سربازی امام عصر علیه السلام و پاسداری از آیین حیات آفرین الهی، متاع اندک دنیا را رها کرده و از برخوردارگی ها و نعمت های آن چشم پوشیده و در یک معامله بزرگ با خدا به سوی حوزه های علمیه رو کرده اند، طی سال های متمادی و در یک فرایند پریچ و خم و دشوار، گوهر وجود خود را در کانون آموزش و پرورش حوزوی جلا بخشیده و به مرور زمان مشعل داران هدایت و سفیران دین آسمانی خواهند شد.

این فرایند طولانی مدت در میانه راه با مشکلات و آسیبهای فراوانی روبرو است و جز به صبر و بصیرت و معرفت و استقامت کامل نخواهد شد.

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ. (2)

این پرچم را حمل نمی کند، مگر اهل بصیرت و صبر.

ص: 16

1- النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ رَعَاعٌ. (نهج البلاغه، حکمت 147)

2- نهج البلاغه، خطبه 173.

از این رو طلبه باید پیش از ورود به طلبگی و همواره در حین آن، بصیرت و معرفت لازم را برای این حرکت مقدس کسب کند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا. (1)

کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که در بیراهه می رود. هرچه سریع تر حرکت کند دورتر می گردد.

امام علی علیه السلام نیز به کمیل فرمودند:

يا كميل ما من حركة إلا وأنت محتاج فيها إلى معرفة؛ (2)

کمیل! هیچ حرکت و رفتاری نیست مگر آنکه تو در آن نیاز به معرفت داری.

برای تبیین نیاز به بصیرت راه طولانی در پیش. نداریم به دلیل عقلانی و تجربی نیز می توان نیاز به بصیرت را نشان داد همه ما وقتی وارد محیط جدیدی میشویم تلاش میکنیم دید کامل و اطلاعات جامعی از آن به دست آوریم که در استفاده بهینه از آن محیط موفق تر باشیم. احتمالاً همه ما زمانی که برای اول بار به مدرسه علمیه وارد شدیم در جست و جوی امکانات مدرسه، مراکز اداری، جهت قبله، محل کتابخانه، نمازخانه، پارکینگ، حمام و.... زمانی را صرف کرده ایم و اکنون از صرف آن زمان نیز خرسندیم با اینکه نهایت استقرار ما در آن مدرسه بیش از چند سال نیست.

کسی که طلبگی را برای آینده خود برگزیده است در فضای جدیدی پانواده که حدود شصت سال در آن استقرار خواهد داشت و آینده شخصیتی خود - بلکه آخرت و ابدیت خود - را بدان رقم خواهد زد؛ از این جهت برای حیات حوزوی خود نیاز به معرفت دارد یعنی همان دید کامل و اطلاعات جامع را نه تنها در مورد فضای مادی و داخلی مدرسه علمیه بلکه برای کل حوزه باید به دست آورد تا بهره او از حوزه

ص: 17

1- کلینی، الکافی، ج 1، ص 43.

2- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 171

کامل تر شود. طلبه با ورود به عالم طلبگی نقشه ای برای تمام عمر خود می کشد. بنابراین لازم است که متناسب با این سرمایه عظیم شصت ساله آگاهی های لازم را کسب کند و به فراز و فرود نظام روحانیت آشنا گردد.

بصیرت به معنای چشم باز داشتن و از بالا نگاه کردن است. وقتی صحنه ای را از بالا نگاه می کنیم، اشراف و احاطه ما بسیار بیش از زمانی است که از درون به آن می پردازیم. وقتی وارد شهری می شویم آسان ترین راه برای آشنایی با آن تهیه نقشه است، نه گشت و گذار لذت بخش در آن. تهیه نقشه شهر، نگاه به شهر از بالا، یعنی از چشم یک پرنده یا از داخل هواپیماست، و این به معنای صرف نظر از جزئیات و پرداختن به روابط و نسب کلان است. در مقابل گشت و گذار در شهر به معنای دقت در جزئیات آن است که انرژی و زمان فراوانی می طلبد و در نهایت نیز معلوم نیست تجسم درستی از شهر برای ما پدید آورد؛ بلکه گاهی حیرت نیز می آفریند.

امام علی علیه السلام به حارث بن حوط فرمود:

یا حَارِثُ إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتَكَ وَلَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحِرْتَ. (1)

ای حارث تو به زیر پایت نگاه کرده ای و بالا را ندیده ای، لذا حیران و سرگردان شده ای.

برای ایمنی از این حیرت و سرگردانی به معرفت نیاز داریم. یعنی باید حوزه علمیه را فارغ از همه جزئیات از نقطه ای بسیار بالا ببینیم و روابط و نسبت های کلان آن را به خوبی بشناسیم.

شاید طلبه هایی را دیده باشیم که پس از سالها تحصیل پر نشاط و تلاش فراوان علمی به کارهایی مانند فعالیتهای خدماتی و ویراستاری و کارمندی روی آورده اند. کارهایی که با رسالت اصیل حوزه های علمیه و با حجم تحصیل و تلاش

ص: 18

طلبه در دوره رشد تناسب ندارد و امتداد آرمان این نهاد به شمار نمی رود. این رخداد نامبارک، برخاسته از عدم بصیرت صنفی و فراموشی هویت یا غفلت از آن است. بحران تصمیم گیری و نازل بودن سطح انتخاب در میان طلاب نیز ناشی از همین کاستی و مولود عدم تثبیت هویت در ساختار روانی آنان است.

این دغدغه که «آیا طلبه بهره اجتماعی خوبی خواهد داشت و ثمره ویژه ای بر وجود او مترتب خواهد شد؟» و این شبهه که آیا این همه درس و بحث و تحصیل و تلاش با خدماتی که در آینده بر دوش طلبه نهاده میشود و از او انتظار می رود تناسب دارد یا نه؟ و این اندیشه که در شرایط موجود جامعه بستر کدام خدمت بزرگ اجتماعی برای طلبه فراهم است؟» و... همه از مقوله هویت صنفی طلبه است.

این نگرانیها و ابهامات - خصوصاً در آغاز طلبگی - بسیار است. اینکه «طلبه برای ساماندهی فعالیتهای خود و بهره مندی بهینه از طلبگی اش به دنبال چه باشد؟»، «چگونه و چه میزان درس بخواند؟»، «چه موقع و با چه کسی ازدواج کند؟»، «چه شرایط خاصی را برای زندگی در نظر گیرد؟»، «چگونه استعداد خود را تشخیص دهد؟»، «از مراکز تخصصی و مؤسسات وابسته به حوزه استقبال کند یا نکند؟»، «چه زمانی ملبس شود؟»، از چه زمانی و با چه طرحی به تبلیغ رود؟ پرسشهایی در این زمینه است. (1)

بررسی این مسائل دوگونه است؛ صورت اول این است که هر یک از آنها از نگاه مسئولان، متولیان، مدیران، کارگزاران، مراجع و خلاصه کسان مهم دیگر حل شود. در این بررسی، وظایف دیگران کشف می شود و انواع اقداماتی که آن دیگران در جهت اصلاح شرایط موجود میتوانند انجام دهند پیشنهاد می گردد؛ اقداماتی که اگر صورت پذیرد زمینه رشد و تربیت بهینه طلبه فراهم تر و احتمال رسیدن او به اهداف

ص: 19

1- فهرست بلندی از این موضوعات را در دفتر اول از کتاب راه و رسم طلبگی ببینید.

بلند، بیشتر می شود. حاصل این بررسی ها مجموعه پیشنهادهایی است که باید به همان مسئولان و مدیران عرضه شود تا اگر فرصت مطالعه یا امکان و اختیار اجرای آن را داشته باشند، با اجرای آن امید بهبود وضع کنونی پدید آید. در این موارد تنها در صورتی مشکلات و محدودیتهای ما کم می شود که دیگران اقدامی و حرکتی داشته باشند و به وظایف خود عمل کنند. صورت دیگر، حل مسئله و ارائه راهکار برای شخص طلبه بدون در نظر گرفتن اراده دیگران است. در این نگاه فرض می شود که دیگران برای طلبه هیچ اقدامی نمی کنند و لاقدر در زمانهای نزدیک وضعیت موجود تغییر چشم گیری نخواهد داشت، آنگاه وظیفه طلبه و مهم ترین یا مؤثرترین اقدامات او در چنین ظرفی یعنی در حوزه اراده او نه دیگران کشف خواهد شد.

در نگاه اول مشکل دیگران حل می شود اما در نگاه دوم مشکل طلبه مد نظر قرار گرفته است، از این رو توصیه های برآمده از این نگاه خطاب به شخص طلبه است نه دیگران. به او توصیه می شود که از همه دیگران قطع امید کند و انتظار یاری از آنان نداشته باشد و با استفاده از امکان و فرصتی که خود در اختیار دارد و در همین نظام موجود با بهترین برنامه ریزی به بالاترین سطح شکوفایی دست یابد. گویا هر مشاور در برخورد با مخاطب و مراجع خود چنین رویکردی را باید برگزیند زیرا رویکرد اول از زبان مشاور به احساس درماندگی و ابراز ناتوانی دامن میزند و جز معنای ناله کردن یا هم ناله شدن ندارد؛ اما رویکرد دوم جلوی نق و ناله را می گیرد و راه گشودن گره ها را به دست همت و اقدام و مجاهدت می نمایاند. دفتر حاضر با چنین رویکردی نگاشته شده و به همین جهت تنها با طلاب مبتدی - نه مسئولان و کارگزاران حوزه - سخن می گوید.

این اثر گزیده و بازنگاری آثار قدیم نگارنده خصوصاً کتاب راه و رسم طلبگی است؛ البته یک فصل جدید با عنوان «طلبه و انقلاب اسلامی» به آن افزوده شده که برای اول بار نشر می یابد. غرض اصلی از تدوین این نوشتار اعطای بینش کلی نسبت به هویت

طلبگی و برنامه ریزی صحیح به طلاب ورودی جدید حوزه های علمیه» است و تلاش شده به اصلاح پاره ای از تصورات مفروضات و انتظارات پیشین طلبه که ناشی از آشنایی سطحی با حوزه است - پردازد. امید که پرتو عنایات آفتاب چهاردهم علیه السلام بر این اثر ناچیز بتابد و مورد قبول پروردگار قرار گیرد. ان شاء الله

در پایان از دفتر مطالعات تهذیبی و تربیتی معاونت تهذیب که بازبینی، اصلاح و ویرایش اثر حاضر را بر عهده داشت و نیز دفتر امور تربیت اخلاقی معاونت تهذیب که تدوین اثر حاضر به سفارش آن دفتر بوده، صمیمانه سپاسگزارم.

محمد عالم زاده نوری

تابستان 1395

ص: 21

فصل اول : هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی

اشاره

ص: 22

هویت هرکس یا هر چیز اوصاف ویژه او است که در کسان یا چیزهای دیگر دیده نمی شود. یعنی اموری که وجه تمایز او از سایرین است و موجب بازشناسی او از دیگران می شود. هویت بر چند قسم است هویت فردی، هویت نوعی و هویت صنفی هویت فردی یک فرد را از سایر افراد متمایز می سازد هویت نوعی یک نوع کلی را از سایر انواع مشخص می کند؛ اما نمی تواند تمایزات میان افراد را معلوم کند و هویت صنفی نیز تمایز یک صنف نسبت به سایر اصناف تحت یک نوع را ذکر می کند. (1) «هویت» همانگونه که تمایزات یک چیز را از دیگران بیان میکند اوصاف مشترک میان افراد یک نوع را نیز بیان می کند. بنابراین هویت صنفی طلبه از طرفی مایه امتیاز طلبه از غیر طلبه است و از طرفی مایه اشتراک طلبه ها با یک دیگر در بیان هویت طلبه باید اوصافی ذکر شود که اختصاص به طلبه دارد و طلبه را از سایر اصناف اجتماعی ممتاز می گرداند و موجب می شود مصداق طلبه از غیر طلبه به خوبی بازشناخته شود.

طلبه دارای یک «هویت» و «خود» فردی و نیز دارای یک هویت و خود صنفی

ص: 23

1- مراد از صنف در عنوان عبارت از گروهی است که یک نقش اجتماعی ویژه و مشترک را برعهده گرفته باشند. هر چه مدنیت افزوده گردد در نظام تقسیم کار و توزیع نقش اجتماعی لاجرم اصناف بیشتری پدید می آیند. البته ممکن است افراد برخی از این اصناف ارتباط نظام مندی باهم نداشته باشند مثلاً سازمان تعریف شده یا اتحادیه‌های تشکیل نداده باشند اما به هر حال به جهت ایفای یک نقش و کارکرد مشترک و ارائه یک خدمت واحد، یک صنف ممتاز هستند. این واژه گاهی به جنبه شغلی (مشغولیت)، درآمدزایی و بهره اقتصادی انصراف پیدا میکند که در این کتاب ابدأ مورد نظر نیست.

است، یعنی یک شخصیت حقیقی فردی و یک شخصیت حقوقی و صنفی دارد. به همین جهت همانگونه که موظف به «خودشناسی»، «خودآگاهی» و «خودسازی» فردی است، موظف به خودشناسی خودآگاهی و خودسازی صنفی است. همانگونه که به عنوان یک انسان باید از ظرفیت ها، دارایی ها، فرصت ها، نیازها، استعدادها، بایسته ها، وظایف و کاستی های خود اطلاع داشته باشد به عنوان یک طلبه - یعنی به عنوان یکی از اعضای این گروه همکار - باید تصورات خود را از ظرفیت ها، دارایی ها، فرصت ها، نیازها، استعدادها، بایسته ها، وظایف و کاستی های حوزه و روحانیت اصلاح کند و به خودسازی صنفی بپردازد؛ یعنی خود را برای انجام وظیفه در این صنف اجتماعی آماده سازد. همانگونه که به عنوان یک انسان به موفقیت و کمال انسانی خود میاندیشد به عنوان یک طلبه باید به موفقیت و کمال صنفی خود نیز توجه داشته باشد. بدین ترتیب باید دو آرمان را به موازات هم دنبال کند؛ آرمان فردی و آرمان صنفی.

آشنایی با هویت یک گروه اجتماعی (راننده، کارمند، کاسب، طلبه) دورنمای وظایف و بخش عمده ای از برنامه شبانه روزی او را روشن می گرداند. وقتی می گوئیم «فلان کس راننده است»، دورنمای فعالیت های او را به نحو کلی میتوان حدس زد. یک پزشک، عمده زمان مفید و توان خود را به کار در مطب یا بیمارستان می گذراند. طلبه نیز عمده وقت مفید و توان خود را به «طلبگی» باید بپردازد؛ اما پرسش اساسی این است که «طلبگی» چه معنایی دارد؟

اگر در هویت طلبه کاوشی عمیق تر نماییم، دستور کار و وظایف او را به روشنی در می یابیم.

هر یک از اصناف اجتماعی به هدف رفع یکی از نیازهای زندگی انسان پدید آمده است. بدون شک نیاز انسان منحصر در تأمین خوراک و پوشاک و آسایش مادی نیست. نیاز غیر مادی انسان به مراتب از نیاز مادی او فراوان تر و اساسی تر است، زیرا حقیقت انسان و انسانیت او در گرو عناصر غیر مادی است. از جمله این نیازها، نیاز به وحی، نیاز به دین و نیاز به هدایت آسمانی است. پروردگار جهان برای رفع این نیاز مهم، شخصیت های برگزیده ای را به همراه پیام آسمانی به میان مردم فرستاده است. این چهره های ممتاز بشریت حامل سه مسئولیت بزرگ هستند

دریافت پیام خدا (نبوت، خبرگیری)؛

انتقال این پیام به مردم (رسالت، ابلاغ)؛

اجرا و تحقق بخشیدن به آن محتوا در سطح جامعه (امامت، ولایت).

پس از رحلت آخرین پیامبر و غیبت آخرین وصی او - امام عصر علیه السلام این سه مسئولیت خطیر نیاز به متولی دارد. لازم است در کنار اصناف مختلف که به رفع نیازهای گوناگون اجتماعی می پردازند، صنف دیگری پدید آید که این وظایف سنگین را بر دوش گرفته و دنباله رو حرکت پیامبران گردد. این صنف، روحانیان و عالمان دین نام گرفته اند. عالمان دین وارثان و جانشینان پیامبران هستند (1) و متناظر با مسئولیتهای سه گانه پیامبران سه تکلیف بزرگ برعهده دارند. آیه 122 سوره توبه به این سه تکلیف اشاره دارد.

ص: 25

1- أَنْ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ . (کلینی، الکافی، ج 1، ص 34)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛

و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا آگاهی عمیق در دین پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند .

در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم و جوب جهاد و حرکت به سوی جبهه جنگ استثنا شده اند تا این سه هدف را پی گیرند. فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی. (لیتفقوها)؛ (1)

بازگشت به میان مردم، انذار و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین (لینذروا)؛

تلاش برای تحقق آرمان های دینی. (لعلهم یحذرون).

تحصیل ادبیات عربی که زبان منابع دین است، آشنایی با قواعد مفاهمه عرفی در علم اصول فقه، علوم قرآنی، علوم حدیث، تفسیر، بررسی منابع روایی، پژوهش به هدف کشف نظر دین در موضوعی خاص و... همه تلاش هایی است که در راستای فهم عمیق دین صورت می گیرد. ایجاد کتابخانه و نمایشگاه، تولید نرم افزارهای علوم اسلامی، کتابنامه ها، فهرست ها، معاجم... گرچه گامی مستقیم در راه تفقه به شمار نمی رود؛ اما به کاروان فهم دین کمک می کند و مسیر حرکت این کاروان را هموارتر یا کوتاه تر می سازد.

سخنرانی، تدریس، تألیف، کتاب، ترجمه متون دینی، تولید نرم افزارهای کاربردی، تشکیل مراکز فرهنگی و... تلاش هایی است که در جهت هدف دوم (تبلیغ دین) صورت می گیرد. سازمان روحانیت برای تبلیغ دین باید از هر گونه ابزار

ص: 26

1- فقه با فهم سه تفاوت دارد؛ فقه فهم همراه با تأمل و تعمق است. علاوه بر فکر با قلب نیز ارتباط دارد یعنی فهم همراه با دل است و نیز به سوی عمل تجهیز میکند یعنی فهم اگر به آستانه فقه برسد عمل زا است.

مفید و شیوه های کارساز و دانشهایی که از لوازم تحقق این اهداف است بهره گیرد. پاره ای از علوم و معارف نظیر فنون بلاغت و اصول نگارش در راستای همین هدف به سیستم آموزشی حوزه ها راه یافته است. این رویه درباره علوم و مهارت های دیگر نیز باید اعمال شود.

تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و اداره آن بر طبق اسلام و ولایت اجتماعی، قضاوت و دادرسی، رهبری و مدیریت جریانهای علمی و فرهنگی و سیاسی در راستای اهداف دین، ایجاد زمینه های تحقق تمدن اسلامی، اجرای حدود شرعی، طراحی مدل های دینی در علوم انسانی، بسترسازی برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف مکتب و... تلاش هایی است که در دایره وظیفه سوم قرار دارد. مراد از اجرای دین تنها اجرای احکام دین توسط فرد نیست. زیرا پای بندی به احکام دین وظیفه همه مسلمانان است و اختصاصی به طلبه ندارد؛ بلکه مراد از آن برنامه سازی و تلاش منضبط برای اجرای دین در سطح کلان جامعه و تمهید مقدماتی (مانند تشکیل ساختارها، تدوین قوانین و قواعد و...) است که موجب تسهیل و گسترش رفتار دینی و انگیزه سازی برای دینی زیستن و اسلامی ماندن گردد. (1)

ص: 27

1- تلاش برای اجرای دین دامنه بسیار گسترده ای دارد و شامل هرگونه اقدامی که به نوعی بستر و زمینه تحقق اهداف دین را فراهم کند می شود. هر جا که انسان از اختیار و نفوذ خود در دیگران به گونه ای استفاده کند که راه دین داری هموارتر شود و انگیزه عمل تقویت گردد، به تحقق دین کمک کرده است. مثلا اقدام رهبر معظم انقلاب در تشویق جوانان به انس با قرآن با ایجاد رقابت و اهدای جوایز سنگین و... که موجب پیدایش جریان اقبال از قرآن و تشکیل جلسات قرآنی فراوان گردید و در نهایت به آشنایی نسل جوان با معارف قرآنی انجامید یا تأمین تسهیلات و امتیازات ویژه برای ازدواج جوانان یا اجرای حدود و قصاص و تعزیرات که در فقه اسلامی در نظر گرفته شده است همگی به تحقق دین یا تحقق بخشی از آموزه های دینی منتهی میشود این فعالیت ها از مقوله پیام رسانی و تبلیغ نیست، تصرف در اراده ها و ایجاد انگیزه است و در نهایت به مهندسی اجتماعی می انجامد.

1 - فهم دین

2 - تبلیغ دین (1)

3 - اجرای دین

شئون پیامبران

تفقه

نبوت

انذار

رسالت

حذر مردم

امامت (2)

علاوه بر این ها دفاع از دین و مرزبانی اعتقادی، حراست از چارچوب و اصول و احکام دین، زدودن خرافه ها، انحرافات و پیرایه های موهوم از آن نیز وظیفه روحانیت است .

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرمودند:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ: (3)

هرگاه انحرافات و بدعت ها در میان امت من ظاهر شد، بردانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا باو باد.

حوزه های علمیه برای استمرار حیات خود باید به تربیت نیروهایی بپردازند که این رسالت ها را بر دوش گیرند و در یک نظام تعلیمی و تربیتی کارآمد این عناصر گران قدر را پرورش دهند.

بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت سمت و مقامی نیست که در سایه آن روحانیون امتیازات مادی کسب کنند یا حرفه ای که نظیر حرفه های دیگر، یک دسته آن را

- 1- مراد از تبلیغ معنای عامی است که شامل مصادیق متنوعی می‌گردد. معرفت افزایی، خرافه زدایی، بدعت ستیزی، دشمن شناسی بصیرت زایی ایجاد، محبت ارشاد، عملی پاسخگویی، امر به معروف و نهی از منکر و تربیت نیرو همه در این معنای عام مندرج اند.
- 2- به تعبیر دقیق تر می‌توان گفت نظام روحانیت برخلاف تصور موجود وارث و جانشین انبیا نیست بلکه جانشین امامت است؛ به همین جهت وظایفش سنگین تر از نبوت و رسالت است. وقتی نظام امامت، توسعه پیدا می‌کند، غیر از دریافت و تلقی وحی که وظیفه نبی است و ابلاغ که وظیفه رسول است، روحانیت وظیفه اجرا و اعمال را هم بر دوش دارد با این تعریف روحانیت باید به هر سه لایه ماموریت های امامت، توجه نماید. بنابراین روحانیت نهادی اجتماعی است که غایتش بسط و استمرار نظام امامت است و در دوره غیبت باید راه امامت را در ابعاد وسیع تری دنبال کند.
- 3- کلینی، الکافی، ج 1، ص 54.

پیشه و وسیله امرار معاش خود قرار دهند. روحانیت در اسلام به معنی آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است. بی آنکه علم و تقوا سرمایه دنیا طلبی گردد. (1) شجره نامه صنفی روحانیت از مسیر عالمان ربانی دوره غیبت به امامان معصوم و از طریق آنها به پیامبران الهی می رسد. عالمان ربّانی و مردان خدا در شمار پدران صنفی طلاب علوم دینی هستند. طلبگی سلسله ای است متصل به عالمان بزرگ، امامان و پیامبران. نسب نامه طلاب به مردان بزرگ تاریخ منتهی می شود و صف طولانی روحانیت تاریخ، قافله سالاری مانند نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام دارد. (2)

طلبه از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلاله نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام، محمد علیه السلام و وارث علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام، و این بس افتخار آمیز و مسئولیت آفرین است. نیاکان صنفی طلبه، انبیا و اولیا

هستند؛ یعنی وظایفی را که آنها بر دوش داشته اند و خدمتی را که آنها در جامعه انجام می داده اند، طلبه، در شرایط امروز، بر عهده گرفته است. پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند، طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می شود. پیامبران مردم را به خدا و تقوی دعوت می کردند و سخن خدا را به مردم انتقال میدادند طلبه نیز همین خدمت اجتماعی را برگزیده است. پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش های الهی کوشیدند، وظیفه طلبه نیز همین است. پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند طلبه هم در برگام بر می دارد، و البته پیامبران بدون توقع پاداش، در معرض آزار و هین و تمسخر مردم قرار گرفتند طلبه هم باید برای این امور آماده باشد. می توان

ص: 29

1- شهید سید محمد حسین، بهشتی، ولایت رهبری، روحانیت؛ ص 139 .

2- ر.ک: محمدرضا حکیمی، هویت صنفی روحانی.

گفت که طلبه همکار و همیار امام زمان علیه السلام است و دغدغه های آن حضرت وجود او را نیز فراگرفته است. دغدغه اسلام و کفر، دغدغه حق و باطل، دغدغه جهان اسلام، دغدغه تحقق جامعه ایده آل اسلامی و دغدغه تربیت انسان های صالح و مقرب. می توان گفت که طلبه سرباز امام زمان علیه السلام است و نیرویی برای تحقق آرمانهای آن حضرت، یعنی در لشکر فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام مسئولیت خاصی می پذیرد و سنگر خالی ای را پر میکند و به عنوان عضوی از یک مجموعه که امام زمان علیه السلام فرمانده و قافله سالار آن است انجام وظیفه می کند. می توان گفت طلبه، سهم امام است. یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه، که تمام وجود او - و تمام دارایی های معنوی، توانایی ها، استعدادها، و ظرفیت های او - متعلق به امام عصر علیه السلام است و باید طبق فرمان آن حضرت خرج گردد.

طلبه از اینکه در زمره ذریه صنفی اولیای برگزیده خدا است، بر خود می بالد و با عنایت حق باید تلاش کند تا خلف صالحی برای آنان باشد. خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می کند، رفع مهم ترین و حیاتی ترین نیاز انسان ها است. نیاز به معنا، نیاز به انسانیت، نیاز به خدا، نیاز به آسمان، و نیاز به هدایت... و آشناسازی انسان ها با مهم ترین حقیقت هستی یعنی خدا.

به بیان دیگر طلبه امروز، عالم فرداست و عالم دین وارث انبیا و انبیای الهی مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده اند، مراد از تعلیم، تعلیم کتاب و حکمت (نه آموزش حساب و هندسه و جغرافیا) و مراد از تربیت نیز تربیت معنوی انسانها (و نه تربیت بدنی، یا تربیت هنری) است. بنابراین طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی - تربیتی در جامعه است که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می شود و تلاش می کند. روحانیت، نهادی اجتماعی است که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده (1)

ص: 30

و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است خدای متعال برای نیاز جامعه به کسب و تجارت یا پزشکی و مهندسی یا رانندگی و آهنگری، به صورت مستقیم نیرو فرستاده است؛ اما برای رفع نیاز بشر به دین اخلاق و معنویت 124000 انسان صالح ارسال داشته و آنها را به گونه های مختلف تأیید و هدایت و حمایت کرده است. بعثت پیامبران در پی نیاز انسانها به تعلیم و تزکیه بوده و این نیاز چندان اساسی و بزرگ است که از میان همه نعمت ها، خدای بزرگ تنها نعمت بعثت را به رخ انسان کشیده و بر او منت نهاده است. (1)

نهاد مقدس روحانیت، در نظام گسترده تقسیم کار اجتماعی و در شبکه روابط انسانی، متکفل ارائه خدمات ویژه ای است. نقش ویژه این سازمان مهم در مناسبت با «دین اسلام» تعریف می شود. روحانیت، بالمآل عهده دار وظیفه تعلیم و تربیت دینی نسلها و جوامع انسانی است. روحانی نیز مانند نیاکان صنفی خود - پیامبران و اولیا - یا معلم کتاب و حکمت خواهد بود، یا مربی و مزگی جان های آماده: «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ». (2) و از او انتظار می رود در راه افزایش شناخت، آگاهی و بصیرت دینی، تقویت انگیزه های الهی و گسترش رفتار اخلاقی تراز دین در میان مردم تلاش کند.

ص: 31

-
- 1- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان بیسوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (جمعه، آیه 2)
- 2- ... حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند... (بقره، آیه 129)

طلبه می تواند از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در زمینه های مختلف بهره گیرد و انواع خدمات ارزشمند اجتماعی را برعهده گیرد. یک روحانی میتواند پزشک باشد و علاوه بر تبلیغ دین به معالجه و درمان مردم پردازد، روحانی میتواند با کودکان و نوجوانان انس گیرد و به آنها خط و املا و ریاضی و زبان بیاموزد، روحانی می تواند در یک موسسه مالی اعتباری - سهام باشد و در بهبود اقتصاد کشور خویش نقشی ایفا کند. روحانی می تواند به تولید محصولات کشاورزی، دام یا فرآورده های صنعتی اقدام کند روحانی می تواند خدمات فنی و حرفه ای ارائه دهد...؛ اما هیچ یک از این فعالیت ها، فعالیت صنعتی روحانی به شمار نمی رود و به طلبگی، روحانیت، لباس و نقش اجتماعی ویژه او مربوط نیست. هیچ کدام از این گزینه ها از روحانی - از آن جهت که روحانی است - انتظار نمی رود و روحانی به خاطر کاستی و کاهلی در آن هرگز مؤاخذه و ملامت نمی شود و کسی از روحانی توقع ندارد توان آموزش فن رایانه یا هنر خوش نویسی را داشته باشد. کسی توقع ندارد که روحانی پاسخگوی پرسش های فیزیکی و شیمی و جبر و حساب و هندسه باشد. هیچ کس از روحانی برای ساخت یک بنای مسکونی یا تعمیر وسیله نقلیه خود مشاوره فنی نمی طلبد. روحانی مسئول حل معضل ترافیک یا بهینه سازی تجهیزات آزمایشگاهی مدارس نیست .

اگر کسی چنین پندار یا انتظاری از روحانی دارد باید به سرعت آگاه شود که آدمی زاده در این جهان گسترده، با یک دست تنها یک هندوانه می تواند بردارد و توقعی بیش از این، از یک انسان معمولی منطقی و معقول نیست؛ اما در مقابل، هر کسی حق دارد روحانی را پاسخگوی پرسشهای دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته باشد. هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی - دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند. هر کسی می تواند از روحانی انتظار گره گشایی و

بن بست شکنی در تلاطم های روحی و بحرانهای فکری اعتقادی داشته باشد. روحانی مسئول دفاع از معارف دینی در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی جبهه کفر است. روحانی باید آموزه های فقهی، اخلاقی و معرفتی اسلام را به خوبی دریافته باشد و نسبت میان آنها را بداند.

از روحانی انتظار نمی رود معلم جغرافیا و زبان انگلیسی باشد؛ اما به حق انتظار می رود که معلم خوبی برای قرآن و حدیث باشد. حل معضل ترافیک یا ترکیب آلیاژ قطعات صنعتی در حوزه مسئولیت روحانی نیست؛ اما تجزیه و تحلیل آثار تربیتی - اخلاقی مسائل دنیای جدید از جمله همین مسئله ترافیک یا توسعه صنعتی برعهده روحانیان است. روحانیت اگر فنون فیلم سازی یا ترفندهای سینمایی را نداند، عیب نیست و قصور از وظایف اجتماعی محسوب نمی شود؛ اما اگر هنر توسعه دین داری و عبودیت را نداشته باشد کوتاهی کرده است. روحانی اگر این توانمندی های متفرقه را نداشته باشد حداکثر یک مکانیک یا پزشک یا آهنگر نیست؛ اما اگر نتواند جامعه را به سمت ارزش های اخلاقی و الهی دعوت کند، «روحانی» نیست.

روحانی حتی به دنبال کسب تخصص در نحو و صرف و فلسفه و تاریخ و روان شناسی و اقتصاد و علوم سیاسی نیست. این علوم گرچه در حوزه های علمیه تدریس می شود و ساعت ها سرمایه انسانی حوزویان را در اختیار خود میگیرد؛ اما هدف اصلی یک حوزوی هیچ کدام از اینها نیست روحانی عالم دین است. تمام تعریف خود را از «مناسبت با دین» دریافت می کند و تمام تعهد خود را در این نسبت به کار می گیرد.

البته روحانیت وظیفه دارد در راه به فهمی دین خدا هرگونه تلاشی را به کار گیرد. انواع فعالیت های علمی (عقلانی، تجربی و....) به هدف کشف آفاق جدید دین از وظایف روحانی است. هدف اصلی او به فهمی دین است و در این راه مقدمات لازم را باید کسب کند؛ ولی بسیار تفاوت است میان کسی که می خواهد عالم فلسفه

و روان شناسی باشد با کسی که فلسفه را در خدمت فهم معارف دین می خواهد، و نیز میان کسی که عالم صرف و نحو است و کسی که صرف و نحو و ادب عربی را در خدمت فهم قرآن و حدیث می خواهد. دانشمند علوم تجربی جدید با دانشمند دین متفاوت است. عالم دین، در پی کشف نظر خدا و در صدد فهم سخن پیشوایان معصوم علیهم السلام است و در صرف و نحو و فلسفه و عرفان و روان شناسی به

دنبال دست یابی به قرائن و شواهدی است که حقایق و حیانی را بهتر و بیشتر معلوم گرداند، در حالی که عالم فلسفه یا روان شناسی فارغ از دغدغه شناخت وحی، به دنبال شناخت حقایق از روشهای خاص علوم است.

علاوه بر ۱. فهم دین ۲. ابلاغ پیام دین و ۳ دفاع از دین، حوزه های علمیه متکفل ۴. تحقق دین در جامعه نیز هستند. حوزه پیش از انقلاب توان مهندسی کلان فرهنگی و بنیانگذاری فرهنگ اسلامی در سطح جامعه جهانی را نداشت و از مجاری قدرت اجتماعی و تأثیرگذاری بر کلان جامعه محروم بود، بدین جهت بیشتر به طراحی، توسعه، ترویج و دفاع از نظام معرفتی دین می پرداخت و در کنج ضعف و انزوا و محدودیت به همین مقدار بسنده کرده بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه اختیار عالمان دین، مسئولیت های سنگین تری بر دوش حوزویان قرار گرفت. حوزه امروز باید در صدد ارائه الگوی همه جانبه اداره جامعه اسلامی - و غیر اسلامی - بر اساس آن نظام معرفتی و حرکت به سوی تمدن سازی اسلامی باشد. تمدن سازی اسلامی یعنی ایجاد یک تحول اجتماعی فراگیر و تلاش برای تشکیل جامعه آرمانی بر اساس نظام آموزه های اسلامی، جامعه ای که در آن کسب

معرفت و اجرای احکام فقهی حقوقی و اخلاقی اسلام، روان و پویا و مستمر باشد. این نسل برخلاف نسل اول که وظیفه اش بر هم زدن بنیان جامعه و فرهنگ کهن آن بوده وظیفه اش پی ریزی یک فرهنگ نو، جامعه نو و تمدن جدید است. بنابراین کارکردها و رسالت های حوزه پیش و پس از انقلاب، بسیار متفاوت گشته و در پرتو

آن نقش ها و کارکردهای طلبه نیز توسعه یافته است.

با این توضیحات، گویا شاخصی برای شناخت کار طلبگی از کارهای دیگر به دست آورده ایم. کار طلبگی کاری است که این رسالت ها را تأمین کند. فعالیتی که مستقیماً این رسالت ها را تأمین کند قطعاً کار طلبگی است. فعالیتی که با واسطه به تأمین این رسالت ها کمک کند نیز اگر هیچ نهاد دیگری نتواند از ایفای آن برآید یعنی قابل واگذاری به اصناف دیگر نباشد، کار طلبگی است؛ اما اگر در تأمین این اهداف، نیاز به چند واسطه داشته باشد و نیز قابل واگذاری به سایر اصناف باشد کار طلبگی به شمار نمی رود؛ مثلاً آشپز یا راننده ای که در اختیار سازمان روحانیت قرار دارد در نهایت به رسالت های روحانیت کمک می کند؛ اما کار طلبگی نمی کند؛ اما ترجمه متون اسلامی که نیاز به تخصص ویژه حوزوی دارد و ممکن است قابل واگذاری به دیگران نباشد کار طلبگی به شمار می رود، گرچه این فعالیت در تأمین آن غایات، به عنوان یک واسطه عمل می کند.

ص: 35

بیش جدیدی که اینک نسبت به هویت طلبه به دست آورده ایم، شالوده و شناژ برنامه ما را تأمین می کند. اکنون دریافته ایم طلبه نیرویی است که باید در خدمت رسالت های انبیا امام زمان علیه السلام و حوزه های علمیه قرار گیرد. از میان قطعاً این رسالت ها، فهم دین - در حدود ممکن - بر ابلاغ و اجرای دین تقدم دارد و قطعاً دوره زمانی مشخصی را باید به این مهم اختصاص داد. در این دوره، عمده توان و وقت طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به دست آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری به شرطی در زمره فعالیت های صنفی طلبه قرار می گیرد که در همین راستا باشد.

ج) نصاب طلبگی

در صفحات پیش با کار طلبگی آشنا شدیم. اکنون می توان فرض کرد که کار طلبگی از کسی غیر طلبه صادر شود. یعنی غیر طلبه به فعالیت های طلبگی و آخوندی مشغول باشد. همانگونه که می توان فرض کرد طلبه به غیر کار طلبگی اشتغال داشته باشد. بنابراین طلبه را صرفاً از فعالیت های طلبگی نمیتوان باز شناخت. بدین ترتیب گویا هنوز یک سؤال باقی است؛ اینکه طلبه کیست؟ و چه ویژگی هایی در وجود یک شخص موجب صدق حقیقی عنوان طلبه بر او می گردد؟

مراد از «نصاب طلبگی» حداقل بر خورداری ها و ویژگی هایی است که یک طلبه باید دارا باشد تا طلبه نامیده شود به صورتی که با کمتر از آن اطلاق عنوان طلبه بر او شوخی، دروغ یا مجاز است. قدر متیقنی که هر طلبه با هر رویکرد و تخصصی باید داشته باشد که اگر آن را نداشته باشد طلبه به شمار نمی رود و اگر آن را داشته باشد به هر تخصصی وارد شود مفید و رواست .

مراد از نصاب طلبگی، به عبارتی، «جوهره طلبگی» است. یعنی آنچه طلبه را طلبه می کند و کمتر از آن برای طلبه روا نیست. یعنی راهی که طلبه پیش از گرایش

به هر رشته تخصصی به صورت عام باید بپیماید یا دست کم حین تحصیل تخصص نباید از آن غافل شود. بنابراین سؤال این است که کمترین دارایی یک طلبه که شرط لازم و کافی عنوان طلبگی و حد نصاب آن به شمار می رود چه عنصری است؟ در پاسخ به این سؤال گزینه های مختلفی را بررسی می کنیم.

آیا برای صدق حقیقی عنوان طلبه، لباس روحانیت کافی است؟ بی تردید نه! نه هر کس این لباس را دارد به حقیقت روحانی است و نه هر کسی در این لباس نیست از وصف روحانیت محروم است.

آیا تقوا و معنویت و سلوک برای صدق عنوان طلبگی کافی است و هر مؤمن متقی اهل معنایی را می توان طلبه نامید؟ خیر! گرچه تقوا و معنویت شرط لازم طلبگی است؛ اما هرگز نمی توان ادعا کرد که این شرط برای طلبه کافی است مثلاً بزرگانی مانند پیرپالان دوز یا مرحوم دولابی که طلاب و اهل علم در امور معنوی از محضرشان بهره می گرفتند خود طلبه نبوده اند.

آیا تبلیغ آموزه های دینی برای این منظور کافی است و هر کس به کار انتقال پیام خدا مشغول باشد طلبه است؟ اگر چنین باشد کارمند رادیو معارف، نویسنده و کارگردان سریالهای دینی و آن راننده تاکسی که برای مسافران خود آیات و روایات را بیان می کند و اطلاعات دینی خود را در اختیار دیگران قرار می دهد نیز باید طلبه باشند. آیا چنین است؟ خیر این کسان به نحو تخصصی به این موضوع نمی پردازند و اعضای اصناف دیگر هستند.

آیا خدمت به دین خدا یا عزم آن برای طلبگی کافی است؟ یعنی هر کس در مسیر خدمت به دین و پاسداری از وحی قرار دارد طلبه است؟ خیر! بسیاری از اعضای اصناف دیگر نیز به دین خدا یاری می رسانند و به نیت انجام وظیفه الهی و واجب کفایی در جامعه اسلامی خدمت می کنند، در حالی که هیچ یک طلبه نیستند. دست کم در خود حوزه های علمیه کارمندان ادارات، نگهبانان و

آشپزها که خالصانه به نظام طلبگی خدمت میکنند و بالمآل در مسیر اهداف امام زمان علیه السلام قرار گرفته اند، عنوان طلبه ندارند و از صنف طلبگی به شمار نمی روند.

آیا تفقه و اجتهاد به معنی آشنایی با دانشهای حوزوی و توان استنباط گزاره های شرعی از قرآن و حدیث برای طلبگی لازم و کافی است؟ یعنی طلبه حقیقی کسی است که مجتهد و فقیه باشد و هر کس این توان را به دست نیاورده باشد یا دست کم در مسیر تحصیل آن نباشد حقیقتاً طلبه نیست؟ مثلاً طلبه ای که مقداری درس خوانده و به هر دلیل از دست یابی به توان فقاهت و اجتهاد محروم مانده؛ اما به کار تبلیغ در شهر خود مشغول است حقیقتاً طلبه به شمار نمی رود. آیا چنین است؟ اگر چنین باشد بیش از 80 درصد طلاب علوم دینی که مجتهد نیستند اما در کسوت روحانیت به رسالت های این نهاد مقدس تلاش می کنند و افتخار می آفرینند باید از زمره طلاب بیرون روند و این البته فرض بعیدی است از سوی دیگر هر مجتهدی را نیز نمی توان به حقیقت طلبه نامید، زیرا برای صدق حقیقی عنوان طلبگی شرایط دیگری نیز وجود دارد اثبات این مطلب در ادامه خواهد آمد.

آیا مجموعه و پیوستاری از این صفات، شرط لازم و کافی برای طلبگی به شمار می رود؟ با چه میزان و چه ترکیبی؟

کمترین وابستگی به نظام روحانیت با ثبت نام در حوزه های علمیه و داشتن پرونده پرسنلی تحقق می یابد. یعنی طلبه با تشکیل پرونده در مدیریت حوزه از حیث قانونی و اعتباری طلبه شناخته می شود و مشمول آنچه که به طلبه تعلق می گیرد می گردد؛ هر چند درس نخواند و تقوا نداشته باشد.

در نظر توده مردم نیز کسی که به صورت غالبی لباس روحانی بپوشد طلبه است؛ هر چند کارمند یک اداره یا کاسب باشد. به همین جهت در میان مردم انتظارات

خاصی از او رقم می خورد؛ (1) اما سخن ما در اطلاق حقیقی عنوان طلبه بود، نه اطلاق پرتسامح عرفی یا شمول قانونی. به همین جهت لازم است ویژگی های طلبه را به دقت بیشتری بررسی کنیم.

به نظر می رسد از نظر جامعه شناختی انتساب حقیقی به این صنف - مانند همه اصناف دیگر - در صورتی است که شخص عمده زمان و توان خود را به کار کردها و رسالت های این صنف اختصاص دهد. هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است. یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند، طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند.

قابل ذکر است که ارتباط با منابع دینی و فهم و تبلیغ و پاسداری و اجرای آن وظیفه ای نیست که اختصاص به طلبه داشته باشد همه انسان های مؤمن نسبت به پیام خدا احساس مسئولیت دارند و برای بندگی خدای متعال در فهم آموزه های دینی تلاش می کنند، تفاوت طلبه با دیگران در این است که طلبه این مسئولیت را به عنوان رسالت صنفی خود گرفته و کل خدمات صنفی خود را در آن متمرکز کرده و زمان و توان خود را بیشتر به آن اختصاص داده است؛ در حالی که سایر مردم بیشتر به کارها و خدمات دیگر مشغول اند و تنها در حاشیه به امر دین می پردازند؛ یعنی مأموریت محوری طلبه در حوزه معارف دینی تعریف شده و اینگونه نیست که

ص: 39

1- به نظر دقیق، داشتن لباس روحانیت تبلیغ دین است. این موضوع به صورت تفصیلی در کتاب لباس روحانیت؛ چراها و بایدها آمده است.

به صورت تقنی و در حاشیه به آن پردازد. نظیر این که یک پزشک، عمده نیرو و زمان خود را به عرصه بهداشت و درمان اختصاص می دهد؛ در حالی که دیگران کاملاً در حاشیه فعالیت های روزمره به این امر می پردازند یک مکانیک ممکن است آشپزی آموخته باشد و گاهی نیز آشپزی کند؛ اما این مقدار برای آشپز بودن کافی نیست زیرا مأموریت محوری او آشپزی نیست و میتواند به صورتی کاملاً حاشیه ای و تقنی به آن پردازد او عمده زمان و توان خود را به مکانیکی میگذراند نه به آشپزی و مسئله باعث میشود که در مکانیکی تخصص و مهارت بالاتری نسبت به آشپزی به دست آورد و خدمات بیشتری ارائه کند.

اکنون با هویت طلبه آشنا گشته ایم و می توانیم طلبه را از غیرطلبه بازشناسیم. طلبه کسی است که عمده زمان و توان خود را صرف رسالتهای نهاد روحانیت گرداند. وابستگی چنین کسی به حوزه علمیه و صنف روحانی حقیقی است. در حالی که وابستگی کسی که درس حوزه خوانده و لباس روحانی پوشیده ولی به کسب و کار، ویرایش یا فعالیت اداری مشغول شده، به حوزه، مجازی و به قول ادیبان به اعتبار ماکان است و وابستگی کسی که هرگز درس حوزه نخوانده؛ ولی لباس روحانی به تن می کند کاملاً شوخی یا دروغین است.

اکنون این فرمول را کمی توسعه و تفصیل می بخشیم. این فرمول، معیاری کمی و ظاهری است. کسی که عمده زمان و توان خود را به کار روحانیت یعنی فهم و تبلیغ و اجرا و دفاع از دین خدا اختصاص داده باشد از نظر جامعه شناختی حقیقتاً متعلق به این صنف به شمار می رود؛ اما مانند همه اصناف دیگر معلوم نیست در کار خود کامیاب و کارآمد باشد. مثلاً کسی که عمده نیرو و زمان خود را به رانندگی یا پزشکی می گذراند، الزاماً معلوم نیست راننده یا پزشک موفقی باشد. همچنین معلوم نیست احساس هویت کند یعنی به رغم تغییرات درونی و بیرونی و تحولات فردی و محیطی، خود را همواره متعلق به این صنف و ارزشمند بشمارد. اکنون به

برای آنکه فرد در اختصاص زمان و توان خود به رسالت‌های حوزوی کامیاب باشد و احساس تعلق مستمر نیز به این نهاد داشته باشد، لازم است سه وصف «تفقه»، «تزکیه» و «ایفای نقش اجتماعی» را به شرح ذیل داشته باشد؛

الف) تفقه یا دین شناسی طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل موزون و متناسب آشنا باشد. اگر فرض کنیم طلبه شناخت متوازی از دین خدا نداشته باشد نمی تواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند. یعنی در صورتی که طلبه موضوع فعالیت‌های خود را نشناخته باشد نمیتواند بدان خدمت کند. این تفقه یا دین شناسی به معنای اجتهاد نیست؛ بلکه با اجتهاد نسبت عموم و خصوص من وجه دارد یعنی برخی از دین شناسان مجتهد و برخی از مجتهدان

دین شناس نیستند. دین شناسی اجتهادی مسیر بسیار طولانی در پیش دارد و در کوتاه مدت ممکن نیست؛ اما دین شناسی عمومی و غیر اجتهادی در کوتاه مدت قابل دست یابی است راه کوتاه برای به دست آوردن دین شناسی غیر اجتهادی، مطالعه آثار اندیشمندان بزرگی مانند شهید مطهری شهید صدر، استاد مصباح یزدی امام خمینی قدس سره، علامه طباطبایی و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای دام ظلّه است. (1)

ب) تزکیه: طلبه باید در راستای ایفای نقش اجتماعی سنگین خود به پالایش روحی پرداخته باشد و از ایمان سرشار و اخلاق فاضله برخوردار باشد. هرچه این صفت در وجود طلبه بیشتر باشد در هویت صنفی خود استوارتر خواهد بود. زیرا تقوا و تهذیب نفس هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه دینی بسیار نقش آفرین است و

ص: 41

1- تفصیل این مطلب را در دفتر پنجم از کتاب راه و رسم طلبگی، بحث «نیاز به دین شناسی؛ چقدر و چگونه» مطالعه کنید.

هم خود مصداق تحقق عینی دین به شمار می رود. طلبه اگر تجربه حیات دینی نداشته باشد و روزگاری دین دارانه زندگی نکرده باشد توان ایفای نقش اجتماعی خود را ندارد. این ویژگی را شاید در هیچ صنف دیگری نتوان سراغ گرفت. یعنی پزشک و راننده و مهندس ممکن است از نظر اخلاقی و کمال انسانی ضعیف باشند؛ اما کارکرد صنفی خود را به خوبی ایفا کنند؛ ولی طلبه اگر تهذیب نفس نداشته و بر اساس تعالیم دینی زندگی خود را رقم نزده باشد در انجام وظایف طلبگی خود هرگز کارآمد نیست. حداقل این صفت ترکیه «عدالت فقهی» یعنی پرهیز از گناه و انجام واجبات است. ویژگی های اخلاقی متعددی نیز وجود دارد که طلبه باید بدان آراسته باشد و در دفتر دوم از همین کتاب بررسی خواهد شد.

ج) ایفای نقش اجتماعی طلبه باید دغدغه خدمت به جامعه را داشته باشد و تلاش های خود را معطوف به نیازهای اجتماعی - یعنی چیزی علاوه بر بهره شخصی خود رقم زند. اگر فرض کنیم طلبه از دین شناسی و تقوا برخوردار باشد و عمده زمان و توان خود را صرف این امور کند؛ اما اثری در جامعه نداشته باشد انتساب او به صنف روحانیت کارآمد نیست. مانند کاسبی که تنها به اندازه نیاز روزمره خود جنس به مغازه می آورد یا راننده ای که تنها خانواده خود را جابجا می کند!

برای بررسی دقیق تر این ویژگی ها در وجود طلبه لازم است تمام احتمالات ممکن از ترکیب این سه صفت را در وجود شخصی که عمده زمان و توان خود را به امر دین اختصاص داده، ترسیم کنیم و به صورت مقایسه ای نسبت به آنان داوری کنیم. این صور ممکن، جمعاً هشت احتمال را تشکیل میدهند که برترین صورت آن کسی است که هر سه صفت تقفه، تقوا و نقش اجتماعی را دارد و پست ترین صورت آن، کسی که تقوا و تقفه ندارد اما به ایفای نقش اجتماعی می پردازد.

طلبه مانند هرکس دیگر باید در نظام تقسیم کار اجتماعی کاری را برعهده گیرد و دغدغه انجام آن را داشته باشد. طلبه پس از دوره تحصیل باید باری را از زمین بردارد گرهی ناگشوده را باز کند دردی را دوا کند و حضور خود را بنمایاند. دست به اقدامی زند، کاری عرضه کند نتیجه ای تحویل دهد خروجی ای داشته باشد، طرح مفیدی را به سرانجام رساند... و هرگز نباید وجود و عدم او برای جامعه مساوی باشد. طلبه باید خود را مکلف به یاری دین خدا و ارائه خدمتی بداند و برای آن خود را از پیش آماده کرده باشد. (1) طلبه باید یک نقش اجتماعی و کارکرد مثبت برای خود تعریف کند و تعهدی برای اجرای یک برنامه بدهد و سنگری را با مسئولیت و تعهد پرکند و گوشه ای از مرز فرهنگی را پاسداری نماید؛ به گونه ای که خیال دیگران از حضور و ظهور او در آن عرصه آسوده گردد. طلبه باید یک عضو مفید برای پیکره اجتماع باشد؛ یک بازوی توانا، چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و یک کارگزار امین برای اهداف امام عصر علیه السلام، و با قوت و قدرت آن وظیفه را به انجام رساند. (2)

هر طلبه ای در امتداد نگاه به آینده با این پرسشها روبرو می شود که سرانجام چه جایگاه اجتماعی ای پیدا خواهد کرد و چه سرانجامی خواهد داشت؟ چه نقش ها و شئون اجتماعی در انتظار او است؟ کارکردهای طلبه و خدمات تخصصی ای که می تواند ارائه دهد آینده کاری او و مأموریتی که باید برعهده گیرد، غایات و مقاصدی که بر طلبگی مترتب است، اهداف کاری و آفاق طلبگی یعنی افق های دوردستی که شایسته است یک طلبه برای انتهای مسیر خود در نظر گیرد چیست؟ و به دیگر زبان شئون تخصصی حوزویان و تیپ های تخصصی در عالم طلبگی

ص: 43

1- ان تنصروا الله ینصرکم . (محمد، آیه 7) و نصرتی لکم معده . (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره)

2- فخذها بقوة (اعراف، آیه 145)

برای پاسخ به این سؤال از دوراه می توان پیش رفت؛ راه اول مسیر استقرایی از- جزئی به کلی - است. یعنی با نظر به عملکرد شخصیت‌های روحانی موفق و خدمات تخصصی ای که طلاب در جامعه امروز برعهده گرفته اند، فهرستی تفصیلی و جامع از نقش های اجتماعی حوزویان پدید آوریم و به صورتی پس آرا آنها را طبقه بندی و بسامان کنیم راه دوم این است که به صورت پیش آرا و قیاسی - از کلی به جزئی - حرکت کنیم. یعنی نظام جامع رسالت‌های حوزه را به دست آوریم و در امکانات محیطی و شرایط روز ضرب کنیم این حرکت به یک آرایش پیشین منطقی از انواع فعالیت های حوزه خواهد رسید که تکرار و تداخل در آن وجود ندارد و قابل تطبیق بر انواع فعالیت‌های موجود میباشد گویا بهترین روش این است که این دو حرکت را به صورت تلفیقی و مکمل دنبال کنیم؛ یعنی یک بار از آرمان ها و غایات طلبگی آغاز کنیم و برای آنکه تمام آن مقاصد محقق گردد وظایف، نقش ها و تخصص های برای طلاب تعریف کنیم و یک بار نظر به انواع عملکردهای موفق موجود کنیم و از میان آن نقش های تخصصی طلاب را تعریف کنیم؛ سپس حاصل این دو را با هم تلفیق نماییم.

در پاسخ به موضوع آینده کاری طلبه پیش از پرداختن به فروعات و جزئیات، و ارائه بحث های عمیق و طولانی لازم است یک جواب کوتاه و رسا و گویا داده شود تا طلبه، گرفتار کثرت ها و فروعات نگردد و تکلیف خود را در یک جمله دریابد. این یک جمله پاسخ فوری و اجمالی به آن نیاز است که همواره در ذهن می ماند و سنگ محکی برای آزمودن جزئیات خواهد شد. (1)

اگر بخواهیم به این سؤال یک جواب فوری و کوتاه دهیم و در یک جمله آینده کاری طلبه را معلوم گردانیم، باید همانگونه که در صفحات قبل نیز گفتیم این دو گزاره را به هم پیوند دهیم.

ص: 45

1- یکی از نیازهای بزرگ امروز حوزه، داشتن کتاب های مرجع و متون تفصیلی غنی در پاسخ به سؤالات کوچک طلبه است. متون و منابعی که به صورت کاملاً جامع اطراف و اکناف مسئله را کاویده و شقوق و فروع و احتمالات و آرا را طرح کرده باشد و در یک بررسی عالمانه به داوری نهایی نیز منتهی شده باشد. نوع آثاری که تاکنون درباره مسائل طلاب نوشته شده تنها از یک زاویه به مسئله پرداخته و نسبت به رویکردهای مخالف کاملاً خاموش است. به همین جهت طلبه با مطالعه آنها توان مقابله با ادله مخالف را ندارد. اخیراً در یک اقدام رو به جلو، برخی از نشریات حوزوی با مصاحبه های متنوع رویکردهای مختلف در یک مسئله را طرح و استدلال های هر یک را ذکر کرده اند؛ اما داوری نهایی را برعهده خود طلبه نهاده و نبرد میان استدلال ها را مدیریت نکرده اند. قدم کامل تر این است که این استدلال ها در یک متن تفصیلی مرجع عرضه و کالبدشکافی شود و به قضاوت نهایی نیز بینجامد تا طلبه از سرگردانی و حیرت نجات یابد و از آوار نظرات متعارض رها گردد. علی رغم این نیاز مبرم و در عرض آن باید توجه کرد که نمیتوان طلبه را برای دریافت پاسخ هر سؤال کوچک، به متون قطور و حجیم ارجاع داد و راه یابی او را منوط به مطالعه صدها صفحه کتاب دانست. لازم است که پاسخ های مختصر و گویا - از مقوله فست فود - نیز وجود داشته باشد که کار امروز طلبه را به سرعت راه بیندازد متون کاربردی مختصر و مفیدی که در کمترین زمان به القای بیشترین محتوا بینجامد. این توصیه ابداً به معنای جویده جویده طرح کردن مطلب و فرار از استدلال عمیق نیست آن متون مختصر طرحهای اجمالی و پاسخ های فوری حتماً باید به پشتوانه آن متون تفصیلی و بررسی های جامع باشد و اعتبار خود را از تحقیقات سنگین و روشمند یافته باشد؛ اما در مقام عرضه به صورت بسیار فشرده در یک کپسول کوچک رنگین ارائه شود. در همان حال به طلبه سفارش می شود که متناسب با اهمیت موضوع برای کشف پاسخ تفصیلی و جوانب آن به متون مفصل نیز مراجعه کند.

ب. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ. (2)

اگر علمای دین وارثان پیامبران هستند و پیامبران مأموریت تعلیم و تربیت را برعهده داشته اند طلبه در آینده کاری خود یا معلم است و یا مربی. طلبه یک عنصر فرهنگی است که به کار تعلیم و تربیت انسان ها اشتغال دارد.

این پاسخ فشرده را به صورتی کاملاً استقرایی می توان تفصیل داد و تیپ های تخصصی حوزویان را اینگونه ترسیم کرد:

الف) محققان علوم دینی که به حفظ، ترمیم و بالنده سازی معرفت دینی و فهم شریعت نبوی مشغول اند و برای به فهمی منابع دینی و کشف آفاق نظری ناگشوده و تبیین نظامات فکری دینی تحقیق و تلاش دارند و به صورت تخصصی در زمینه های زیر به تولید علم و پژوهش مشغول اند؛

ب) مروّجان و مبلغان آموزه های دینی به صورت:

* استاد اخلاق؛ مبلغ و گوینده مذهبی (برای عموم مردم)؛ مبلغان تخصصی (برای کودکان، نوجوانان، جوانان، دانشجویان، سربازان، ورزشکاران، کارگران، زندانیان، کشورهای خارجی، کاروان های زیارتی، و...)؛ نویسنده و مؤلف؛ مدرّس (حوزه، دانشگاه، مدارس)؛ مربی (کودکان، نوجوانان، جوانان، و...)؛ محققان میانی؛ امام جماعت و مدیر مساجد، حسینیه ها و هیأت های مذهبی؛ مشاورین تخصصی مانند مشاور امور خانواده (روحانی خانواده)، تربیت فرزند، مشاور اصناف، مشاور تولیدکنندگان آثار هنری مذهبی و...

ص: 46

1- همانا علما وارثان پیامبران هستند. (کلینی، الکافی، ج 1، ص 32)

2- اوست آن کس که در میان بیسوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (جمعه، آیه 2)

ج) متصدیان مناصب اجرایی مختص حوزویان که برای تحقق دین در سطح جامعه و اداره دینی نظام اجتماعی تلاش می کنند؛ مانند:

* ولایت فقیه (مرجعیت دینی، سیاسی، اجتماعی)؛ مقام افتا و مرجعیت دینی (به معنای رایج کنونی)؛ مدیران فرهنگی اجتماعی مانند نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه و نیروهای انتظامی؛ قضاوت؛ مدیریت مدرسه یا حوزه علمیه

اگر بخواهیم رسالت حوزویان را در یک کلمه بیان کنیم، می توانیم از «اقامه دین» استفاده کنیم. حوزوی به صورت خلاصه «متولی اقامه دین است و برای این منظور باید به خوبی با دین و منابع آن آشنا باشد (تحصیل). آنگاه اقامه دین در عناوین زیر تحقق می یابد:

رسالت حوزویان: اقامه دین

فهم دین

فهم آموزه های موجود (تحصیل دین)

فهم زوایای پنهان (تحقیق در دین)

ترویج و تبلیغ دین

دفاع از دین در مقابل دشمنی ها (1)

اجرا و تحقق بخشیدن به دین

در سطح جان انسان ها (انسان سازی یا تربیت دینی)

در سطح کلان جامعه (جامعه سازی دینی یا تمدن سازی اسلامی)

ص: 47

1- دفاع از دین یا به صورت نظری و علمی است و یا به صورت عملی مانند دفاع هنگام جهاد. دفاع نظری از دین نیز با تولید یک اندیشه دینی است و یا با تبلیغ، ارائه و انتقال معارف دینی به انسان ها. بنابراین می توان این عنوان را در عناوین گذشته نیز وارد کرد.

1 - به نظر شما حوزه و روحانیت در سطح عموم جامعه چه جایگاهی دارد؟

2 - طلبه کیست؟ تمایز اصلی طلبه با سایر اقشار و اصناف در چیست؟

3 - با توجه به آیه شریفه «نفر» آیه 122 سوره توبه رسالت اصلی طلبگی را تبیین کنید؟

4 - تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و اداره آن از سوی حوزه و روحانیت، چه ضرورتی دارد؟

5 - از حدیث شریف «العلماء ورثة الانبياء چه برداشتهایی میتوان داشت؟

6 - تمایز یک طلبه با دانشجوی دانشکده الهیات چیست؟

7 - فرض کنید یک کارگردان سینمایی تصمیم گرفته تا پایان عمر آثاری با مضامین دینی درباره تاریخ انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام و تاریخ اسلام تولید کند آیا تعریف طلبه بر او صادق است؟ تحلیل کنید.

8 - ضرورت خودسازی اخلاقی - معنوی را برای طلبه و غیرطلبه مقایسه کنید.

9 - آیا طلبه از آفات و آسیبهای اخلاقی و اجتماعی ایمن است؟

10 - مردم از روحانی انتظار دارند که در همه زمینه ها صاحب نظر و آگاه باشد در مقابل این توقع چه باید کرد؟

11 - «رسالت اصلی یک حوزوی، اقامه دین می باشد» منظور از این جمله چیست؟

12 - زندگی یکی از پیامبران الهی را از حیث ایفای نقش اجتماعی بررسی کنید.

دوره اول حیات صنفی حوزویان دوره رشد و تحصیل آنان است. در این دوره طلبه به فراگیری و بهره جویی می پردازد و وجود خود را به علم و تقوا و مهارت های مورد نیاز گسترش می بخشد. اطلاق عنوان طلبه بر او نیز اشاره به همین معنای جست و جوگری و طلب است و ماهیت بایسته او را آشکار می سازد.

دانستیم که تحصیل طلبه، عبارت است از گام برداشتن به سمت شناخت عمیق دین؛ یعنی به دست آوردن علوم و مهارت هایی که یا مستقیم عنوان «دین شناسی» دارد و یا مقدمه آن محسوب می شود. عمده توان و وقت طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به دست آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری به شرطی در زمره فعالیت های صنفی طلبگی قرار میگیرد که در همین راستا باشد. مثلاً تحصیل در رشته های دانشگاهی مثل پزشکی و مهندسی مستقیم در راستای هدف طلبه قرار نمی گیرد. طلبه ای که ضمن تحصیل علوم دینی به تحصیل در رشته های علوم تجربی در دانشگاه می پردازد نه طلبه خوبی خواهد بود و نه پزشک یا مهندس معتبری و این افتخار بزرگی نیست. این چنین برنامه ای نشان دهنده نوعی دوگانگی شخصیت و به نتیجه نرسیدن در انتخاب شاه راه حرکت زندگی است. تحصیل در رشته های علوم انسانی هم اگر به هدف فراگیری و استفاده مستقیم

از آموزه های این علوم باشد، فعالیتی حوزوی نیست کسی که می خواهد در رشته روان شناسی یا اقتصاد، آرای مکاتب مختلف غربی را فراگیرد و به عنوان یک روان شناس یا اقتصاددان مصطلح، استخدام شود، بهتر است به دانشگاه برود و در این رشته ها تحصیل کند. فراگیری این دسته از دانش ها تنها در صورتی فعالیتی حوزوی است که به هدف فهم، تبلیغ، اجرا یا دفاع از دین باشد. مثلاً پاره ای از مباحث این علوم، «موضوع» تحقیق در منابع دینی را آماده می سازد و با ایجاد پرسش، به روند فهم زوایای نهفته دین کمک می کند و پاره ای دیگر در ابلاغ یا تحقق آموزه های آسمانی قابل استخدام است. طبیعی است با در نظر گرفتن این هدف، کیفیت تحصیل طلبه در این رشته ها با تحصیل دانشجوی در همین رشته ها، بسیار متفاوت خواهد بود.

آشنایی با دانش ها، فنون و مهارت های مختلف گرچه مفید و در مواردی ضروری است؛ اما باید به خوبی روشن باشد که این فعالیت ها تنها هنگامی «کار طلبگی» محسوب می شود که هم جهت با اهداف حوزوی باشد. اگر این مسئله به خوبی روشن باشد در توزیع عادلانه توان و زمان سهم اصلی به کار طلبگی اختصاص می یابد.

طلبه نسبتی با دین خدا دارد لباس امام عصر علیه السلام در بروتاج پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به سر می گذارد و باید «پیام خدا» را به جامعه ابلاغ کند نه «نظر خود» را. به این منظور لازم است آگاهی شایسته ای از محتوای دین خدا کسب کند و با منابع دین، شیوه استفاده از آنها و قواعد فهم روشمند دین به خوبی آشنا باشد تا در ارائه نظر دین امانت داری کند این توانایی ها در دوره تحصیل کسب میشود و محور اصلی کار طلبه را تشکیل می دهد.

آیا تحصیل حوزوی در شرایط کنونی لازم است؟ آیا مناسب تر نیست در بحران فرهنگی موجود نیروهای جوان حوزه به جای پرداختن به علوم کشدار حوزوی به فعالیت های فرهنگی اجتماعی روی آورند؟ چرا مراجع تقلید تحصیل دانش دین را واجب شرعی می شمارند؟ پاسخ این سؤال را در عنوان زیر جستجو می کنیم :

الف) ارزش تفقه

روایات فراوان از پیشوایان بزرگ اسلام بر ارزش ذاتی تفقه و آشنایی عمیق با دین خدا تأکید می ورزد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که :

لَيْتَ السَّيِّطَ عَلَى رُءُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا؛ (1)

کاش تازیانه بر سر یاران من می بود تا آنان با دین خدا آشنا می شدند.

این حدیث بیانگر اهمیت معرفت دین است و عبارت تازیانه در این روایت کنایه از جایگاه والای آشنایی با دین خدا است. در ضمن نوعی گلایه امام از یاران خود را نیز نسبت به کوتاهی آنان در این امر مهم بیان می دارد.

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ يُزَكِّ لَهُ عَمَلًا؛ (2)

دین خدا را درست بفهمید و جاهل مباشید، زیرا کسی که در دین خدا فقیه نگردد خدا در روز قیامت به او نظر نمی کند و عمل او را پاک نمی گرداند و (نمی پذیرد).

امام باقر علیه السلام نیز فرموده اند:

الكمال كل الكمال التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى التَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ (3)

ص: 53

1- برقی؛ المحاسن، ج 1، ص 229.

2- همان، ص 228.

3- کلینی، الکافی، ج 1، ص 32.

کمال مطلوب انسان در سه چیز است: آشنایی عمیق با دین، صبر بر مشکلات و حسابگری در زندگی .

سلیمان بن خالد می گوید از امام صادق علیه السلام درباره «حکمت» در آیه شریفه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (1) سؤال کردم حضرت فرمودند:

إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَتَعْرِفَةَ وَالتَّقْهُ فِي الدِّينِ فَمَنْ فَقَّهَ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ وَمَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِبْلِيسَ مِنْ فَقِيهِ؛ (2)

حکمت - که در قرآن کریم از آن به خیر کثیر یاد شده همان معرفت و تفقه در دین است پس هرکس از شما که با دین خدا آشنا باشد او حکیم - و برخوردار از آن خیر فراوان است و مرگ هیچ مؤمنی برای ابلیس از مرگ فقیه دوست داشتنی تر نیست.

امام جواد علیه السلام نیز فرمودند:

التَّقْهُ تَمَنُّ لِكُلِّ غَالٍ وَسَلَّمٌ إِلَيَّ كُلِّ عَالٍ؛ (3)

دین شناسی بهای هر چیز گران بها و نردبان همه بلندی ها است.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند: «... خوشا به حال کسی که با اهل تفقه همنشین باشد...» (4)

با توجه به ارزش بالای تفقه و معرفت دین باید برای آن زحمت کشید و آن را هرچند در زمان طولانی به دست آورد.

ب) سربازان نبرد فرهنگی

در زمان دفاع مقدس - هنگامی که شعله های تجاوز استکبار جهانی به کشور ما

ص: 54

1- بقره، آیه 269.

2- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 151.

3- دیلمی اعلام الدین ص 309.

4- أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ وَتَوَاضَعَ مِنْ غَيْرِ مَنْقَصَةٍ وَجَالَسَ أَهْلَ التَّقْهِ وَالرَّحِمَةَ وَجَالَسَ أَهْلَ الذِّكْرِ وَ الْمَسْكَنَةَ وَأَنْفَقَ مَا لَا جَمْعَهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةٍ (مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 380)

روز به روز زیاده می کشید و امام بسیجیان، شرکت در جبهه را واجب و جنگ را در رأس همه امور می دانستند هزاران نفر از جوانان مخلص بسیجی در پادگان ها به آموزش نظامی اشتغال داشتند. گرچه جبهه های نبرد، تشنه حضور این جوانان بود؛ اما در یک محاسبه عقلانی، معطل نگهداشتن این جوانان در پادگان و طی دوره های آموزشی فشرده، از حضور ابتدایی آنها در جبهه، بهتر تشخیص داده شده بود؛ زیرا گذران این دوره آموزشی، کارآیی نیروها را بالا می برد و یک سرباز ضعیف را که دانش و توان دفاع از خود را ندارد تبدیل به نیروی توانمندی می کند که بسیار مؤثر و مفید است.

امروز نیز گرچه صحنه نبرد فرهنگی نیرو می طلبد؛ اما بیش از آنکه به سیاهی لشکر و سربازان ناتوان محتاج باشد به نیروهای مقتدری نیاز دارد که در مدیریت این نبرد سنگین فعالانه حضور یابند و عملیات بزرگ فرهنگی را بر مدار معارف اسلامی تدبیر و اداره نمایند. از این رو نیاز گسترده جامعه به حضور فرهنگی طلبه در شرایط کنونی، بهانه موجبی برای کنار گذاشتن تحصیل دانش دین نیست.

ج) نهال فروشی حوزه

یکی از آسیب های مهم و درعین حال ناپیدایی که حوزه را تهدید می کند آفتی است که حضرت آیت الله جوادی آملی از آن به نهال چینی تعبیر فرموده اند.

طلبه پس از چند سال تحصیل حوزوی تواناییهای چندی به دست می آورد و آمادگی اولیه برای رفع نیازهای جامعه پیدا می کند. در این شرایط دست تقاضای مردم شهرها و روستاها، ارگان ها، نهادها، مدارس دانشگاه ها و مراکز فرهنگی یا تحقیقاتی جهت امامت جماعت، تبلیغ، تدریس، پژوهش، تشکیل کانون های فرهنگی، ارائه مقاله یا طرحهای مذهبی، ارتباط با جوانان، اداره مراکز دینی، تدوین جزوه، تألیف کتاب و... به سوی طلبه دراز می شود و از او دعوت به همکاری می گردد. طلبه با مشاهده نیاز فراوان جامعه و توان خود احساس ضرورت می کند و

جذب این فعالیت ها می شود .

طلبه ای که تنها چند سال در حوزه تحصیل کرده، در این موقعیت به منزله نهالی است که تازه به ثمر نشسته و چند میوه نارس، زیبا، خوش رنگ و جذاب را به رهگذران می نمایاند. اگر این نهال از رشد و تکامل بازداشته شود تا پایان همین میوه ها را خواهد داد.

طلبه نیز اگر در این موقعیت از خدمت ارزنده و میوه زیبایی که ارائه کرده است احساس رضایت کند و از زمینه رشد و تحصیل خود جدا شود تا پایان، میوه هایی کوچک و اندک از همین دست خواهد داشت و در مقابل بادهای ناملایم مقاومتش در هم خواهد شکست. ولی اگر ارتباط این نهال با زمینه علمی و معنوی خود محفوظ بماند و مرتب از آن زمینه تغذیه گردد به رشد و پویای خود ادامه می دهد و به درخت بالغ تناوری تبدیل می شود که علاوه بر میوه های آبدار فراوان - بسیار بیشتر از آنچه ابتدا عرضه می کرد - سایه پهنآوری بر جامعه می افکند و تکیه گاه علمی و معنوی جمعی گسترده می شود. ریشه و تنه و ساقه ای مستحکم به دست میآورد که در طوفان فتنه ها قامت استوار خود خم نکند و آفات شبهات آسیب نرساند و با شکستن چند شاخه ضعیف از پای نیفتد.

حوزه علمیه در شرایط کنونی نهال چینی و نهال فروشی میکند یعنی نیروهای خود را در موقعیتی که تازه به بار نشسته، یکباره جدا و عرضه می کند. در حالی که با در نظر گرفتن نیاز آینده جوامع بشری و توانمندی بالقوه طلبه باید به گونه ای دیگر برنامه ریزی کرد؛ زیرا رسالت سنگین حوزه، بر دوش نیروهای ضعیف قرار نمی گیرد و توان نیروهای حوزوی باید متناسب با آن وظایف عظیم فعال شود.

ص: 56

انواع خدمات دینی و حوزوی، توسط عالمان دین و مراکز پژوهشی و فرهنگی در سطح جامعه ارائه و منتشر می شود. اینگونه فعالیت ها همه در یک سطح قرار ندارند. این فعالیت ها فراورده و ثمره دوره تحصیل حوزوی است و بسته به نوع کار و توان متولیان آن متفاوت است. شبیه اختلاف گردو و خربزه یا خرما و خیار چنبر!

بوته خربزه در کمتر از نیم سال به سرعت رشد می کند و زمین فراوانی را اشغال می نماید با کمی رسیدگی شکوفه ها به میوه تبدیل می شود و در اندک زمانی میوه های طلایی رنگ، خوش عطر و بو، بسیار شیرین و آبدار، در ابعادی بسیار درشت و چشمگیر رهگذران را می فریبد؛ اما پس از یک سال از بیخ و بن در می آید و دیگر اثری از آن برجای نمی ماند. در مقابل، دانه گرد و از آن روز که درون خاک قرار می گیرد تا آن هنگام که به نهال بالغی تبدیل شود به سال ها رسیدگی و تیمار احتیاج دارد. پس از سال ها تلاش و انتظار میوه ای بر شاخسار این نهال می آویزد به ظاهر بسیار کوچک، دارای رنگ تیره، بدون جلوه و رونمایی، درون پوسته ای سخت، حاوی دانه ای بی مقدار و دیریاب؛ اما به غایت مقوی، مؤثر، مفید و پرانرژی ... و سالیان سال این درخت پربار و سایه سار گسترده اش برقرار.

پاره ای از فعالیت های فرهنگی که با تلاش کم آن هم در مدتی کوتاه به بار می نشیند و میوه های بزرگ و چشمگیر و شیرین عرضه می کند خربزه ای بیش نیست و دوام و استمرار ندارد؛ اما پاره ای دیگر به پشتوانه کوششی پیگیر و در زمانی دراز به بار می نشیند و محصول آن گاه به چشم هم نمی آید؛ اما بی نهایت سودمند و عمیق و پرمحتوا و مؤثر است. نادرند کسانی که با حوصله و استقامت فراوان و بیش از آن، با فکر و تدبیر و تشخیص به موقع متولی این دسته از فعالیت ها گردند. حوزه امروز ما نیازمند مردانی است با پشتوانه علمی و فکری مستحکم، زمان آگاه و

بصیر، خلاق و پرتلاش و پارسا که مسئولیتهای سنگین حوزه را بردوش گیرند و جریان فکری جامعه را هدایت دینی نمایند تربیت این مردان کارآمد برای فردای حوزه در پرتو تحصیل انبانی از توانمندی های علمی، فکری، روحی و مهارت های جمعی ممکن است. تربیت امروز ما، برای خدمت فرداست و ما نه موجودی امروز که نیروی فرداییم. (1)

ه- یاوران امام عصر (عج)

همه ما آرزو داریم از یاوران خاص امام زمان علیه السلام و در زمره سربازان ویژه آن حضرت باشیم؛ ولی نباید انتظار داشته باشیم بدون هیچ تلاش و زحمتی یکباره چنان تغییر کنیم که توان لازم برای این افتخار مهم را بیابیم! باید شرایط سربازی آن حضرت را تحصیل نماییم و با بالا بردن کمالات و توانمندی ها، قابلیت بیشتری به دست آوریم و همین است مفهوم عمیق «انتظار فرج».

امام عصر علیه السلام پس از ظهور با تصرفات تکوینی و از راههای خارق العاده جهان را اداره نمی کنند. بنا، براین نیست که حضرتش نظام موجود در عالم طبیعت را یکباره برهم زند و با معجزه و کرامت، دولت عدالت را تشکیل دهد. آن حضرت شبیه روش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام با استفاده از امکانات عادی نهضت خود را آغاز می کند و با استفاده از نیروهای موجود - یعنی کسانی مانند من و شما - به اصلاح امر دنیا و اقامه قسط و داد می پردازد. طولانی شدن غیبت امام علیه السلام به جهت کامل نبودن شمار یاوران آن حضرت به این معنی است که حضرت با نیروهای موجود، توان برپایی آن نهضت عظیم را ندارند.

ص: 58

1- این فراز موجب دل سردی و ناامیدی نمی شود زیرا گردو و خربزه هر دو لازم است و نباید تصور کرد که طلبه یا باید مطهری شود یا از حوزه بیرون رود!

تا هنگامی که کادر نهضت مهدوی علیه السلام (مهمان 313 نفر) آماده نباشند این نهضت پیش نخواهد رفت. برای تربیت و آمادگی آن بازوان اصلی تلاش اختیاری آنها لازم است. بنابراین هر یک از ما، با تلاش ارادی خود می توانیم در شمار همان یاوران خاص قرارگیریم به شرط آنکه توانمندی های جسمی، علمی، معنوی و اجتماعی خود را در حد نصاب بالا بیاوریم در زیارت جامعه کبیره خطاب به امامان معصوم علیهم السلام می گوئیم:

وَجَعَلَى مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ ، وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ ، وَيُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ ، وَيَكْرِفِي رَجَعَتِكُمْ ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ ، وَبِشَرَفِي فِي عَافِيَتِكُمْ ، وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ ، وَتَقْرَعِيْنَهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ ، يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ ، وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي؛

خدا مرا از کسانی قرار دهد که آثار شما را دنبال می کند، و به راه شما می رود، به هدایت شما درآمده و در میان شما محشور می شود، و در رجعت و بازگشت شما دوباره برمی گردد، در دولت شما کارگزار و در زمان عافیت شما صاحب شرافت و در روزگار شما صاحب مکان است، و فردا دیدگانش به دیدار شما روشن می شود. پدرم، مادرم، جانم، خانواده ام و داراییم به فدای شما باد .

این فراز از زیارت، درس همت می آموزد. آنچه ما از درگاه خدا می طلبیم تنها امان از ناخرسندی امامان معصوم علیهم السلام نیست، دیدار سیمای دلربایشان نیز به تنهایی ما را کافی نیست، به خشنودی آنها هم بسنده نمی کنیم. همت ما آن است که از یاوران و شیعیان خاص آنان و کارگزار مؤثر دولتشان باشیم. آرزو داریم چشم امید امام عصر علیه السلام به ما دوخته شود و امور اساسی آن دولت جهانی به دست ما انجام پذیرد. شبیه مناسبتی که میان مالک اشتر و امیرمؤمنان علیه السلام و یا در مقیاس بسیار کوچک تر میان شهید بهشتی و امام خمینی قدس سره برقرار بود. امام راحل از ملت ایران یکپارچه خشنود بود و به خود می بالید؛ اما شهادت بهشتی برای او همسنگ فقدان یک امت غمبار و جانفرسا بود رضایت امام از بهشتی و مطهری با خشنودی او از

مردم عادی بسیار تفاوت داشت.

امام زمان علیه السلام هم پس از ظهور در رتق و فتق امور اجتماع نیاز به بازوان فکری، اجرایی و مدیریتی بسیار توانمندی دارند که کارگزاران رده اول و کادر نهضت آن امام را تشکیل می دهند و ظهور آن حضرت به حضور آنان وابسته است. در این فراز از زیارت جامعه از خدای بزرگ درخواست میکنیم که ما نیز در شمار آن بزرگان و کارگزاران باشیم و در چشم و قلب حضرتش مکانتی والا و شرافتی عظیم داشته باشیم.

هر طلبه ای که امروز در حوزه تحصیل می کند، در آینده ای نه چندان دور می تواند عالمی اسلام شناس ربانی و زمان آگاه باشد. میان امروز و آن فردا فاصله ای است که با پای همت و مجاهدت طی می شود. همه ما می توانیم «مطهری» عصر آینده باشیم به شرطی که اخلاص و پشتکار و تلاش لازم را از خود نشان دهیم. بدون تعارف رسیدن به آن هدف، دور از دسترس نیست گرچه با تن آسایی و سستی هم میسر نمی گردد.

«شهید مطهری» مانند بسیاری از بزرگان حوزه و غیر حوزه نابغه نبود. مانند همه ما نعمت استعداد متوسط و توان ذهنی متعارفی داشت. موفقیت او در پرتو عنایت الهی و تلاش و همت فراوان خود اوست. ما نیز اگر از فرصت ها و نعمت های خدادادی (توان جسمی، فکری، روحی و جمعی خود) خوب بهره بگیریم با همان عنایات الهی «مطهری» فردا هستیم.

غالباً در توصیف شخصیت های بزرگ به نقاط ضعف و محدودیت های آنها نمی پردازند. از این جهت گاهی تصور می شود آنها موجودات ویژه ای بوده اند که با لطف خاص الهی در چنان موقعیتی قرار گرفته اند لطف خاص خدا هم منحصر به آنها است! در حالی که آنها هم انسان هایی عادی، از سویی واجد مزیت ها و از سوی دیگر دچار محدودیت ها و کاستی ها بوده اند که به مرور و با تلاش و پشتکار به از بین بردن این و تقویت آن موفق شده اند. عنایات و الطاف خاص خداوندی هم شامل همه ما می شود اگر در پیمودن مسیر بندگیش ثابت قدم باشیم.

1 - می دانیم که طلبه، عنصر فرهنگی تربیتی جامعه است. با توجه به اینکه بسیاری از طلاب علوم دینی پیش از ورود به حوزه در مسجد محل یا کانون فرهنگی خود، فعالیت ها و موفقیت هایی داشته اند چه نیازی به سال ها تحصیل در حوزه علمیه دارند؟

2 - طلبه ای می تواند بدون حضور در کلاس درس با مطالعه شخصی و ارتباط با برخی اساتید پاره ای از دروس حوزوی را به سرانجام رساند. برنامه کاری این طلبه را تحلیل کنید.

فصل سوم : ویژگی های کنونی حوزه

اشاره

ص: 62

دانستن ویژگی های کنونی حوزه برای طلبه بسیار لازم است. در این درس از میان این ویژگی ها به دو مورد اشاره می کنیم.

الف) کمبود منابع انسانی در حوزه

در میان مردم عادی - خصوصاً در مجاورت مراکز حوزوی گاهی تصور می شود «فراوانی طلاب علوم دینی به اندازه کافی پاسخگوی نیاز جامعه هست و امروزه استقبال از سایر رشته های علمی یا حرفه ها و صنایع اهمیت بیشتری دارد.» این تصور، نزد اهل اطلاع، قضاوتی نابهنگام و تصویری به شدت مخدوش است زیرا:

1. همه ساله بیش از یک میلیون نفر از جوانان کشور، متقاضی ورود به دانشگاه ها هستند و در رقابتی سنگین صدها هزار نفر جذب رشته های دانشگاهی می شوند. این در حالی است که متقاضی علوم حوزوی در هر سال تنها چند هزار نفر و مجموع پذیرفته شدگان فقط کسری از این گروه است. جذابیت های متراکمی که تحصیل دانشگاهی را در نظر جوان خوش رنگ و نما می گرداند به ضمیمه مخالفت برخی از خانواده ها با تحصیل فرزندان خود در حوزه و منع شدید آنان به توزیع نابرابر نیروی انسانی دامن می زند.

2. تخصص های دانشگاهی عمدتاً درصدد رفع نیازهای جسمی و مادی بشر، و تخصص های حوزوی عمدتاً ناظر به ابعاد تربیتی و معنوی انسان است. بعد ناپیدای

وجود آدمی که فصل مقوم ماهیت انسان و حقیقت وجودی اوست به همان نسبت که «اهمیت» افزون تری در مقابل جانب خاکی و مادی او دارد دارای پیچیدگی بیشتری است. طبعاً «شناخت» آن هم بسیار دشوارتر و «مشکلات» آن فراوان تر و صعب‌العلاج تر است. با این وصف (اهمیت بیشتر، شناخت دشوارتر و مشکلات فراوان تر) نیاز به کارشناسان و متخصصان ورزیده ای که در سایه آموزشهای آسمانی به شناخت ابعاد روحی و معنوی انسان دست یابند و در حل و رفع این دسته از مشکلات به کار آیند، نیازی اساسی است و نیروی انسانی شایسته و فراوانی می‌طلبد.

3. بخش عمده ای از نیازهای جامعه ما که اینک توسط متخصصان دانشگاهی مرتفع می‌گردد، در شرایط اضطراری از سایر کشورها نیز قابل تأمین و تدارک است. در ایام دفاع مقدس، شمار قابل توجهی از پزشکان و متخصصان دیگر مناطق دنیا در کشور ما به ارائه خدمات اشتغال داشتند. این در حالی است که نیاز ما به صاحب نظران دینی، جز از طریق حوزه های علمی شیعی قابل حل نیست. اکنون حوزه، باید پاسخگوی نیاز فراوان همه دنیا به علوم اهل بیت علیهم السلام باشد. امروزه دست نیاز مجامع علمی معتبر دنیا به آخرین دستاوردهای حوزوی ما دراز است. کرسی های خالی اسلام شناسی و شیعه شناسی دانشگاه های مهم جهان متقاضی حضور روحانیان شایسته و تواناست. مراکز فرهنگی مسلمانان در نقاط مختلف پنج قاره دنیا در تکاپو برای دعوت از اندیشمندان و مبلغان، در ارتباط دائم با حوزه های علمی ما هستند و خلاصه پس از انقلاب اسلامی در ایران، همه انسان های حق جو در سراسر جهان در عطش فهم پیام آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، رو به سوی ما دارند ادعای بزرگ انقلاب اسلامی این بود که اسلام پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان از گهواره تا گور می باشد و این نیازها را تا دامنه قیامت تأمین می کند. ارائه دستورالعمل جامع حیات بشر براساس وحی محتاج پژوهش های عظیم و تلاش فراوان است که نیروی کارآمد حوزوی باید به آن پردازد.

4. فرهنگ و تربیت جامعه به متولی نیاز دارد در محیط کوچک خانواده، خدای متعال یک عنصر فرهنگی و تربیتی که «مادر» نام دارد را در کنار یک عنصر اقتصادی که «پدر» نام گرفته، قرار داده و پدر را مأمور کرده که نگرانی اقتصادی خانواده را برطرف سازد تا مادر فارغ البال و بدون دغدغه معیشت در یک محیط آرام، به وظیفه تربیت

پردازد. در محیط بزرگ جامعه آیا به یک نهاد فرهنگی و تربیتی نیاز نیست؟ (1)

5. برای ساختن یک ساختمان معمولی به دهها نیروی کاری متخصص نیاز داریم. مهندس، معمار، کارگر، لوله کش، آهنگر، برق کش، نقاش، کابینت ساز و... یقیناً برای ساختن یک جامعه اسلامی و بنای یک تمدن تاریخی بزرگ بر اساس اسلام، به ده ها هزار نیروی دین باور زمان آگاه وارسته احتیاج داریم و این نیروها در محیط حوزه علمیه پرورش می یابند.

6. فقدان چهره های ممتاز و استوانه های علمی و معنوی حوزه در مبارزات قبل از انقلاب و حوادث پس از پیروزی و نیز عزم راسخ دشمنان بر از بین بردن شخص یا شخصیت بزرگان دین در شرایطی که اندیشه دینی در میان نسل جوان دستخوش طوفان شدید فتنه ها و امواج متلاطم شبهات گشته این نیاز را افزون تر نموده است. (2)

ص: 65

1- مشخص است که برای برپا ماندن این نهاد فرهنگی تربیتی بودجه ثابتی باید در نظر گرفته شود، همانطور که تأمین نیازهای مادی به صرف هزینه ای وابسته است آنچه که به عنوان شهریه و کمک هزینه تحصیلی به طلبه ها داده میشود پاسخ به همین نیاز است. امروزه در همه جای دنیا برای آموزش و بهینه سازی منابع انسانی در قالب بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی بودجه های میلیونی و میلیاردی خرج میشود و البته در مقابل نیروهای توانا و کارآمدی که به دست می آیند در توسعه مطلوب آن مراکز بسیار مؤثرند به واقع بودجه ای که برای تحصیل طلبه ها از محل وجوهات شرعی قرار داده شده است بودجه ای است که خدای متعال و امام زمان علیه السلام برای بورسیه دانشجویان علوم دینی قرار داده اند تا از رهگذر آن، نیروهای کارآمد و توان مندی تربیت شوند و در نشر دین اسلام و ترویج فرهنگ محمدی ل نقش ایفا کنند.

2- توطئه قدرت های بزرگ برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان تحریف اعتقادات اصیل، تغییر فرهنگ ناب اسلامی و تضعیف روحانیت - به عنوان سردمدار مبارزه با استکبار جهانی بیش از آن است که در این مختصر به آن اشاره شود. مطالعه کتاب خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی برای آشنایی با نوع فعالیت های آنان بسیار مفید است.

7. درگیری با انبوهی از شبهات تاریخی که از فضای فکری غرب یک باره به زبان بومی ما ترجمه و به جامعه ما سرازیر شد بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای نخبه حوزه را مشغول به فعالیت های حاشیه ای نموده و از رسالت اصلی خود منحرف گردانده است؛ گرچه همین مبارزه برکات فراوانی در پی داشته است.

8. تحقیقات جدیدی که پس از انقلاب در دستور کار حوزه قرار گرفته و موج موضوعات نوینی که بررسی آنها از منابع دینی، تازه آغاز گشته یا پس از این باید آغاز گردد، تولید و تدوین دانش های جدید دینی که غالباً ناظر به ابعاد اجتماعی اسلام می باشد.

9. مسئولیت های سترگ اجرایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر دوش حوزویان نهاده است از عواملی است که نیاز به نیروی انسانی را در این شاخه از فعالیت ها روشن تر می نماید.

10. آشنایی با دین الهی به عنوان پدیده ای بسیار عظیم دارای معارفی عمیق و روابطی بسیار پیچیده فرایندی دراز مدت است. به همین جهت مراحل پرورش نیروی کارآمد حوزوی در مقایسه با سایر مراکز علمی بیشتر و نیازمند زمانی درازتر است. تحصیل حوزوی، 15 تا 20 سال استقامت و تلاش نیاز دارد. این واقعیت پیامدهای ناگواری برجای می گذارد که شایسته بررسی و تأمل است:

- اضطراب و نگرانی ابتدایی و تزلزل همت متقاضیان ورود به حوزه بر اثر دوردست جلوه کردن هدف؛

- خستگی و دلزدگی طلاب در اواسط مسیر و در نتیجه جدا شدن از خانواده حوزه؛

- غفلت از هدف اصلی ورود در حواشی و فرعیات و پرداختن به اموری که مستقیماً رسالت حوزه محسوب نمی شود.

طلبه به مراتب بیش از دانشجو به استقامت نیاز دارد یکی از دلایل آن این است که دانشجو پس از یک دوره تحصیلی 4 یا 7 ساله خود را در پایان راه تلقی می کند؛

اما طلبه پس از سالها تحصیل خود را همچنان در آغاز راه می‌نگرد. 11. علاوه بر همه این عوامل، نرخ ریزش همین تعداد اندک که در چنین فضای سنگینی افتخار طلبگی یافته‌اند بسیار بالاست. پاره‌ای به جهت دلزدگی و بی‌انگیزگی و پاره‌ای به جهت دشواری بودن مواد درسی، گروهی بر اثر فشار اجتماعی و گروهی دیگر بر اثر مشکلات اقتصادی - خصوصاً پس از تشکیل خانواده - و گروهی به دنبال جذابیت مراکز دیگر یا فقدان برنامه متناسب با نیاز در حوزه یا از حوزه فاصله می‌گیرند.

با این وصف، هر یک از طلاب علوم دینی در بحران شدید نیروی انسانی، گوهر گران‌بهای کمیابی محسوب می‌شود و در موقعیت استثنایی و ممتازی قرار گرفته‌است که با تلاش مضاعف باید جای خالی دیگران را پر کند و به رفع کاستی‌ها همت گمارد. دشواری شرایط فرهنگی به ضمیمه ندرت نیروهای توانمند، مسئولیت بیشتری برای او آفریده‌است.

بدین ترتیب روشن است که نظام روحانیت و حوزه‌های علمیه، وظایف بسیار متنوعی بر دوش دارند که هرگونه استعداد و توانایی را می‌توانند به خدمت بگیرند با شرایطی که توصیف شد، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من استعداد طلبگی را ندارم. همه انواع روحیات و استعدادها می‌توانند به کار خدمت دین بیایند و در نظام روحانیت مورد استفاده قرار گیرند. گرچه مسئولان حوزه نیز موظف‌اند که امکانات محدود موجود را خرج بهترین‌ها کنند و در مراحل گزینش و پذیرش دقت فراوانی به کار گیرند.

(ب) حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین

حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با معارف اسلام است. هیچ مرکز دیگری در سراسر جهان وجود ندارد که در آن به صورت رسمی و با برنامه‌ای جامع، با فرهنگ دین و سخن پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، بتوان آشنا شد از این نظر شرایطی که برای

طلبه پدید می آید بسیار مغتنم و قابل استفاده است. البته حوزه ها - مانند همه سازمان ها، ادارات و مراکز دیگر - تا رسیدن به نقطه مطلوب و رفع همه نقاط ضعف، فاصله ای طولانی در پیش دارند؛ اما همه کسانی که نقاط ضعف و کاستی های آن را گوشزد می نمایند باید به این مسئله به خوبی توجه کنند و توجه دهند که هیچ سازمان و مرکز دیگری رسالت عظیم حوزه و کارکرد آن را نمی تواند عهده دار شود. حوزه، به رغم همه کاستی ها و بایسته ها برای اسلام شناسی و درک عمیق فرهنگ دین بهترین شرایط را فراهم می کند.

البته در میان حوزه های مختلف، خوب و بهتر وجود دارد و هرکسی موظف است شرایط رشد و تحصیل بهتری برای خود ایجاد کند و از فرصت ها و امکانات بیشتری بهره برداری نماید؛ اما به هر حال محدودیت و کاستی در همه جا وجود دارد. هنر آن نیست که پس از تأمین همه شرایط و امکانات حرکت کنیم هنر آن است که در تنگناها و محدودیت ها بهترین استفاده را نماییم. اگر بخواهیم منتظر اصلاح همه کاستی ها و مطلوب شدن همه موجودها باشیم تا پس از آن، اقدام را آغاز کنیم، باید بدانیم که هیچ وقت به چنین نقطه ای نخواهیم رسید. همیشه ایده آل های ما از واقعیت موجود بسیار فاصله دارد. پس عاقلانه تر آن است که به جای تقاضای توسعه امکانات، به بهره گیری از امکانات موجود توجه کنیم و با اراده و اختیار خود گره های بسته را باز نماییم.

نظام آموزشی و پرورشی امروز حوزه در کنار همه کاستی ها، امتیازات چشم گیری نیز دارد در این مجموعه با همین امتیازات شخصیت های برگزیده فراوانی رشد یافته و رسالت پیامبران الهی را بر دوش گرفته اند. نه وجود چنین برگزیدگانی بهانه موجهی برای عدم اصلاح کاستی های حوزه است و نه وجود آن کاستی ها، بهانه موجهی برای نفی کامل حوزه استاد شهید مطهری در این باره می فرمایند:

لازم است روحانیت را اصلاح کرد نه اینکه آن را از بین برد. ثابت نگاه داشتن سازمان روحانیت در وضع فعلی نیز به انقراض آن منتهی خواهد شد. این مطلب را حدود 10 سال است که بارها و بارها تکرار کرده و گفته ام که روحانیت یک درخت آفت زده است و باید با آفت هایش مبارزه کرد. کسی که می گوید دست به ترکیب این درخت نزنید معنای سخنش این است که با آفت های آن هم مبارزه نکنید و این باعث میشود که آفت ها درخت را از بین ببرند آن کسی نیز که میگوید اصلاً این درخت را باید از ریشه کند اشتباه بزرگی مرتکب می شود. زیرا اگر این درخت کنده شود دیگر هیچ کس قادر نخواهد بود تا نهال جدیدی به جای آن بکارد. (1)

امروزه هر یک از عناصر برنامه آموزشی حوزه، متولی سرسختی برای مخالفت پیش رو دارد. اگر مجموع این مخالفت ها را گرد هم آوریم چیزی از نظام آموزشی حوزه باقی نخواهد ماند در حالی که این گونه نیست همین متون و همین کتاب ها دست مایه دانشمندان دین در آشنایی با آموزه های مکتب انبیا بوده است. تکامل این نظام آموزشی و بهبود کیفیت آن همواره مد نظر مصلحان و دلسوزان قرار داشته؛ اما همان بزرگان بارها تأکید کرده اند که موجودی خود را نباید به جرم نداشتن پاره ای کمالات، یک باره از دست داد!

بدترین اثری که این انتقادات و اعتراضها بر بدنه جوان حوزه وارد آورده، از بین بردن ایمان و اعتقاد آنها به استحکام این بنیان رفیع است. ایمان و اعتقاد به فعالیتی که انجام میدهم موتور حرکت و پویای ماست. «شبهه»، این موتور را سرد و خاموش و ما را از حرکت متوقف میسازد و خود توجیه فریبنده ای برای سستی و کاهلی قرار می گیرد.

ص: 69

- 1 - چرا اغلب دانش آموزان در کنار گزینه دانشگاه به گزینه ای به نام حوزه فکر نمی کنند؟
- 2 - آیا فراوانی طلاب علوم دینی به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای کنونی جامعه هست؟ تحلیل کنید .
- 3 - تحصیل در یک رشته مهم دانشگاهی - به هدف اعتلای نظام اسلامی را با تحصیل در حوزه مقایسه کنید.
- 4 - طلبه ای نیمی از توان خود را صرف یادگیری علوم فنی و مهندسی می کند تا با کسب عناوین دانشگاهی در میان جوانان تأثیرگذارتر و جذاب تر باشد ، نظر شما در این مورد چیست؟
- 5 - تدریس و تحصیل علوم انسانی دانشگاهی در حوزه های علمیه چه دلیلی دارد؟
- 6 - در شرایطی که جامعه ما به پزشک و مهندس و استاد دانشگاه متعهد نیاز شدید دارد و مردم از مشکلات اجتماعی و اقتصادی موجود رنج می برند، آیا همچنان به طلبگی توصیه می شود؟ چرا؟
- 7- نهادهای فرهنگی موجود - مانند آموزش و پرورش، دانشگاه ها (خصوصاً رشته های معارف و الهیات)، سایت ها و نشریات دینی رادیو معارف، رادیو و شبکه معارف و قرآن و... - جایگزین نظام طلبگی نیستند؟
- 8- با توجه به طولانی بودن نظام آموزشی حوزه، آیا تحصیل در مراکزى مانند دانشگاه امام صادق علیه السلام، مدرسه عالی شهید مطهری و دانشگاه علوم اسلامی رضوی علیه السلام بهتر نیست؟
- 9- و آینده حوزه و طلبگی را به روشنی ترسیم نمایید.

فصل چهارم : روند کلی فعالیت های طلبه

اشاره

ص: 72

فعالیت های هر انسان به دو بخش تقسیم می شود: فعالیت های شخصی و فعالیت های صنفی. «فعالیت های شخصی» مجموعه کارهایی است که همه افراد به مقتضای انسان بودن به انجام آن موظف هستند و عنوان و صنف اجتماعی در آن تأثیری ندارد؛ عبادت، ورزش، بهداشت، رسیدگی به امور خانواده و خویشاوندان، امر به

معروف و نهی از منکر و ارتباط اجتماعی از این دسته هستند. برعهده گرفتن بخشی از نیازهای جامعه و خدمت در یک صنف اجتماعی نیز وظیفه شخصی هر انسانی است.

پس از حضور در یک صنف خاص و پذیرش یک عنوان اجتماعی مسئولیت های تازه ای بر دوش انسان قرار میگیرد که برای انجام آن - در قبال بهره مندی از خدمات دیگران - حدود 8 تا 10 ساعت در شبانه روز باید وقت گذاشت. این مجموعه فعالیت ها، «فعالیت های صنفی» نام دارد. آنچه در تعطیلات رسمی کشور تعطیل می گردد،

همین فعالیت های صنفی است و فعالیتهای شخصی تعطیل بردار نیست.

یک پزشک، هر روز به جز روزهای تعطیل - 8 تا 10 ساعت، موظف است در مطب یا بیمارستان به ارائه خدمات درمانی بپردازد. یک راننده تاکسی، هر روز 8 تا 10 ساعت، درون اتومبیل، بخشی از نیازهای جامعه را برآورده می سازد. کارمند،

طلبه هم به مقتضای قرار گرفتن در یک صنف اجتماعی موظف است در هر روز به جز روزهای تعطیل رسمی - 8 تا 10 ساعت فعالیت طلبگی داشته باشد. در این قسمت، به بررسی فعالیت های صنفی حوزویان می پردازیم.

الف) دوران زندگی حوزویان

دوران زندگی یک حوزوی دو فراز مهم و دو صفحه دیگرگون دارد.

1. دوره رشد و تحصیل؛

2. دوره بازدهی و ثمر بخشی .

در فراز اول هویت اصلی شخص، هویت «تحصیل» است. طلبه در این دوره، به بالابردن ظرفیت علمی و دیگر توانمندی های خود می پردازد و قابلیت های خود را فعال می کند. عمده فعالیت هایش ناظر به «خود» اوست و به هدف اعتلای سطح کمال خودش صورت می گیرد. عنوان «طلبه» به معنای طالب و پژوهنده کمال، گویای وجهه غالب و رنگ اصلی هویت او در همین دوره است.

در فراز دوم، او بیشتر به استفاده از این توانمندی ها و ارائه خدمات به «جامعه» می پردازد. شخصیت اصلی او بیشتر در خدمت رفع نیازهای دینی، معنوی و علمی جامعه قرار می گیرد و از او انتظار ثمردهی می رود. در دوره اول طلبه «متعلم علی سبیل النجاه» است و در دوره دوم به «عالم ربانی» تغییر هویت داده است.

اگر کل زندگی طلبه را پس از آغاز فعالیت حوزوی شصت سال فرض کنیم، این شصت سال در تقسیم اولیه به یک دوره بیست ساله و یک دوره چهل ساله تقسیم می شود که رسالت های اجتماعی حوزه و کارآمدی طلبه عمدتاً مربوط به دوره دوم است.

نکته بسیار مهم اینکه انتقال یک فرد از دوره اول به دوره دوم به صورت دفعی رخ نمی دهد. این دو دوره مرز ظریف خطی ندارند که گام نهادن به دوره دوم تنها در «یک

لحظه» رخ دهد؛ بلکه این انتقال به صورتی تدریجی، آرام آرام و طی زمانی طولانی صورت می‌گیرد. بنابراین مرز میان این دو دوره، طیفی است نه خطی. طلبه هر سال که پیش تر می‌رود، غلظت فعالیت‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی در برنامه کاری او افزایش می‌یابد و از درجه حضور فعالیت‌های تحصیلی در برنامه او اندک اندک کاسته می‌شود. البته تحصیل علم هرگز از برنامه کاری طلبه حذف نمی‌شود. طلبه و بلکه هر انسانی موظف است از گهواره تا گور در جست‌وجوی دانش باشد؛ اما میزان پرداختن به وظیفه دائمی دانشجویی در ادوار مختلف سنی متفاوت است.

از آنجا که مخاطب این قلم، نخستین صفحه دفتر زندگی حوزوی را گشوده و در آغاز راه قرار دارد، شایسته است که بحث را به دوره رشد و تحصیل، اختصاص دهیم.

(ب) دوره رشد و تحصیل

هویت طلبه در دوره رشد و تحصیل، هویت تحصیلی است و فعالیت‌صنفی‌ای که برعهده دارد «تحصیل» است. مراد از تحصیل در این عبارت فقط تحصیل رسمی حوزوی نیست؛ بلکه کسب هرگونه کمال و توانمندی از قبیل توان پژوهش، سخن‌وری، ارتباط اجتماعی، مدیریت و... جزء فرایند تحصیل است. گرچه درصد اهمیت و ضریب اعتبار این موارد تفاوت فراوان دارد. بر این اساس، عمده نیرو و وقت طلبه در طول سال باید در تحصیل و بالابردن توانمندی‌های شخصی هزینه شود.

«متن» برنامه طلبه به تحصیل و جمع‌آوری برای خود اختصاص دارد و «پیرامون» آن به ثمربخشی، ارائه و بازدهی. برهم خوردن نسبت متن و حاشیه، خلاف مقتضای طلبگی و مغایر با وظیفه اصلی اوست. آنچه قطعی است اهمیت مضاعف متن نسبت به حاشیه است. یعنی حاشیه، از متن بیشتر نیست، مساوی آن هم نیست؛ بلکه از آن - به اندازه‌ای قابل توجه - کوچک تر است. با حفظ این اندازه کلی، تثبیت نهایی ابعاد متن و حاشیه بسته به سلیقه افراد، متفاوت است.

برای آنکه منظور بحث روشن تر انتقال یابد کمی به زبان اعداد و ارقام سخن گوئیم. نسبت متن و حاشیه تقریباً نسبت 4 به 1 است. یعنی اگر طلبه چهار پنجم وقت و نیروی خود را به تحصیل و یک پنجم آن را به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهد، اندام کلی برنامه او از تناسب خارج نشده است. از آنجا که طلبه در سال های نخست توانایی درخوری برای فعالیت های جانبی ندارد، طبعاً این نسبت ها تغییر می کند (مثلاً یک دهم و نه دهم)؛ اما بر فرض آمادگی کامل طلبه برای انواع خدمات فرهنگی و احساس موفقیت او در انجام فعالیت های اجتماعی، هویت صنفی او بیش از این یک پنجم به او اجازه حاشیه پردازی نمی دهد. تحصیل دانش دین که زیربنای مفید برنامه طلبه به شمار می رود، نباید در کنار امور متفرقه که به منزله حیاط و فضای سبز ساختمان برنامه اوست - به قدری محدود شود که هنجار عمومی برنامه برهم خورد.

این یک پنجم کل زمینه به صورت های مختلف قابل توزیع بر زمان است. مثلاً دو ماه و نیم از سال، یک روز در هفته یا 2 ساعت در روز، این یک پنجم را پوشش می دهد. (1)

ص: 76

1- پس از اتمام دوره تحصیل، این نسبت ها عکس می شود. یعنی فعالیت تحصیلی یک پنجم و ثمردهی، چهار پنجم خواهد شد. به بیان دیگر دانش آموزی و مهارت افزایی تا پایان عمر نباید تعطیل شود؛ اما این وظیفه برای طلبه تمام هویت اوست و برای روحانی در دوره ثمردهی تنها در حاشیه کارهای او قرار می گیرد. تصویر فوق گویای همین مطلب است.

* فعالیت شخصی : 14 ساعت.

* فعالیت صنفی : 10 ساعت.

* فعالیت تحصیلی : چهار پنجم از زمان فعالیت صنفی مثلاً 8 ساعت در روز یا 5 روز در هفته یا نه ماه و نیم از سال.

* فعالیت فرهنگی : یک پنجم از زمان فعالیت صنفی مثلاً 2 ساعت در روز یا 1 روز در هفته یا دو ماه و نیم از سال.

* تحصیل حوزوی : چهار پنجم از زمان فعالیت تحصیلی.

* تحصیل سایر امور : یک پنجم از زمان فعالیت تحصیلی.

ج) فعالیت های فرهنگی در برنامه عملی طلبه

مراد ما از «فعالیت فرهنگی» هرکاری است که با استفاده از نیروی موجود و توانمندی بالفعل فرد، به هدف رشد دیگران و ارائه خدمات فرهنگی به آنان صورت گیرد.

در طرح کلان فعالیت های طلبه به این نتیجه رسیدیم که بر اساس هویت طلبه، عمده توان و زمان او باید صرف تحصیل و بالا بردن توانمندیهای خود گردد و جز در حاشیه این وظیفه اصلی، انتظار نمی رود طلبه به فعالیت های دیگر پردازد (نسبت متن و حاشیه، نسبت 4 به 1). ضمن پافشاری مجدد بر این فرمول تأکید میکنیم که گرچه پرداختن به این فعالیتها در حاشیه برنامه طلبه قرار دارد؛ اما به هیچ وجه، متن کار او بدون حاشیه، مفید واقع نمی شود. خصوصاً طلابی که چند سال در حوزه تحصیل کرده و بنیه علمی و شخصیت نسبتاً استواری یافته اند، وظیفه ویژه ای در این مورد دارند. این گونه فعالیت ها علاوه بر «تأمین نیاز جامعه و ادای رسالت اسلامی» و «زنده نگاه داشتن روح حساسیت نسبت به نیازهای جامعه» و «تقویت بینش اجتماعی»، به «رشد و تکامل توانمندی های مورد نیاز طلبه» هم می انجامد. به بیان دیگر اینگونه فعالیت ها در مراحل نخست، نوعی تحصیل هم محسوب می شود؛ تحصیل توان

سخن‌وری، نویسندگی، پژوهش، کلاس‌داری، مواجهه با جمع، مدیریت، طراحی فرهنگی، ارتباط اجتماعی، کار متشکل گروهی.....
که هر یک به مرور زمان و به برکت «تجربه و تمرین» در وجود شخص، شکل می‌گیرد.

تحصیل علوم حوزوی، درون مایه این توانمندی‌ها را تأمین می‌کند و این توانایی‌ها قالبی برای ارائه آن محتوا خواهد شد. به خوبی روشن است که محتوای بدون قالب همچون قالب بدون محتوا، مفید واقع نمی‌شود.

ص: 78

مراکز فرهنگی

مساجد

حوزه های علمیه

دانشگاه ها

مدارس

کانون ها

فضای مجازی (سایت، کلوپ چت، وبلاگ و...)

مطبوعات و نشریات

ادارات و نهادها

هیات مذهبی

نمایشگاه ها

پادگان ها

جلسات انس دوستانه

محیط خانواده

زندان ها

رادیو و تلویزیون

انواع فعالیت های فرهنگی

سخنرانی

تدریس و کلاس داری

تألیف

تحقیق

مشاوره و راهنمایی

مقاله

ترجمه

شعر

داستان

گفت و گو

موعظه

نقاشی، طراحی، گرافیک

روزنامه دیواری

دعا، مرثیه، مداحی

پاسخ به سؤالات

پشتیبانی فکری

ص: 79

پاره ای از دانش آموزان مدارس و دبیرستان ها در کنار برنامه های آموزشی و تحصیلی خود در فعالیت های فوق برنامه، حضوری پر نشاط دارند روزنامه دیواری تهیه می کنند؛ مقاله می نویسند و در مراسم صبحگاه ارائه می دهند؛ در کتابخانه یا واحدهای دیگر فعالیت می کنند؛ در اجرای مراسم نماز جماعت، دعا، قرآن، جشن یا، سوگواری راهپیمایی، برنامه های هنری، دکلمه، مسابقه، سرود، تئاتر سهم می گردند؛ با بسیج مدرسه همکاری می کنند؛ بریده جراید را در تابلوی مخصوص نصب می کنند؛ کلاسهای تقویتی برای دوستان خود تشکیل می دهند؛ از ذوق و هنر خود به صورت شعر، طراحی، کاریکاتور و... استفاده می کنند؛ آزمایش های توصیه شده در کتابهای درسی را به خوبی انجام می دهند؛ با بهره گیری از دانش و مهارت خود کارهای دستی، پاورپوینت و وسایل خاص تولید می کنند و خلاصه آن که جوش و خروش ویژه ای از خود نشان می دهند. این دانش آموزان با استفاده شایسته از وقت و توان خود،

- بهره ای به دیگران می رسانند؛

- تنوع برنامه خود را حفظ و نشاط خود را استمرار می بخشند؛

- آموخته های خود را محکم می زنند و مباحث نظری خشک را بهتر درک می کنند؛

- خلاقیت و توان علمی خود را بالا می برند؛

- فایده و کاربرد معلومات خود را لمس می کنند و به ادامه جدی تحصیل، ایمان و امید بیشتری پیدا می کنند؛

- روح تعاون و همکاری را در خود تقویت می کنند؛

- قدرت برخورد اجتماعی و تعامل گروهی را در خود می افزایند و صحنه جدی فعالیت های اجتماعی را در دایره ای کوچک تجربه می کنند و

- همیشه مورد تقدیر و تشویق اولیا و مربیان هستند...

اگر و تنها اگر این فعالیتها در «حاشیه» فعالیت آموزشی آنها قرار گیرد و آسیب

جدی به روند تحصیل آنها وارد نسازد، شخصیت این دانش آموزان پرشور از رهگذر این تلاش و تجربه، مجموعاً بهتر و مفیدتر و جامع تر از دانش آموز درس خوانی است که دائماً دفتر و قلم به دست گرفته و در گوشه انزوا سر در مباحث درسی فروبرده است.

پدران و مادران و مربیان معمولاً دو توصیه موازی به فرزندان خود می کنند:

* یکی حضور فعال در این برنامه ها، به جهت فواید فراوان آن؛

* دوم توجه به ضریب اهمیت درس و رعایت اعتدال در این حضور.

همین دو توصیه موازی را در حرکت حوزوی نیز باید رعایت کرد. فعالیت های جانبی در کنار برنامه تحصیل، برای طلبه ضروری است و مشابه این آثار و برکات را در پی دارد. البته اگر در انجام این فعالیت ها رعایت اعتدال فراموش نشود.

روشن است که به دست آوردن هر توانمندی در ابتدای امر دشوار است و با ناکامی ها و شکست هایی مواجه می شود و احتمالاً ضایعاتی خواهد داشت؛ اما در مقابل، توانمندی و ورزیدگی حاصل از آن مجموعاً مقرون به صرفه است.

پرسش

1 - منظور از فعالیت های شخصی و فعالیت های صنفی چیست؟

2 - طلبه باید به رشد خود بیشتر توجه کند یا به رشد دیگران؟ فرمول موازنه رشد و خدمت در برنامه زندگی طلبه چیست؟

3 - بسیاری از برنامه های مورد نظر ما با یکدیگر جمع نمی شود. در تزاخم میان برنامه ها، کدام یک را با چه منطقی مقدم سازیم؟

4 - از چه زمانی باید دغدغه های اجتماعی داشته باشیم و نسبت به فضای اجتماعی پیرامون خود واکنشی نشان دهیم؟

5 - طلبه تا چه زمانی باید به تحصیل خود ادامه دهد و چه زمانی فارغ التحصیل می شود؟

کودک انسان در مراحل نخست زندگی برای ماندن و بهزیستن به خدمات دیگران سخت وابسته است؛ در خوردن، خوابیدن و آسودن نیز نیازمند «کار» دیگران است و از خود هیچ هنری ندارد... اندکی بعد همین کودک، بخشی از کارهای خود را با «همکاری» دیگران انجام می دهد. هر چه از مراحل رشد او می گذرد، در تأمین نیازهای خود مستقل تر می شود و نیاز او به «کار» یا «همکاری» دیگران کاهش می یابد، گرچه هیچگاه به صورت کامل از دیگران بی نیاز نمی شود.

در سنین جوانی، شایسته است آدمی تأمین بخشی از نیازهای دیگران را برعهده گیرد و همانگونه که خود تاکنون از حاصل کار و دسترنج دیگران بهره گرفته بود، از این پس به دیگران بهره برساند. اینک وظیفه دارد در قبال خدمات فراوانی که از دیگران دریافت کرده به رسم قدرشناسی از خود واکنشی نشان دهد و خدمتی برساند. (1) این مرحله آغاز ورود انسان به جریان اجتماع و قرار گرفتن در یک صنف اجتماعی است. قرار گرفتن در یک صنف به معنای انتخاب یک مسئولیت و اعلام آمادگی برای انجام خدمات مشخص است. معلم، راننده، کاسب، کشاورز، آهنگر، کارمند و کارگر، هر یک با انتخاب شغل خویش، در یک گروه اجتماعی قرار گرفته، خدمات ویژه ای را ارائه می دهند، البته در مقابل نیز خدمات دیگری دریافت می دارند...

ص: 83

این حکایت «چهره اجتماعی» حیات ما انسان ها است. زندگی ما آد미ان چهره دیگری نیز دارد؛ «چهره حیات فردی».

انسان به اقتضای انسانیت خود - به عنوان یک فرد و فارغ از عضویت در اجتماع بشری - موظف است برای دستیابی به هدفی بلند، مسیری را طی کند. مرد وزن، پیر و جوان، شهری و روستایی، کاسب و کارمند و کارگر و معلم در اصل این وظیفه تفاوتی ندارند؛ زیرا همه در انسانیت مشترک اند. کسب معرفت، تهذیب نفس، تقوا و تعالی معنوی، ارزش های وجودی انسان در زندگی فردی او است. انسان حتی اگر دور از آبادی به سر برد و در جزیره تنهایی، زیست کند، به حکم انسانیت خویش، موظف به خودسازی و تحصیل عبودیت، قرب، و کمالات اخلاقی است.

هم چنین موظف به «حضور اجتماعی» است آدمی به مقتضای سرشت اجتماعی خویش، به عنوان یک فرد، وظیفه دارد در اجتماع زندگی کند. کمال مطلوب انسان نیز در گرو همین زندگی اجتماعی رقم خورده و با حضور در میدان اجتماع قابل دستیابی است.

همین انسان، آن گاه که با جامعه مرتبط میشود و به عنوان عضوی از پیکره اجتماع در می آید، تعریف تازه ای می یابد و وظایف جدیدی بر دوش می گیرد. اینک انسان نه به حکم انسانیت، بلکه به مقتضای حضور اجتماعی اش، وظایفی دارد. مثلاً موظف است که حقوق دیگران را رعایت کند، به نیازهای هم نوعان خویش توجه داشته باشد و درصدد ارائه خدماتی به آنها باشد.

در بعد حیات اجتماعی، ارزش انسان بر اساس خدماتی که ارائه می دهد، تعیین می شود هرچه این خدمات ارزنده تر و گسترده تر باشد، تأثیر وجود شخص در جامعه بالاتر و در بعد اجتماعی موفق تر است. براین اساس، لازم است:

1. هر فرد در فرایند انتخاب خود، دقت کافی کند تا مؤثرترین خدمات اجتماعی را شناسایی کند و متناسب با توان و استعداد خود در صنفی قرار گیرد که بهره بیشتری برساند.

2. پس از انتخاب نیز توان خود را برای ارتقای سطح خدماتی که ارائه خواهد داد، بالاتر برد.

از نگاه دین، هرچه توانمندی، کارآیی، لیاقت و قدرت انسان بیشتر و به قول معروف «باعرضه تر» باشد، و بتواند خدمت بیشتری ارائه کند، شایسته تر است. بدین ترتیب، دو مطلوبیت و دو ارزش برای انسان مطرح است: ارزش «ایمان، اخلاق و تقوا» و ارزش «کارآمدی و کفایت».

.. إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ الْقَوَى الْأَمِينِ؛ (1)

چرا که بهترین کسی است که استخدام میکنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است. ایمان و تقوا ارزش بعد فردی وجود انسان است و کارآمدی و کفایت، ارزش بعد اجتماعی او و بدین ترتیب، الگوی انسان تراز دین مؤمن خدوم خواهد بود؛ زیرا مؤمن خدوم با صفت «ایمان»، خود را به افق کمال نزدیک می گرداند و با صفت «خدمت» جامعه را به سوی کمال حرکت می دهد. (2)

در میان کارگزاران دولت امام علی علیه السلام سه شخصیت متفاوت دیده می شود: اول شخصیتی چون مالک اشتر نخعی است که از سویی توان مدیریت بسیار بالا و قدرت جسمی و فکری و روحی عظیمی دارد و از سوی دیگر، در مراتب بالای ایمان و ولایت و معنویت قرار گرفته است؛ بدین جهت، هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی مورد رضایت کامل امام زمان خویش است. امام علی علیه السلام از داشتن

ص: 85

1- قصص، آیه 26.

2- توصیه به قضای حوائج مؤمنان در معنای گسترده خود، توجه به همین خدمت اجتماعی است. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: مَنْ أَصْبَحَ لَيْهَتَمَ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که به امور جامعه اسلامی اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست (کلینی، الکافی، ج 2، ص 163)؛ امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُ لِلنَّاسِ؛ برترین مردم کسی است که فایده بیشتری برای دیگران داشته باشد و این اشاره به برتری انسان در حیات اجتماعی است (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح 10300)

چنین نیرویی به شدت خوشحال و مبهتج است و در واگذاری امور حکومت به او دل آرام و آسوده خاطر. (1)

شخصیت دوم در میان کارگزاران امام علیه السلام شخصیتی عارف و خودساخته چون کمیل بن زیاد است که یار تنهایی امیر مؤمنان علیه السلام است و تاب تحمل معارف سنگین علوی را دارد. وی در جانب ایمان و فضایل انسانی اندوخته ای بس عظیم دارد و همراز و انیس حجت حق قرار گرفته است. همین کمیل آنگاه که از جانب امام به کارگزاری شهرکی به نام «هیت» گمارده می شود، در دفع سپاهیان دشمن که از حوزه مأموریت او گذشتند و به تاراج مسلمانان پرداختند، ناکام می ماند. به همین جهت امام علیه السلام بر او خرده میگیرند و از او گلایه می کنند. (2)

در میان کارگزاران دولت علوی علیه السلام شخصی چون زیاد بن سمیه نیز حضور دارد. زیاد چون پدری شناخته شده نداشت و حرام زاده مسلم بود، زیاد بن ابیه (فرزند پدرش) یا ابن سمیه (فرزند سمیه، کنیز حارث بن کلدۀ ثقفی پزشک عرب) خوانده میشد؛ تا آنکه معاویه در حکومت خود او را برادر خویش و زیاد بن ابی سفیان خواند. زیاد جانشین ابن

عباس در ولایت بصره و سرزمین های فارس بود و دایره حکمرانی وی استان پهناوری را در بر می گرفت که شامل بصره کنونی، اهواز، کرمان، فارس و... می شد. او گرچه در اداره امور مملکت بسیار کارآمد و توانا بود؛ اما بارها از سوی آن حضرت به جهت خیانت های فراوان و فسادهایی که از او سرزد توبیخ و ملامت شد. (3)

بررسی این شخصیت ها نشان می دهد برخی کسان، ایمان، تقوا، اخلاص، اخلاق و معنویت در ابعاد فردی را دارند؛ اما توان انجام امور اجتماعی و صلاحیت واگذاری مسئولیت های سنگین در آنها وجود ندارد. در مقابل، گروهی قدرت

ص: 86

1- ر.ک: نهج البلاغه نامه 13 و 38 و نیز حکمت 443؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 33، ص 556.

2- ر.ک: نهج البلاغه نامه 61.

3- نهج البلاغه، نامه 20 و نیز حکمت 476.

لازم برای انجام خدمات اجتماعی را دارند؛ اما تعهد و تقوای لازم را ندارند.

هیچ یک از این دو گروه، بازوی قابل اعتمادی برای امام امت (کسی که مسئول هدایت اجتماع و اصلاح امور آن است) نیست. امروزه همه کسانی که اندکی با مفاهیم اولیه مدیریت آشنا هستند، به خوبی می دانند که مهم ترین عنصر پیش برنده یک سازمان، «منابع انسانی آن» است؛ یعنی نیروهایی که واجد این دو ویژگی هستند؛ تخصص و تعهد، قدرت و امانت، تقوا و کفایت، عرضه و سلامت نداشتن هر یک از این دو بال برای پرواز به سوی هدف یک کاستی آشکار است و

اعتماد و حرکت را غیر ممکن می سازد.

کسانی که اخلاق و اخلاص و سلامت نفس را در حد مطلوب دارا هستند؛ ولی عرضه سکان داری یک حرکت اجتماعی را ندارند و نمی توانند از خود اثر و خدمت مناسبی ارائه کنند، نیروهای شایسته ای برای پیشبرد اهداف اسلام نیستند. از سوی دیگر، کسانی که واجد همت های بزرگ هستند و با سخت کوشی و تلاش، دانش و مهارت و کارآیی خود را بالا برده لیاقت پذیرفتن مسئولیت های سنگین اجتماعی را کسب کرده اند؛ ولی در اسارت هواها و هوسهای پست حیوانی به سر می برند و از ایمان و اخلاق و انسانیت کم بهره اند نیز هرگز رضایت امام عصر علیه السلام را تأمین نمی کنند؛ گرچه در مواردی می توان لیاقت آنان را به خدمت اهداف دین گرفت و البته با نظارت شدید بر آنان از مفاسدشان در امان بود.

به یقین مقایسه این دو گروه و کنار هم نهادن آنان اشتباهی بزرگ است و این هم عرضی، نباید موجب توهم نوعی هم ارزی میان آنها شود. منظور از این بیان، برابر دانستن ارزش «انسانیت» و ارزش «کارآمدی» با یکدیگر نیست و مقایسه میان کمیل بن زیاد با زیاد بن ابیه هرگز عاقلانه شمرده نمی شود.

انسانیت انسان، ارزش اساسی وجود اوست و در امتداد حیات انسان تا ابد به کار می آید، در حالی که کارآیی و توانمندی، ارزشی درجه دو است و به زندگی اجتماعی

انسان، آن هم تا مرز انتقال به عالم ابدی مربوط است و پس از آن به کار نمی آید. ایمان و انسانیت، بدون توانمندی و کارایی هم ارزشمند است و سعادت او را تأمین می کند، در حالی که کارایی و توانمندی، بدون ایمان و انسانیت ارزش انسانی ندارد و بر لوح سعادت او نقشی نمی زند. بهره ایمان و بندگی از ابتدا به خود شخص باز می گردد، در حالی که بهره کارایی و توانمندی ناظر به نیاز دیگران است.

براین اساس در دوران امر میان این دو ویژگی، جایی که تنها انتخاب یکی از این دو گزینه امکان پذیر باشد، بدون تردید انسان باید ارزش های والای فردی را برگزیند و از هیچ ملامتی و اهمه نکند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید به خودتان پردازید، هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیان نمی رساند.

امام علی علیه السلام نیز فرمودند:

وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يَصْلِحُكُمْ وَيَقِيمُ أَوْدَكُمْ، وَلَكِنِّي لَا أَرَى إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي؛ (2)

من نیک می دانم که چگونه می توان شما را اصلاح کرد و از کجی به راستی آورد؛ اما هرگز اصلاح شما را با تباه کردن خود (روا) نمی بینم.

اما تأکید بر آن است که در شرایط عادی مثلاً برای (جوان که امکان تحصیل هر دو ارزش وجود دارد، نباید سستی، کوتاهی و کاهلی کرد و به بهانه اخلاق و تقوا و معنویت از تحصیل کارایی توانمندی و کفایت دست کشید.

توجه به مسئولیت اجتماعی و پرداختن بدان، آن قدر اهمیت دارد که عبادات فردی نیز جایگزین آن نمی شود و نمی توان به بهانه اشتغال به عبادت پروردگار از

ص: 88

1- مائده، آیه 105 .

2- نهج البلاغه، خطبه 69.

آن سرباز زد. امام کاظم علیه السلام آن هنگام که در سیاه چال مخوف هارون قرار گرفتند و از هرگونه ارتباط اجتماعی محروم و ممنوع گشتند، چنین مناجات فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنِّي كُنْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْرِعَنِي لِعِبَادَتِكَ، اللَّهُمَّ وَقَدْ فَعَلْتَ فَالْكَ الْحَمْدُ؛ (1)

پروردگارا از تو درخواست کرده بودم که مرا برای عبادت خود فارغ گردانی. تو را شکر می گویم که چنین نعمتی نصیبم کردی.

از این بیان معلوم می گردد که انسان در میانه اجتماع حق ندارد زمان و توان خود را تنها صرف امور عبادی کند؛ و تا آن هنگام که اختیار عمل اجتماعی و تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود را دارد وظیفه ای مهم بر دوش دارد که او را از عبادت فردی فارغ البال و خلوت محض با پروردگار مانع می شود. (2)

انسان مؤمن همانگونه که در پی تحقق «انسان ایده آل اسلامی» در وجود خود است، به هدف تحقق «جامعه ایده آل اسلامی» نیز در پیرامون خود تلاش می کند و برای این منظور لازم است مهارت ها و توانایی های لازم را به دست آورد. به دست آوردن توان افزون تر برای انجام کارهای بزرگ و نیز آمادگی برای ایجاد تحولی عظیم یا ارائه خدمتی سترگ، هرگز به معنای خودنمایی مذموم و رفتار متظاهرانه نیست، بلکه به خودی خود مورد توصیه آموزه های دینی است.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّْا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ

ص: 89

1- مفید، الارشاد، ج 2، ص 240.

2- نباید میان رشد فردی و تکالیف اجتماعی تزاومی تصور شود، زیرا رشد فردی انسان به بندگی است و بندگی خدا در گرو انجام وظیفه تحقق می یابد. اگر انسان دو وظیفه فردی و اجتماعی را به موازات یکدیگر داشته باشد رشد او در انجام وظیفه در هر دو حوزه است و نباید یکی از آنها مانع انجام دیگری شود. إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا، إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْناً وَأَقْوَمُ قِيلاً، إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (مزمل، آیات 5-7)؛ اگر برنامه زندگی انسان به گونه ای تنظیم شود که جلوی کارآمدی و کمال اجتماعی گرفته شود یا با انجام وظیفه در اجتماع سازگار نباشد مطلوب نظر دین نیست.

يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؟ (1)

خدا مثلی می زند بنده ای است زر خرید که هیچ کاری از او بر نمی آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق میکند یکسانست؟ سپاس خدای راست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند و خدا مثلی [دیگر] می زند دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد. هر جا که او را می فرستد، خیری به همراه نمی آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است، یکسان است؟

شیعه علی علیه السلام می کوشد در فرایند انتظار فرج که افضل اعمال است، خود را برای کارگزاری دولت مهدوی علیه السلام آماده سازد تا در روزگار حضور و ظهور معصوم، سکان داری شایسته و بازویی توانا برای اجرای عدالت و بسط توحید باشد. چنین کسی متناسب با ابعاد تأثیر اجتماعی و حجم خدمتی که ارائه می دهد، مورد توجه ویژه و رضایت خاص امام عصر علیه السلام است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرموده اند:

سَمِعْتُ عَنْ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يَحْشُرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدْرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ؛ (2)

از پدرم پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که فرمود عالمان شیعه ما (فردای قیامت) محشور می شوند در حالی که به قدر فراوانی دانش و به میزان تلاششان در ارشاد بندگان خدا، از خلعت های کرامت بر آنها پوشانده شده است.

ص: 90

1- نحل، آیه 75 و 76 .

2- شهید ثانی، منیة المرید، ص 115 .

برای توضیح بیشتر مثالی در ابعاد ملموس تر از حکومت غیر معصوم ذکر میکنیم. امام خمینی قدس سره در آستانه انقلاب اسلامی از آحاد ملت ایران خشنود بود و به داشتن چنین توده ای بر جهانیان مباهات می کرد؛ اما رضایت امام از کسی مانند بهشتی و مطهری با رضایت او از توده عوام قابل مقایسه نیست. شهادت بهشتی و مطهری، برای او هم سنگ فقدان یک امت، غم بار و جان فرسا بود. چه بسا حادثه ای طبیعی که پیامد مرگ هزاران شهروند معمولی را به همراه داشته؛ ولی به اندازه شهادت یک بهشتی به بدنه انقلاب آسیب و به دل امام امت درد وارد نکرده باشد.

توصیه به تجهیز امت اسلامی و کسب آمادگی بیشتر در مقابل کفار در آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ (1) علاوه بر کسب قدرت نظامی و تهیه انواع ساز و برگ و جنگ افزار، شامل همه مؤلفه های قدرت، از قدرت علمی، مدیریتی و توان فرهنگی تا انواع مهارت ها، مانند قدرت بیان و سخنوری، نویسندگی و تأثیرگذاری، پیش بینی حوادث و تصمیم گیری و... می شود و این همه جز با تلاش و سخت کوشی و بذل آسایش و راحت، حاصل نخواهد شد. کلیدواژه «مجاهدت» که غالباً با پسوند «فی سبیل الله» و قید «اموال و انفس» در آیات مبارکه قرآن بارها به کار رفته است، براین سخت کوشی و بذل آسایش تصریح دارد.

این نکته نیز گفتمی است که در نظام ارزشی اسلام ارزش والای «شهادت» که به معنای معامله جان با رضای جانان و دست کشیدن از همه سرمایه ها و دارایی ها، به امید لقای محبوب و کسب خرسندی اوست، هم در پرتو خدمت اجتماعی قرار دارد. شهادت هرگز به معنای نفله شدن و جان باختن نیست؛ خون شهید عهده دار انجام کار بزرگی در جامعه اسلامی است و بهره های فراوانی می رساند. خون شهید پاسدار ارزشهای الهی و حامی بقای دین خداست. راه بسته ای

ص: 91

را که جز با خون باز نمی شود، می گشاید و در نهایت بر شمشیر غلبه می کند.

از این رو هرگاه بهره ای یا ثمری - شایسته ارزش آن بردادن خون مترتب نباشد و از این کشته شدن، جز هدر رفتن کاری نیاید (مانند شرایطی که امام حسن مجتبی علیه السلام در آن قرار داشت) شهادت طلبی مطلوب نیست از سوی دیگر، هرگاه که شهادت طلبی مطلوب است، مجاهد در راه خدا باید پیش از بذل جان، به گونه ای طراحی و تدبیر کند که ثمرات و برکات افزون تری از این فداکاری به چنگ آید؛ مانند صحنه ای که سیدالشهدا علیه السلام با بردن خانواده و کودکان و تقدیم شش ماهه تشنه لب برای تاریخ به یادگار نهاد.

طلبه با ورود به طلبگی، از میان خدمات مختلف اجتماعی، «خدمات فرهنگی تربیتی مربوط به حوزه دین» را برگزیده است؛ ثبت نام در حوزه علمیه به معنای اعلام آمادگی برای حضور در صف مقدم حرکت های تعلیمی و تربیتی در گستره آموزه های اسلامی است. طلبه به عنوان یک عنصر فرهنگی، از فهرست طولانی نیازهای انسان، مهم ترین نیاز، یعنی نیاز به وحی و معنویت را برگزیده است تا با همت، مجاهدت و پایداری، این نیاز توده انسان ها را تأمین کند. طلبه در امتداد حرکت پیامبران، آن آموزگاران کتاب و حکمت و مربیان سلوک توحیدی و معنویت قرار دارد و با قدم نهادن در مدرسه علمیه، رسالتی آن چنان خطیر و مسئولیتی این چنین سترگ را بر دوش گرفته است. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم عالمان دین را جانشینان خود خوانده و برای آنان دعا کرده است :

رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي ... الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَيُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ؛ (1)

خداوند جانشینان مرا رحمت کند؛ آنان که سنت مرا زنده نگاه میدارند و آن را به بندگان خدا می آموزند.

ص: 92

بدین ترتیب، طلبه هرگز نمی تواند فارغ از خلاها و آسیب های اجتماعی و بدون توجه به انحرافات فکری و احتیاجات فرهنگی روزگار بگذراند. طلبه براساس هویت تعریف شده صنفی خود، باید در قبال خدمات فراوانی که از دستان پر مهر اجتماع دریافت می دارد، صادقانه و پرتلاش به آنان خدمت کند؛ آیات خدا را تلاوت کند؛ دین کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و در تهذیب و تزکیه نفوس بکوشد؛ و هرچه

توان طلبه در ارائه چنین خدماتی بیشتر باشد ارزش اجتماعی او بیشتر است.

پیش از این گفتیم که هر انسان، در قبال مسئولیتی که در اجتماع بر دوش دارد، باید دو گام بزرگ بردارد نخست انتخاب یک خدمت مؤثر اجتماعی، متناسب با توان خود که بهره فراوانی به جامعه بشری ارزانی دارد. دوم ارتقای سطح کیفیت این خدمات، تا اندازه ممکن.

طلبه در انتخاب مسیر اصلی و ترجیح حوائج معنوی و فرهنگی بر حوائج مادی بسیار خوش سلیقه عمل کرده و شاهره حرکت خود را به درستی برگزیده و از این رو در گام نخست، موفق بوده است اکنون وظیفه دارد تا در گام دوم، کارآمدی خود را افزایش و حوزه تأثیر خود را در موضوعی که برگزیده، گسترش بخشد.

شخصیت های بزرگ - حوزوی یا غیر حوزوی - که در سلوک روحانی و خودسازی معنوی موفق بوده اند؛ ولی گوشه عزلت گزیده و به جهت ناتوانی، از انجام خدمات فرهنگی و اجتماعی طفره رفته اند، گنجینه های پنهان و ذخایر خاموشی هستند که تنها نیمی از راه را پیموده اند. آنان محیط اطراف خود را روشن نمی کنند، گرهی از کار مردم نمی گشایند و باری از دوش جامعه بر نمی دارند. اینها گرچه ارزشهای فردی فراوانی اندوخته؛ اما نخست اینکه در تأمین کامل رضای خدا و امام عصر علیه السلام موفق نبوده اند و سپس الگوی کاملی برای طراحی سیمای آینده طلبه نیستند. الگوی کامل طلبه، باید هر سه ویژگی «عالم»، «ربانی»، و «کارآمد» را با هم داشته باشد و به گونه ای باشد که اگر از میان امت اسلامی

برود، ضایعه ای جبران ناپذیر بر پیکر اجتماع وارد آید؛ یعنی وجود او چنان برای جامعه پرفایده و ارزشمند باشد که جای خالی او را هیچ چیز دیگر پر نکند.

مَا قَبِضَ اللَّهُ تَعَالَى عَالِمًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا كَانَ نُغْرَةً فِي الْإِسْلَامِ، لَا تَسُدُّ تَلَمَّتُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (1)

خدای تعالی جان عالمی از این امت را نمی گیرد، مگر آنکه شکافی در اسلام پدید آید که تا روز قیامت پر نمی گردد.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِاللَّهِ عَرِ الذِّي يَلِي إِبْلِيسَ وَعَفَارِيَّتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ؛

(2)

دانشمندان شیعه پاسداران مرزی هستند که ابلیس و شیاطین به آن نزدیک می شوند و آنها را از حمله و تسلط بر شیعیان ضعیف باز می دارند.

زکریا بن آدم رحمه الله که از اصحاب خاص ائمه اطهار علیهم السلام است، طی نامه ای به امام رضا علیه السلام می نویسد که من اراده کرده ام از شهر خارج شوم؛ زیرا اهل سفاهت و نادانان در آن فراوان شده اند. حضرت او را از این تصمیم بازداشتند و فرمودند:

لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قَمٍ يُدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا يُدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (3)

این کار را نکن؛ زیرا بلا از اهل قم به واسطه تو دفع می گردد؛ همان گونه که بلا از اهل بغداد به واسطه پدرم امام کاظم علیه السلام دفع می شد.

بنابراین وجود عالمان دین، باید موجب سرزندگی اسلام و حفاظت ایمان باشد و اگر این فایده بر وجود آنان مترتب نشود دانش مورد رضای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را نیاموخته اند.

ص: 94

1- المتقی الهندی، کنز العمال، حدیث 28812.

2- طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 13.

3- مفید، الاختصاص، ص 87.

این پرسش، اینک به صورتی طبیعی پیش روی ماست که طلبه برای انجام مسئولیت صنفی خود چه تواناییهایی باید کسب کند و در چه موضوعاتی باید کارآمد باشد؟ حوزه تأثیر طلبه چگونه گسترش می یابد و طلبگی طلبه چگونه پرثمرتر می شود؟ بی شک به دست آوردن مهارت هایی که مربوط به تعریف طلبه و هویت صنفی اوست، برای طلبه لازم است؛ اما سایر توانایی ها و مهارت ها برای طلبه، تنها یک فضیلت به شمار می رود و ضروری نیست .

الف) کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت

یکی از مهم ترین مهارت هایی که یک طلبه باید به دست آورد، هنر فهم آموزه های دینی است. «تفقه» مقوم هویت روحانی و از ذاتیات شخصیت صنفی اوست و اگر حد نصاب دین شناسی و آگاهی از معارف اسلام در کسی نباشد، اطلاق «روحانی» بر او شوخی، مجاز یا دروغ است!

این ویژگی، هم چهره اثباتی و هم چهره سلبی دارد؛ یعنی طلبه هم باید با آموزه های اصیل دین آشنا باشد و هم آموزه های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت ها و تحریفها را داشته باشد و عقربه های حساسیت علمی او، نسبت به کجی ها، انحرافات، تأویل ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.

سرمایه های حوزه علمیه باید برای انتقال این مهارت به طلبه اختصاص یابد و طلبه نیز موظف است همه نعمتهای الهی از زمان توان، انرژی، عمر، نشاط و استعدادی که در اختیار دارد، را صرف همین هدف کند تا تجهیزات لازم برای پاسداری از پیکره دین و جلوگیری از ورود هرگونه آسیب اجتماعی به آن را داشته باشد.

بدین ترتیب، هرچه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروع مخفی گزاره ها را پیش از بروز آسیب، بیشتر داشته باشد، کارآمدتر و ارزنده تر است. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمَبْطُلِينَ وَتَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَانْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ؛ (1)

راد مردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می کنند.

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ بِسَبْعِينَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ حُضْرُ الْفَرَسِ سَبْعِينَ عَامًا وَذَلِكَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيُبْصِرُهَا الْعَالِمُ فِيْهِمْ عَنْهَا وَالْعَابِدُ مُقْبِلٌ عَلَى عِبَادَتِهِ لَا يَتَوَجَّهُ لَهَا وَلَا يَعْرِفُهَا؛ (2)

فضیلت عالم نسبت به، عابد هفتاد درجه است که میان هر دو درجه، معادل هفتاد سال مسیر یک اسب تیزرو فاصله است و این بدان جهت است که شیطان میان مردم بدعت میگذارد که عالم آن را می شناسد و از آن نهی می کند؛ در حالی که عابد به عبادت خویش مشغول است و به آن بدعت توجهی ندارد (و اگر توجهی کند) آن را نمی شناسد.

(ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین

پس از «تفقه»، هنرپیام رسانی و قدرت «انتقال آموزه ها»، مهم ترین مهارت لازم برای طلبه است. روحانی باید بتواند دانش خود را به جریان اندازد و از آنجا که در خطوط انتقال وحی قرار می گیرد، تجهیزات لازم برای توزیع باسلیقه تعالیم دینی را بدون هرگونه افتادگی و ضایعه در میان توده ها داشته باشد. هر عنصری که به این هدف کمک کند در راستای اهداف طلبگی است و طلبه را کارآمدتر و مؤثرتر می گرداند.

مهم ترین این مهارت ها قدرت نوشتن و هنر سخنوری است، زیرا بیشترین حجم اطلاعات از طریق گفتار و نوشتار منتقل می شود.

ص: 96

1- کشی، رجال، ص4، و نیز کلینی، الکافی، ج1، ص32.

2- فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص12.

امروزه ارزش صنایع بسته بندی در توزیع فراورده های صنعتی و جلب اقبال مشتریان برای همه آشکار است؛ چه بسیار اجناس مرغوبی که به خاطر بسته بندی نامناسب، بر روی دست تولیدکننده باقی میماند و چه بسیار اجناس نامرغوبی که به جهت استفاده از بسته بندی جذاب و زیبا به سرعت به دست مصرف کنندگان بدقبال رسیده است.

مهارت هایی که موجب جلب توجه مخاطب، تحریک عواطف و تأثیرگذاری بیشتر پیام میشود؛ از صنایع ادبی و آرایه های لفظی و معنوی، آهنگ جذاب نوسان صدا، شور و حرارت بیان مثال ها و تمثیل های گویا و گیرا و سلیقه در انتخاب بهترین قالب برای عرضه فراورده های فرهنگی، هم سنگ آشنایی با صنایع بسته بندی است و عرضه کالای دین به مخاطب را موفق تر می سازد.

اگر بخواهیم میان این مهارت ها و مهارت اول (شناخت عمیق دین)، مقایسه کنیم باید به صراحت بگوییم که دسته دوم از نظر ارزش، در رتبه دوم و درجه نازلتری قرار دارد زیرا دین شناسی محتوا و درون مایه پیام را تشکیل می دهد و مهارت های تبلیغی قالب و شکل آن را؛ یعنی اگر امر تبلیغ میان «محتوای اصیل در قالب ضعیف» و «محتوای ضعیف در قالب جذاب» دائر باشد، بدون تردید گزینه اول مقدم است؛ جنس مرغوب حتی اگر بسته بندی مناسب نداشته باشد آرام آرام حقیقت خود را آشکار و اعتماد مخاطب را جلب می کند. به همین دلیل، بیشتر توجه طلاب علوم دینی باید به اصالت استناد و استحکام محتوای پیام باشد و بهترین توان و استعداد خود را برای آن به کار گیرند؛ اما برای کارآمدی و تأثیرگذاری، بیشتر هرگز نباید از این ویژگی های درجه دوم غفلت کرد؛ چنان که اعجاز بلاغی قرآن کریم، عامل انتشار اعجاب آور پیام آسمانی اسلام و نفوذ سریع آن در اعماق جان مخاطبان بود از این رو آنچه در دانش بلاغت و نیز صنعت خطابه در دانش منطق آموخته می شود باید با تلاش و تمرین مستمر به ملکه و مهارت تبدیل گردد.

ذکر این نکته لازم است که تکنیکهای امروزی بلاغت، بسیار بیش از آن است که در کتب گذشتگان گرد آمده است؛ بلاغت به معنای «رسایی پیام» است و امروزه در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه محدود نیست. طرح ها، نمودارها، جداول، تقسیم بندی های درختی، خلاصه بحث، برجسته کردن واژه ها و جملات مهم، ویرایش دقیق متن، تصویر، ابزارهای کمک آموزشی و استفاده از روش ها و ابزارهای جدید انتقال پیام مانند پاورپوینت، رایانه و اینترنت نیز در بلاغت کلام مؤثرند. طلبه همان گونه که رسالت فهم دین دارد و باید در آن کار آزموده و چالاک باشد، رسالت ابلاغ سخن دین را نیز دارد و باید بتواند تمام ظرفیت های موجود را برای ابلاغ بهتر و کامل تر دعوت الهی به خدمت بگیرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ (1)

هرگاه انحرافات و بدعت ها در میان امت من ظاهر شد بردانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

ج) کارآمدی در تربیت

از جمله وظایف مهم در آینده صنفی طلبه، وظیفه تلاش برای تزکیه نفوس و پرورش اخلاقی و معنوی جامعه است. اگر مسئولیت صنفی روحانی را تعلیم و تربیت بدانیم، تربیت نیمی از وظایف او را پوشش می دهد و اگر تعلیم را هم در راستای تربیت و به عنایت رشد انسان در نظر بگیریم، وظیفه روحانی در تربیت منحصر خواهد شد و تبلیغ و تعلیم به عنوان مقدمه لازم برای رشد و تربیت انسان مطلوب است. تربیت دینی، مراتب و سطوح مختلفی دارد و هر طلبه متناسب با سطح مخاطبان خود، باید آمادگی انجام این وظیفه را داشته باشد. مقصد تربیت و الگوی رشد دینی

ص: 98

را نیک بشناسد؛ اصول و قواعد تربیت را بداند و بر مهارت‌های تربیتی مسلط باشد. البته این همه بدون تجربه عملی سلوک و تزکیه نفس امکان پذیر نیست.

(د) کارآمدی در مهارت های عمومی

علاوه بر این سه مهارت اصلی، توانمندی های فرعی دیگری وجود دارد که به طلبگی اختصاص ندارد؛ ولی در زندگی عمومی او به کار می آید؛ توانایی هایی چون خوش نویسی، طراحی، رانندگی، انواع ورزش ها، توانمندی های نظامی و دفاعی اطلاعات عمومی غیر مرتبط با حوزه دین و....

این مهارت ها در هویت صنفی طلبه تأثیر چندانی ندارد؛ یعنی می توان عالمی ربانی و کارآمد تصور کرد که از این توانایی ها بی بهره باشد. این توانمندی ها را به دو دسته تقسیم می کنیم:

دسته اول آنها که با صرف زمان اندک، می توان بر آن تسلط یافت و بهره فراوانی از آن دریافت؛ مثل رانندگی تایپ صحیح ده انگشتی مهارت های عمومی امداد و کمک های اولیه این دسته مهارت ها تجهیزات ارزنده ای هستند که با صرف زحمت و مؤونه اندک فایده و معاونت فراوانی میدهند و به حکم عقل، پیگیری و تحصیل آنها مقرون به صرفه است.

دسته دوم مهارت هایی است که برای کسب آنها به زمان طولانی و توان بسیار نیاز است. علوم غیر حوزوی مانند پزشکی، مهندسی و تخصص های مربوط به سایر مشاغل، همچون آهنگری و نجاری و.... از این دسته اند. پی جویی این مهارت ها وظیفه طلبه نیست، بلکه با ایجاد مشغولیت مزاحم، نرخ کارآمدی او را در هویت صنفی اش پایین می آورد، به همین جهت مانع انجام وظیفه محسوب می شود.

نظام آموزشی حوزه های علمیه، مقدمات لازم برای دین شناسی را در اختیار طلبه قرار می دهد. این مقدمات، شامل آشنایی با زبان عربی، آشنایی با پیکره علوم اسلامی و جغرافیای مباحث و نیز آشنایی با روش استنباط از منابع دین است. برخی مهارت های تبلیغی نیز به صورت کاملاً نظری در علم بلاغت و صناعات خمس منطق معرفی شده است؛ اما تمرین این مهارت ها و نیز مهارت های نوع سوم و چهارم برعهده خود طلبه است؛ گرچه برخی مراکز و مؤسسات وابسته به حوزه امکان تحصیل بخشی از این توانمندی ها را فراهم آورده اند.

به هر حال لازم است هر طلبه از آغاز ورود به حوزه در اندیشه کسب مهارت های مورد نیاز آینده خود باشد و در روزگار تحصیل، دست کم یک بار به تجربه عینی مسئولیت های صنفی خود اقدام کند و مهارت خود را نسبت به اموری که در آینده بدان نیاز دارد یا در معرض آن قرار می گیرد بیازماید. این آزمایش طبعاً در مقیاس کوچک و فضای کنترل شده ای صورت میگیرد؛ ولی در مهارت افزایی و کارآمدی طلبه، نقشی بسیار مؤثر ایفا خواهد کرد.

کسی که در پی کسب مهارت وزنه برداری است، باید به عنوان تمرین، وزنه هایی مشابه آنچه در مسابقه نهایی بلند می کند، بلند کرده باشد؛ بلند کردن گونی برنج و گنده درخت، تمرین مناسبی برای ورزش وزنه برداری نیست؛ این عمل گرچه موجب تقویت بازوی وزنه بردار می شود؛ اما دقتهای ویژه و تکنیک خاص وزنه برداری را به او منتقل نمی کند.

به همین ترتیب، لازم است طلبه در خلال تحصیل علوم حوزوی، حداقل یک مورد تدریس، یک دهه سخنرانی، یک سفر تبلیغی، تألیف مقاله یا کتاب، پژوهش، تحقیق کتاب و مقابله نُسَخ، مدیریت فعالیت های فرهنگی، حضور در اردوی فرهنگی و... را تجربه کرده باشد و با فضای متنوع هر یک از این امور از نزدیک انس داشته باشد.

این تجربه شخصی موجب میشود که فراز و نشیب هر یک و مزایا و کاستی های آنها را به خوبی دریابد و داوری روشنی نسبت به ظرفیت های هر مقوله و نیز توانمندی های خود داشته باشد. این تجربه هرگز نباید به آسیب تعویق، تأخیر و تسویف گرفتار آید. پایان تحصیلات حوزوی که طلبه در سنین 35 تا 40 سالگی قرار دارد آغاز خوبی برای پرداختن به این امور نیست. دغدغه مهارت افزایی و کارآمدی باید از آغاز طلبگی در طلبه وجود داشته باشد و او را به حرکت و جوشش بیشتر وادار کند. در سنین بالا علاوه بر آنکه استعداد فراگیری انسان کم میشود، توقع اجتماع از او بالا می رود و نارسایی و اشتباه که لازمه طبیعی هر فراگیری است برای او موجه شمرده نمی شود. غالباً کسانی که توان افزایی خود را به سنین بالا به تعویق می اندازند در آن موقعیت به سبب بروز همین مشکلات، از اقدام برای کسب مهارت دوری می کنند.

پرسش

1- با نگاهی به تاریخ اسلام، ضرورت ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی از سوی طلبه را تبیین کنید؟

2- فرض کنید فردی طلبگی را تنها برای خودسازی و کسب نورانیت باطن و استفاده از فضای معنوی حوزه انتخاب کرده و قصد ملبس شدن یا ایفای نقش روحانی در جامعه ندارد نظر شما درباره او چیست؟ نظام حوزه با چنین افرادی چگونه رفتار کند؟

3- انواع خدماتی که طلبه باید به جامعه ارائه دهد را نام ببرید.

4- طلبه برای انجام مسئولیت صنفی خود چه توانایی هایی باید به دست آورد و در چه موضوعاتی باید کارآمد باشد؟

5- آموختن مهارت های طلبگی از چه زمانی در برنامه کاری طلبه وارد شود؟

6 - برخی معتقدند طلبه تا چهل سالگی باید به دنبال علم آموزی باشد و پس از چهل سالگی به عرصه فعالیت های فرهنگی - تربیتی و اجتماعی پا گذارد. این سخن را بررسی کنید .

7 - این دو طلبه را مقایسه کنید: طلبه ای که با آموزه های دینی عمیقاً آشناست؛ ولی توان ارائه آن را ندارد و طلبه ای که با آموزه های دینی چندان آشنا نیست؛ اما بر چند زبان خارجی تسلط دارد و هنر سخنوری ، نویسندگی، جذب مخاطب، مدیریت فرهنگی و... را داراست.

8 - انقلاب اسلامی ایران در کارآمد سازی حوزویان چه اثری داشته است؟ طلبه در بهینه سازی نقش خود چگونه می تواند از ظرفیت های نهضت حضرت امام قدس سره استفاده کند؟

9 - چند راه کار برای افزایش بازده فعالیت های طلبگی بیان کنید .

ص: 102

چنان چه پیش تر نیز گفته شده خروجی نظام آموزشی و تربیتی حوزه های علمیه «عالم دین» است. عالم دین اگر بخواهد خدمت مؤثری به جامعه عرضه کند و در انجام رسالت های حوزوی موفق باشد علاوه بر تهذیب نفس و خودسازی معنوی باید انقلابی باشد. بنابراین طلبه مطلوب دارای شخصیتی جامع است عالم مهذب و انقلابی. (1)

مراد از طلبه در عبارت بالا همه حوزویان از طلبه مبتدی تا بالاترین سطوح علمی است و به نوآموزان و سطوح مقدماتی اختصاص ندارد. رهبر معظم انقلاب دام ظلّه در این باره فرموده اند:

باید از هر گونه تلاشی برای انقلاب زدایی از حوزه های علمیه احساس خطر کرد. اگر بخواهیم نظام، اسلامی و انقلابی بماند باید حوزه علمیه انقلابی بماند. باید با فکر و تدبیر و برنامه ریزی حکمت آمیز با این خطر مقابله کرد تا حوزه علمیه قم همواره یک حوزه انقلابی و مهد انقلاب باقی بماند و پیش و حرکت انقلابی در آن توسعه یابد. (2)

ص: 105

1- ر.ک عالم زاده نوری سیمای آرمانی طلبه از نگاه رهبر انقلاب

2- بیانات رهبری 94/12/25.

درباره حوزه و طلبه انقلابی پرسشهای فراوانی وجود دارد:

انقلابی بودن چیست؟ طلبه انقلابی کیست؟ و تمایز اصلی او با سایر طلاب در چه چیز است؟ این وصف را بر چه کسی میتوان به حقیقت اطلاق کرد؟

نسبت طلبه با انقلاب اسلامی چیست؟

چرا طلبه باید انقلابی باشد؟ اهمیت انقلابی بودن طلبه چیست؟ اگر طلبه و حوزه انقلابی نباشد چه میشود؟

نشانه‌ها و شاخصه‌های انقلابی بودن طلبه کدام است؟ (اهداف، رسالت‌ها، کارکردها، رفتار، معنویت، روش علمی، روش اجتماعی و ...)

چه آفاتی انقلابی بودن و انقلابی ماندن طلبه و حوزه را تهدید می‌کند؟ الگوی طلبه انقلاب اسلامی کیست و سبک زندگی او چگونه است؟ طلبه انقلابی در نقشه علمی و شیوه علم‌آموزی، برنامه اخلاقی، برنامه تبلیغی، تعامل با خانواده، مردم، نهادهای حکومت، نیازهای انقلاب و ... چه تفاوتی با سایر طلاب دارد؟

برای ایجاد این وصف در جان طلبه چه، برنامه شیوه و محتوایی نیاز است؟

مدرسه و حوزه‌ای که محل رشد طلبه انقلابی است چه ویژگیهایی دارد؟ (مواد درسی، اساتید، تشکیلات و ...) آیا حوزه امروز برای تربیت اینگونه طلبه مناسب است؟ وظیفه و نقش مدیران، مسئولان و اساتید در پرورش طلبه عصر انقلاب چیست؟

در این نوشتار تلاش میکنیم به پاره‌ای از اینها بپردازیم، طبعاً بررسی همه این پرسش‌ها نیازمند مجالی فراخ‌تر است.

شایسته است پیش از ورود به موضوع نظری به مبانی و سازه های اولیه بحث داشته باشیم:

- طلبه عنصر مسئولی است که علاوه بر وظیفه فردی علم آموزی و تهذیب نفس معنوی، وظیفه ای اجتماعی نیز بر دوش دارد به بیان دیگر وظیفه طلبگی به خودسازی منحصر نمی ماند؛ بلکه تلاش برای جامعه نیز در حوزه رسالت های حوزویان است. همانگونه که دین به دستورالعمل های فردی منحصر نمانده و برای سعادت جامعه نیز برنامه و دستور دارد. (1)

- وظیفه اجتماعی طلبه در «خدمت فردی به دیگران»، «کمک به مستمندان» و نهایتاً «امر به معروف و ارشاد جاهل» منحصر نمی شود. طلبه نسبت به کلان جامعه نیز وظیفه دارد و حوزه های علمیه مسئولیت جامعه سازی را نیز بر عهده دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ (2)

هرکس صبح کند در حالی که دغدغه و اهتمام به امور مسلمانان ندارد مسلمان نیست. در این حدیث «امور مسلمانان» را می توان به زندگی دشوار مستمندان یک محله یا وضعیت ناگوار یک روستای دورافتاده کاهش داد چنانکه میتوان این کلمه را به مسائل امت اسلامی در لبنان و فلسطین، سوریه و عراق، یمن و حجاز، اروپا و آمریکا... توسعه بخشید. بر اساس این حدیث دغدغه امت اسلامی و اهتمام به اصلاح جوامع بشری از آغاز طلبگی - بلکه پیش از آن - باید در جان طلبه زنده باشد.

ص: 107

1- توصیه های دین اسلام به منزله نقشه گنجی است که آدمی را به سعادت می رساند. این توصیه ها هم توصیه های فردی است و هم توصیه های اجتماعی؛ یعنی اسلام علاوه بر اینکه دستورالعمل زندگی فردی را نمایانده و احکام خوردن و خوابیدن و طهارت و نجاست و کفن و دفن را گفته است به تدبیر روابط و نظامات اجتماعی هم پرداخته است.

2- کلینی، الکافی، ج 2، ص 163.

- اصلاح اجتماعی به صورت قهری رخ نمیدهد زیرا انسان صاحب اراده و اختیار است و خدای بزرگ بنا ندارد او را به قهر و جبر و الزام، تربیت کند. در نهایت خود انسان باید مسیر حق را تشخیص دهد و انتخاب کند. (1) هدایت امت ها نیز چنین است و به الزام و اجبار صورت نمی گیرد؛ بلکه اراده انسان ها باید در این مسیر خرج شود.

این کار عظیم از توان یک یا چند نفر - هر قدر بزرگ و توانا باشند - بیرون است و نیاز به جمع های متشکل (دست کم 313 نفر مؤمن کارآمد) بلکه نسل های پیوسته دارد.

- این کار عظیم یک باره و به صورت دفعی رخ نمی دهد؛ بلکه زمان طولانی برای تحقق آن نیاز است. هیچ عامل غیبی و ماورائی یا هیچ اکسیر و افسون و معجون و معجزه ای نمی تواند این تحول اجتماعی را به صورت شگفت آور و حیرت انگیزی، در لحظه رقم بزند.

ص: 108

1- «... وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ؛ و اگر [خدا] میخواست مسلماً همه شما را هدایت می کرد.» (نحل، آیه 9)؛ «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهَدْيِ؛ و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می آورد.» (انعام، آیه 35)؛ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؟؛ و اگر پروردگار تو می خواست قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند.» (یونس، آیه 99)؛ «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا... و ما تو را برایشان نگهبان نکرده ایم و تو وکیل آنان نیستی» (انعام، آیه 107)؛ «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.» (انسان، آیه 3) و آیات فراوان دیگر .

اگر بنا می بود کسی به تنهایی این کار را انجام دهد و از عوامل فراطبیعی و قدرت های خارق العاده غیبی در این موضوع بهره گیرد، هزار سال پیش امام زمان علیه السلام ظهور می کردند و با گوشه چشم، دست عنایت، نظر مرحمت و قدرت بیکران خویش تمام جهان را گلستان می ساختند. حتی شاید نوبت به آن حضرت هم نمی رسید؛ سایر انبیای الهی مانند عیسی روح الله علیه السلام با دم مسیحایی و نفس قدسی خود این کار را میکردند و کار عالم را بسامان می ساختند. (1)

- براساس سنت قطعی و تغییر ناپذیر پروردگار، انسان ها باید تلاشی و اقدامی برای اصلاح خود و جوامع انجام دهند تا خدای متعال سرنوشت فردی و اجتماعی آنان را تغییر دهد:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ (2)

خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان خود حال خود را تغییر دهند.

ص: 109

1- حضرت عیسی علیه السلام نیز برای اصلاح جامعه از نفس مسیحایی خود استفاده نکرد؛ بلکه رو به سوی مردم فرمود «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ چون عیسی از آنان احساس کفر کرد گفت یاران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون گفتند ما یاران [دین خداییم به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم. (آل عمران، آیه 52) و مانند آن در صف آیه 14 یعنی خدای متعال پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام است گرچه توانایی دارند اما این کار را به تنهایی بر عهده نمیگیرند و بر اساس سنن الهی در این مسیر نیاز به یاور دارند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان میکند و گامهایتان را استوار می دارد.» (محمد، آیه 7)؛ «وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است.» (حدید، آیه 25)؛ «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.» (حج، آیه 40)؛ «وَكَأْتِنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلٍ مَعَهُ رَبُّنَا كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا صَدَّ عَنْهُمْ وَ مَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد.» (آل عمران، آیه 146)

2- رعد، آیه 11.

پس آدمیان خود باید برای اقامه عدل بپاخیزند نه اینکه تنها دست به دعا بردارند و منتظر امداد و معجزه و ظهور بنشینند. البته امام زمان علیه السلام آخرین و مؤثرترین گام در این مسیر را برخواهند داشت و اصلاح جامعه را در مقیاس جهانی محقق خواهند ساخت:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (1)

[ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان فرود آوردیم تا «مردم» به عدل و داد برخیزند.

رهبر معظم انقلاب دام ظلّه در این باره فرموده اند :

خطی که نظام اسلامی ترسیم میکند خط رسیدن به تمدن اسلامی است. سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند.... این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده قطعی و اجتناب ناپذیر است.... (2)

- مأموریت امام زمان علیه السلام، اصلاح جامعه بشری در مقیاس جهانی است و یاری آن، حضرت خدمت کردن به او در این مسیر است. نصرت ولی خدا فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و تقوای فردی نیست؛ بلکه باید او را در کاری که بر عهده دارد و مسئولیتی که بر دوش گرفته است یاری کرد آدم خوب با یاور خوب متفاوت است؛ یاور و سرباز امام زمان کسی است که بخشی از مأموریت امام عصر علیه السلام را بر دوش گیرد.

- ولی خدا راهبر و مظهر مجاهدت اجتماعی است؛ اگر او را نصرت کنیم فتح مکه رخ می دهد و اگر دست در دستش ندهیم و یاری اش نکنیم تضمینی برای پیروزی ظاهری او وجود ندارد حتی ممکن است فاجعه کربلا نیز رقم بخورد.

هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ؛ (3)

ص: 110

1- حدید، آیه 25 .

2- بیانات مقام معظم رهبری، 1379/7/14.

3- انفال، آیه 62 .

همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (1)

ای پیامبر خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو هستند تو را بس است.

- اگر قیام و اقدامی نداشته باشیم و بستر تاریخی یا زمینه جهانی را برای ظهور امام عصر علیه السلام آماده نسازیم آن حضرت نخواهند آمد به همان دلیل که هزار و اندی سال پیش نیامده اند. این واقعه، جبری رخ نمی دهد؛ بلکه نیاز به اختیار و اراده دارد و چون یک امر اختیاری است باید قواعد و ضوابط حاکم بر آن را شناخت و بدان پای بند بود.

البته تحقق اراده خدا حتمی است و فرجام تاریخ بشر روشن است؛ یعنی خدا از طرح خود برای پایان تاریخ در نمی گذرد و در این طرح شکست نمی خورد؛ اما صبر او زیاد است و تا انسان ها اقدام و قیامی نکنند پیش قدم نمی گردد؛ بلکه منتظر می ماند تا کسانی پدید آیند و به وظیفه خود عمل کنند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را میآورد که آنان را دوست میدارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست.

انقلاب اسلامی ایران و نهضت امام راحل را در این چارچوب می توان فهمید.

ص: 111

1- همان، آیه 64.

2- مائده، آیه 54.

این حرکت بزرگ، یک خیزش اعتقادی مردمی و مقدمه ساز تشکیل یک جامعه بزرگ اسلامی و سرآغازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است.

این کشور باید ساخته شود، باید پیش برود. این ملت بزرگ باید استعدادهایش شکوفا شود. بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشانند. (1)

حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی»

برای شناخت طلبه انقلابی لازم است ابتدا جوهره و حقیقت انقلاب را بشناسیم و آن را در ویژگی های مرتبط با طلبگی ضرب کنیم. (2)

بی شک انقلاب اسلامی بسط وجودی و اجتماعی امام خمینی قدس سره است و در مسیر فهم انقلاب، باید بر فهم امام و بیانات او تأکید داشت. در نگرش حضرت امام «اسلام انقلابی» یا «اسلام ناب» در برابر دو نسخه اسلام تجدد و اسلام تحجر قرار دارد و «انقلاب اسلامی» یک فرایند جایگزینی است میان برداشت ناب از اسلام از یک سو و برداشت های متجددانه و متحجرانه از سویی دیگر.

فهم انقلاب به مثابه صحنه تقابل، درگیری و جایگزینی دو برداشت از اسلام، تصویری است که در سراسر سخنرانی ها پیام ها و نامه های امام خمینی قدس سره آشکار است. (3)

اینکه «امام در پی تحقق اسلام بودند» مطلب درستی است؛ اما در تشریح ماهیت انقلاب کافی به نظر نمی رسد؛ زیرا امام خمینی قدس سره به عنوان یک عالم دینی و مرجع تقلید در پی چه چیزی جز اسلام می توانست باشد؟ در این مقام

ص: 112

1- بیانات رهبری، 1377/11/27.

2- در این موضوع ر.ک: نامخواه، مجتبی؛ امام خمینی و طلبه انقلاب اسلامی.

3- ر.ک: جدال دو اسلام؛ جدال اسلام ناب محمدیه و اسلام آمریکایی.

تأکید صرف بر اسلامی بودن حرکت امام ابهام زاست و برای رفع این ابهام باید اسلام مورد نظر امام را تشریح کرد. اسلام مبنای انقلاب اسلامی در برابر اسلامی قرار دارد که متحجران در فضایی مقدس مآبانه از درون حوزه های علمیه ترویج می کنند و متأثران از استعمار نیز در فضای روشنفکر مآبانه و التقاطی آن را پی می گیرند.

این نگرش دقیقاً همان چیزی است که توحید پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را از توحید پیش از پیامبر متمایز و با آن در تقابل می سازد. این جلوه از بندگی و ایمان که توحید در عرصه اجتماعی است، ویژگی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم و حد فاصل آن با اسلام متحجر و توحید منزوی است. تفاوت «لا اله الا الله» پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم با «لا اله الا الله» پیش از او که در همین جزیره العرب از زبان حنفا و موحدان شنیده می شد دقیقاً در همین نقطه است. (1) توحید پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم طواغیت مکه و قدرتمندان زمان را به مقاومت و مقابله برمی انگیزد و با نظام سلطه سر سازش ندارد ولی برخی از مدعیان توحید با خداوندان زر و زور و تزویر به آشتی و سلامت سازش می کنند و هیچ خطری تهدیدی یا واهمه ای برای دستگاه مسلط کفر اجتماعی به شمار نمی روند. امام راحل قدس سره این اسلام را «اسلام آمریکایی» یعنی اسلام مستظهر به پشتیبانی کفر و توحید پرورده در دامان شرک نامیدند.

با توجه به اینکه نهضت حضرت امام قدس سره، نهضت اسلامی است و ماهیتی ایمانی و توحیدی دارد لازم است معنای ایمان و توحید را اندکی به تفصیل بیان کنیم. کلمه طیبه لا اله الا الله دو بخش دارد: نفی آلهه (لا اله) و اثبات خدا (الا الله). بنابراین نظر به تقابل مفهوم ایمان و کفر هرچه ایمان به خدا افزایش یابد و شدت گیرد، کفر به آلهه دیگر نیز باید شدیدتر شود کفر به آلهه دو مصداق دارد:

اول: نفی آلهه درون، درگیری با شیاطین نفسی و خروج از سلطه هوای نفس؛

ص: 113

1- ر.ک: خامنه ای سید علی؛ روح توحید نفی عبودیت غیر خدا.

دوم: نفی آلهه بیرون، درگیری با شیاطین بیرونی، کفر به طاغوت و خروج از سلطه آن.

ایمان قلبی - یعنی عدم خضوع قلبی در مقابل آلهه و عدم اعتماد به غیر خدا - دارای جلوه عملی است و انسان مؤمنی که سلطان توحید بر جان او سایه افکنده، بنده خداست و هرگز از غیر خدا فرمان نمی برد؛ بنابراین زیر بار خواسته های دل یا تحت فرمان هیچ قدرت انسانی نمی رود هرگونه تسلیم در مقابل «هوای نفس» یا خضوع در مقابل «طاغوت» - همان سردمداران زر و زور و تزویر - نقطه مقابل ایمان و جلوه شرک است.

اگر مؤمن موحد بخواهد بر ایمان خود در مقام عمل پایبند باشد، باید علیه این دو نیرو عمل کند. عمل مؤمنانه فردی، نفی هواست و عمل موحدانه اجتماعی، نفی طواغیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و درگیری با خداوندان قدرت و ثروت و نیرنگ.

بنابراین تجلی ایمان را نباید تنها در عمل فردی یعنی ترک هوس یا انجام نماز و روزه منحصر دانست. ایمان ظهور دیگری نیز دارد که در ارتباط با دیگران معلوم می شود. ایمان به خدا مستلزم کفر به طاغوت و خروج از بندگی اوست. (1)

قال علی علیه السلام: لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ (2)

بنده دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.

طاغوت یک عامل صاحب اختیار خارجی است که با استفاده از اختیار گسترده خود، دایره اختیار دیگران را در رشد و تعالی محدود میسازد و آنان را از مسیر هدایت بازمی دارد. کار طاغوت، صد از سییل یعنی بازداشتن از راه یا راهزنی است

ص: 114

1- حد نصاب ایمان و توحید، ایمان به الوهیت خداست. توحید در خالقیت و توحید در عبادت (یعنی تنها خدا را خالق دانستن و تنها در مقابل او عبادت کردن) برای مسلمانی کافی نیست؛ وگرنه ابلیس لعین نیز به این معنا موحد بود. آنچه در توحید شرط لازم است توحید در الوهیت و اطاعت است؛ یعنی تنها از خدا اطاعت کردن و از تحت اطاعت همه ی غیر خدا خارج شدن. (ر.ک: مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 64 تا 70).

2- نهج البلاغه، نامه 31.

ووظیفه ما، مقابله با او و کفر به آن یعنی از تحت ولایت و سرپرستی او خارج گشتن و با او درگیر شدن.

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (1)

کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستی برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.

اطاعت از طاغوت و تسلیم بی قید و شرط در برابر او در زبان قرآن کریم عبودیت نامیده شده است؛ زیرا عبادت و عبودیت در مفهوم قرآنی، پیروی، تسلیم و اطاعت مطلق است در برابر یک قدرت واقعی یا پنداری از روی رغبت یا از سر اجبار، همراه با حسن تقلید و ستایش معنوی یا بدون آن و توحید قرآنی درست نقطه مقابل این شرک است؛ همه این آلهه ها و معبودان را نفی کردن تسلیم آنان نشدن، در برابر سیطره قدرت آنان مقاومت کردن، دل از رعایت آنان بریدن و سرانجام بر نفی و طرد آنان کمر بستن و با همه وجود تسلیم خدا شدن. پیامبران الهی همواره مردم را به ستیزه و پیکار در برابر طاغوت ها و نفی شرک فرامی خواندند. (2)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ هُمُ الْبُشْرَى؛ (3)

کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت برای آنهاست.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (4)

ما در هر امتی پیام آوری برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید».

ص: 115

1- بقره، آیه 256.

2- ر.ک: خامنه ای سید علی؛ روح توحید نفی عبودیت غیر خدا.

3- زمر، آیه 17.

4- نحل، آیه 36.

بنابراین کسی که از طاعت اطاعت میکند از دایره ایمان خارج شده و فاسق است:

فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ (1)

(فرعون) قوم خود را ذلیل و حقیر ساخت، در نتیجه آنان از او اطاعت کردند. آنان قومی فاسق بودند!

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (2) فرمودند: وَاللَّهِ مَا صَدَّ لَمَوْا هَهُمْ وَلَا صَامُوا وَلَكِنْ أَطَاعُوهُمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ (3)

به خدا قسم آنان برایشان نماز نخواندند [در مقابلشان سجده نکردند] و برایشان روزه نگرفتند؛ بلکه از آنان در معصیت خدا اطاعت کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز فرمودند:

مَنْ أَطَاعَ مَخْلُوقًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فَقَدْ كَفَرَ وَاتَّخَذَ إِلَهًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ (4)

هر کس از مخلوقی در غیر طاعت خدا، اطاعت کند کفر ورزیده و الهی غیر از خدا گرفته است.

امام خمینی قدس سره بر اساس همین معرفت میان انقلاب درون و انقلاب برون پیوستگی ایجاد می کنند و انقلاب اجتماعی (بیرونی) را به انقلاب انسانی (درونی) بازمی گردانند. «انقلاب انسانی» به یک تحول درونی و در عین حال عمومی و اجتماعی ناظر است. به موجب این تحول انسان جدیدی خلق میشود که امام عنوان «انسان انقلابی» را برای توضیح آن به کار می برند. انقلاب اسلامی محصول رفتار اجتماعی این انسان متمایز است.

از نظر امام خمینی قدس سره «آنچه پیش از انقلاب به عنوان اسلام معرفی می شد»، ناقص است، زیرا ابعاد اجتماعی را در بر ندارد و «خاصیت انقلابی و حیاتی» از آن گرفته شده

ص: 116

1- زخرف، آیه 54.

2- آنان دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به ربوبیت گرفتند. (توبه، آیه 31)

3- برقی؛ المحاسن، ج 1، ص 246.

4- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 420. این مضمون در آیه شریفه زیر نیز آمده است: وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُسَدِّرُونَ (انعام، آیه

(121)

است. (1) بنابراین تقلیل انقلاب اسلامی به زمینه های اجتماعی و غفلت از ابعاد توحیدی فردی آن یا تقلیل آن به یک معرفت کلان و مبهم به نام اسلام بدون اشاره به درگیری با برداشت های ناقص از اسلام هر دو ماهیت انقلاب را مبهم می گرداند.

دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی (یا اسلام جامع و اسلام ناقص) یک ایده محوری و یک طرح مفهومی غنی و کارآمد ولی مهجور مانده است. این دوگانه را باید یک تئوری جامع و راهگشا دانست نه یک ترکیب شعاری و صورت بندی احساسی و جدلی که مصرف تبلیغاتی دارد و یا یک ایده تشریفاتی که از آن تلقی خطایی شود!

این تقابل به عنوان عصاره اندیشه امام خمینی قدس سره، قابلیت تبیین بسیاری از شکاف ها و پدیده های جهان اسلام را داراست و می تواند به مثابه یک اندیشه روشن، از بسیاری مسائل به ظاهر غیر قابل حل پرده گشایی کند و منظومه نظری منسجمی را در حوزه های مختلف مرتبط با انقلاب اسلامی، مانند فهم ماهیت انقلاب، تحلیل چالش های فراروی آن، سیاست های داخلی، اقتصادی و فرهنگی نظام و نهادهای حاکمیتی و ... پدید آورد. (2)

ص: 117

1- الان گذشته از عامه مردم طبقه تحصیل کرده، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی، اسلام را درست نفهمیده اند و از آن تصور خطایی دارند ... چنانچه کسی بخواهد اسلام را آن طور که هست معرفی کند مردم به این زودی ها باورشان نمی آید؛ بلکه عمال استعمار در حوزه ها هیا هو و جنجال به پا میکنند. برای اینکه کمی معلوم شود فرق میان اسلام و آنچه به عنوان اسلام معرفی می شود تا چه حد است، شما را توجه می دهم به تفاوتی که میان «قرآن» و کتب حدیث، با رساله های عملیه هست قرآن و کتاب های حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می شود از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی میتواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن از نسبت صد به یک هم بیشتر است از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد سه چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است؛ مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، سیاست و تدبیر جامعه است (امام خمینی قدس سره، ولایت فقیه، ص 11).

2- در این موضوع ر.ک: نامخواه، مجتبی؛ امام خمینی قدس سره و طلبه انقلاب اسلامی.

حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه با تصریح به اینکه «نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد». (1) این نظریه را «یکی از کلیدی ترین معارف انقلاب اسلامی» و «راز بزرگ» انقلاب دانسته است و به احیا و بسط این نظریه کانونی، اما مهجور امام خمینی قدس سره پرداخته است.

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرت ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم، جایگزین اسلام امریکایی گردید. (2)

ص: 118

1- پیام رهبری به حجاج بیت الله، 1393/7/8.

2- بیانات رهبری، 1369/3/10؛ رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای ویژگی های اسلام آمریکایی را در سخنان دیگر خود چنین برشمرده اند ظاهر اسلامی دارد ولی با طاغوت و با صهیونیسم می سازد، ولایت مستکبران و دشمنان دین را میپذیرد و با آنان همراهی می کند (93/4/8)؛ مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس است؛ رژیم صهیونیستی را تحمل می کند ولی با مذاهب اسلامی دیگر بی رحمانه مواجه می شود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز می کند ولی در داخل به جنگ های قبیله ای و مذهبی دامن میزند؛ اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است (90/11/14)؛ تشریفاتی است بی تفاوت در مقابل ظلم و زیاده خواهی و دست اندازی به حقوق مظلومان است (89/3/14) نام و عنوان اسلام را در خدمت طواغیت و در جهت هدف های مستکبرین قرار می دهد (70/3/26) چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرت های استکباری و توجیه کننده اعمال آنهاست؛ بهانه ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت های مسلمان است؛ وسیله ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنانکه در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت) اسلام انسان های بی درد و بی سوزی است که جزبه خود و به رفاه حیوانی خود نمی اندیشند (68/4/14).

بر اساس این تعریف از حقیقت انقلاب اسلامی، طلبه یا حوزه انقلابی، طلبه یا حوزه ای است که معطوف به جایگزینی دو اسلام به «تحصیل»، «تحقیق»، «تبلیغ»، «تهذیب»، «تریت دیگران» و «جامعه سازی» می پردازد. بنابراین در عصر انقلاب اسلامی تعریف طلبه به «عالم دین» کافی نیست. باید پرسید کدام دین؟ دین اسلام. کدام اسلام؟ اسلام به قرائت اهل بیت پیامبر علیهم السلام یا همان مکتب تشیع. کدام تشیع؟ تشیع ناب انقلابی که با نظام سلطه و طاغوت استکبار سر سازش ندارد نه تشیع آمریکایی - انگلیسی و مکتب مطلوب دشمنان اسلام.

ویژگی های طلبه ی انقلابی

برای آشنایی بیشتر با مفهوم طلبه انقلابی لازم است ویژگی های شخصیتی او را برشماریم:

اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه

مهم ترین ویژگی انسان انقلابی اعتقاد به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم و حضور دین در ابعاد کلان جامعه و نفی جدایی دین از سیاست است؛ یعنی بنای یک نظام اجتماعی براساس اسلام، همه شئون زندگی را دینی خواستن و ساختار کلان اجتماعی را براساس مکتب وحی رقم زدن به دنبال پدید آوردن جامعه، قانون، نظام روابط، فرهنگ، شبکه مناسبات، نهادها و ساختارهای دینی بودن نه فقط افراد دین دار پدید آوردن.

اینکه رسالت دین را به ابعاد فردی خلاصه نکنیم و کمال انسان را در خودسازی و معنویت فردی منحصر ندانیم از ویژگی های معرفتی انسان انقلابی است.

این نظام اجتماعی گرچه ابتدا در کشور خود ما شکل گرفته است اما ابعاد جهانی آن را نباید از نظر دور داشت. صدور انقلاب و بیداری اسلامی به این مقوله نظر دارد. ما در بحث های گذشته به بخشی از مهم ترین معارف انقلاب اسلامی پرداختیم.

این اعتقاد اساسی را می توان به مؤلفه های زیر تجزیه کرد:

- اعتقاد به امکان و ضرورت جامعه سازی بر اساس دین در عصر غیبت، و تلاش

برای دست یابی به چگونگی آن.

اعتقاد به ضرورت گسترش گفتمان تمدنی اسلام در مقیاس بین‌المللی و در محیط رقابت و تلاش برای دست یابی به چگونگی آن.

- اعتقاد به ضرورت مدیریت کلان جامعه توسط فقیه (اسلام شناس ربانی) و تلاش برای تحقق و تثبیت و تعمیق آن در جامعه و در جهان.

اعتقاد به ضرورت تدوین قوانین اساسی و مدنی و سیاستهای کلان براساس نگرش اسلام و تلاش معرفتی و فرهنگی برای تحقق آن.

- اعتقاد به ضرورت شکل‌گیری فرآیندهای کلان‌مورد نیاز نظامهای اجتماعی، براساس نگرش اسلام و تلاش برای دست یابی به چگونگی آن.

- اعتقاد به ضرورت اصلاح تمام تفکرات و جریاناتی که بر خلاف موارد فوق حرکت می‌کنند و تلاش معرفتی فرهنگی برای این اصلاح.

مجاهدت و استقامت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طلبه انقلابی مجاهدت است، مجاهدت نقطه مقابل عافیت جویی و راحت طلبی و به معنای تلاشگری و خود را به زحمت انداختن است. (1) کسی که در راه انجام وظایف و در مقابله با دشمن، آسایش خود را قربان کند و در تلاش سنگین، شب و روز نشناسد مجاهد است.

خدای متعال در قرآن کریم دو سبک زندگی مؤمنانه را تصویر کرده و می‌فرماید مؤمنان دو گروه اند، اول قاعدان که دارای زندگی ایمانی حداقلی هستند و دوم مجاهدان که زندگی ایمانی حداکثری دارند.

ص: 120

1- در لسان روایات نقطه مقابل مجاهدت «احجام» است. احجام به معنای خود را کنار کشیدن، حضور نداشتن، از کار در رفتن، شانه خالی کردن و ترک اقدام است. در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر آمده است: «وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِيكَ نَاكِلًا» و نیز در جای دیگر آمده است: «وَجَاهَدْتَ وَهُمْ مُحْجَمُونَ».

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الصَّرَرَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ (1)

مؤمنان خانه نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند یکسان نمی باشند خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می کنند به درجه ای بر خانه نشینان مزیت بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده و [لی] مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است.

قاعده‌دان کسانی هستند که به دنبال در دسر نمیگردند؛ برای خود کار درست نمی کنند و آنچه برایشان نوعی آسیب و ضرر دارد یا شرایط عادی زندگی آنان را برهم میزند کنار می گذارند، از شرایط سخت پرهیز و به حداقل وظایف واجب به اندازه رفع تکلیف اکتفا می کنند. برخلاف انتظار این گروه از سوی پروردگار طرد نشده اند و در همین آیه به آنان وعده نیک داده شده است؛ «و کلاً وعد الله الحسنی». گویا از این مردم عافیت اندیش بیش از این نمی توان انتظار داشت.

دسته دوم مجاهدان هستند که انواع فشار و دشواری را در راه خدا تحمل می کنند و به جهد و تلاش، جان و مال خود را در معرض زحمت و خطر قرار می دهند. هم پول خرج می کنند و هم از آسایش و راحت خود در می گذرند و حداکثر توان خود را در مسیر حق به کار می گیرند.

خدای متعال فاصله بسیار عمیق میان این دو گروه را به صورتهای مختلف با تأکیده‌های فراوان در این آیات ذکر کرده است.

ص: 121

1- نساء، آیه 95.

نوع برخورد خدای متعال در این آیه پیام ویژه ای هم برای نیروهای مجاهد و انقلابی دارد؛ زیرا این گروه از اینکه می بینند دیگران مجاهد و انقلابی نیستند و در صحنه های تلاش و جان کندن تنها از دور دستی بر آتش گرفته و تماشا می کنند کلافه می شوند همین ممکن است آنان را به نفی و طرد و تحقیر و اتهام یا برخورد تند و خشن وادار کند؛ اما خدای حکیم حداقل نمره قبولی (10) را به آنان عطا کرده و به توصیه و تشویق آنان برای تلاش بیشتر بسنده می کند.

روحیه انقلابی نقطه مقابل محافظه کاری است. انسان محافظه کار گرچه انقلاب را قبول دارد و علاقه مند است برای آن کار کند؛ اما در موقعیت تزاخم منافع خود را ترجیح میدهد و از اقدام و عمل کوتاه می آید برای آنکه آرامش و آسایش او مخدوش نشود و زندگی مسالمت آمیز او بر هم نخورد سکوت میکند و اعتبار خود را هزینه نمی کند.

هدفمندی و رسالت مداری

ویژگی دیگر انسان انقلابی هدفمندی است. هدفمندی با صفت مجاهدت ملازمه دارد. اگر کسی مقصد جدی و روشنی نداشته باشد، انگیزه ای برای جهد و تلاش ندارد. مثال ساده آن موفقیت در آزمون کنکور است. جوانی که این هدف برایش جدی شده، انرژی زیادی برای تلاش دارد بسیاری از لذت ها را بر خود حرام میکند برخی از ارتباطات خود را قطع می کند و سبک زندگی جدیدی برای خود تعریف می کند تا به صورت متمرکز برای قبولی در آزمون مطالعه کند، در حالی که همین شخص بدون آن هدف انگیزه ای برای تلاش ندارد.

برای طلبه انقلابی این هدف باید یک رسالت و آرمان بلند باشد. اگر کسی صرفاً با هدف کسب دنیا و بالا بردن ثروت و سرمایه مادی خود مجاهدت ورزد و راحت و عافیت خود را هزینه کند انقلابی نیست.

به بیان امیر مؤمنان علیه السلام ارزش و اندازه هر کس را باید از میزان همتش دریافت. (1) انسان بزرگ کسی است که همت بزرگی دارد و به آفاق بلند نظر دوخته است. انسان انقلابی انسان بزرگی است که در آرزو و دست به کار اصلاح همه عالم و نفی نظام سلطه در مقیاس جهانی است.

عظمت رهبران انقلاب اسلامی در این است که همت خود را نه فقط بیان احکام دینی برای اهالی یک شهر یا روستا که تأسیس تمدن بزرگ توحیدی و برافراشتن پرچم ایمان در سراسر عالم گرفته و همه کارهای خرد خود را در راستای این افق گسترده قرار داده اند.

ما میتوانیم دنیای مادی را شکست دهیم و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را در تمامی دنیا به اهتزاز درآوریم. (2)

قرآن می فرماید: قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ؛ و همه بشر را دعوت می کند به مقاتله برای رفع فتنه؛ یعنی جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم، ... کسانی که تبعیت از قرآن کنند در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا این که فتنه از عالم برداشته بشود. این، يك رحمتی است برای عالم. (3)

ما امریکا را زیر پا می گذاریم. (4)

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی پناه

ص: 123

1- قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ. (نهج البلاغه، حکمت 47)

2- صحیفه امام، ج 18، ص 343.

3- همان، ج 19، ص 113.

4- همان، ج 17، ص 404.

لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می کنیم. (1)

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است. (2)

مسئله ما مسئله حرکتی عظیم در مقیاس جهانی است. (3)

اصلاح، تحول خواهی و پیش بردگی

ویژگی دیگر طلبه انقلابی که از واژه انقلاب - به معنای دگرگونی نیز استفاده می شود، تحول خواهی و پویایی است یعنی شرایط موجود را تحمل نکردن و به دنبال وضعیت برتر بودن این ویژگی نیز لازمه مجاهدت و آرمان داشتن است. انسان انقلابی یک موجود زنده است که در مقابل بدی ها واکنشی فعال نشان می دهد؛ نه بی تفاوت و خنثی می نشیند و نه از سر ضعف و درماندگی، به غصه و ناله و شکوا اکتفا می کند؛ بلکه حضور خود را نشان می دهد، موضع خود را معلوم می کند و پر قدرت و استوار در صحنه عمل می ماند. طبیعتاً درک درست حوادث، فهم عمیق زمان و رویدادهای آن و شناخت جریان های اجتماعی لازمه این حضور و موضع گیری به موقع است.

انقلابی بودن مفهومی بیش از حامی انقلاب بودن را می رساند. حمایت از انقلاب بیشتر دفاع از وضع موجود است؛ در حالی که علاوه بر آن لازم است انسان انقلابی در مسیر آینده انقلاب و پیشبرد آرمان آن به سوی نقطه کمال حرکت کند. حامی انقلاب بودن و حفظ دستاوردهای موجود آن، حرکتی انفعالی است.

ص: 124

1- همان، ج 17، ص 481.

2- همان، ج 16، ص 490.

3- بیانات رهبری، 1373/8/10.

حفظ انقلاب در معنای کامل خود حفظ روحیه انقلابی است و علاوه بر

حمایت روبه جلو داشتن و انقلاب را پیش بردن است و تکاپو به سوی افق های تازه. (1) این افق های تازه و قدم های بعد را نیز رهبر معظم انقلاب در کلام خود معلوم ساخته اند :

انقلاب اسلامی نظام اسلامی دولت اسلامی کشور اسلامی تمدن اسلامی

نگاه کلان، بین المللی و تاریخی

مجاهدت و هدفمندی و تحول خواهی برای انقلابی بودن کافی نیست؛ انقلابی بودن مستلزم نگاه کلان تمدنی و تاریخی است؛ یعنی به یک محله و منطقه خلاصه نمی شود و افق جهانی و بین المللی دارد کسی که مجاهدت و هدفمندی دارد اما نگاه کلان ندارد بی آنکه گرفتار دلبستگی و عافیت جویی شود، البته کار زیادی می کند؛ اما چون افق نگاهش کوتاه است از این همه تلاش در دایره ای محدود، نتیجه شایسته ای دریافت نمی کند. در حالی که انسان انقلابی به گستره کفر و

ص: 125

1- پاسداری یعنی نگه داشتن حفظ کردن این حفظ کردن را میتوان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد؛ یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم. من این را نمی گویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است آن هم پیشرفت پرشتاب به کجا؟ به سمت هدف های ترسیم شده هدف ها عوض نمی شوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزش هایی هستند که در اهداف مشخص شده اند. هدف نهایی تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین تر از آن انسان سازی است؛ هدف پائین تر از آن ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات، و آثار که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد اینها اهداف هستند. این اهداف عوض شدنی نیستند؛ یعنی ما نمی توانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم بگوئیم خیلی خوب، یک روز میخواستیم عدالت برقرار کنیم حالا می گوئیم عدالت که نمی شود یک نیمه عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت؛ این هدف است توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل اینها اهداف است اینها تغییر پذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف سرعت ها قابل کم و زیاد شدن است، شیوه ها قابل تغییر یافتن است تدابیر ممکن است جورواجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیش رونده و پیش برندگی. پاسداری از انقلاب به این معناست. (بیانات رهبری 1390/4/13)

فساد و تباهی در تمام جهان و بر نوار بلند زمان نظر میکند، ابعاد مسئولیت خود را تاریخی و جهانی می بیند و در اندیشه نابودی همه کفر و ظلم و پلیدی است.

این نگاه بلند خواسته خدا و آرزوی همه اولیای اوست خدای بزرگ در قرآن کریم خواسته خود را غلبه دین اسلام بر همه ادیان، (1) وارث شدن صالحان بر همه زمین (2) و امامت مستضعفان (3) بیان کرده و در روایات نیز پر شدن جهان از عدل و داد نوید داده شده است.

مدرسه بزرگ ندبه و انتظار در فرهنگ شیعی همین آموزه ها را تکرار و تأکید می کند و بر ذهن و دل و زبان منتظران مجاهد جاری می سازد. دعای شریف ندبه از این رسالت و حماسه تاریخی به ریشه کن کردن ظلم و تجاوز راست شدن همه کژی ها و انحرافات تجدید همه فرایض و ارزش ها احیای قرآن و معالم دین اعاده شریعت، هدم بنای شرک و نفاق برداشته شدن گمراهی و اختلاف، محو آثار انحراف و هواپرستی و مانند آن یاد کرده است.

مطابق سرود جمعه منتظران حکایت ظهور از بدو خلقت انسان آغاز می شود. راز ظهور ولی عصر علیه السلام در طرح و تدبیر خدا برای خلقت انسان نهفته و رخدادی که در فرجام تاریخ به وقوع می پیوندد آخرین مرحله از عملیات گسترده ای است که آغاز آن خلقت عالم و آدم است. در یک نگاه گسترده و یک پارچه، آغاز و پایان خلقت انسان از منطق واحد تبعیت میکند و تحت یک نظام قرار دارد. بنابراین انسان مجاهد انقلابی در هر جای تاریخ یا جغرافیا به سر می برد و در هر زمان و مکانی که هست باید اندیشناک آن سرانجام زرین باشد.

طلبه انقلابی و مجاهد منتظر وقتی به خواسته بزرگ پروردگار «لیظهره علی الدین کله» نگاه می کند و افق بلند امام زمان علیه السلام (اصلاح عالم) را در نظر می گیرد و در

ص: 126

-
- 1- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ . (توبه، آیه 33، فتح، آیه 28 وصف، آیه 9).
 - 2- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . (انبیاء، آیه 105)
 - 3- وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (قصص، آیه 5)

معرض دغدغه های نابیان بزرگ آن امام غایب (اهتزاز پرچم لاله الا الله در جهان و ایجاد تمدن نوین اسلامی) قرار می گیرد درس همت و بزرگی می آموزد و تا آن زمان که این آرزو برآورده نشود از پای نمی نشیند.

مسلم اینکه تقابل میان ایمان و کفر تضاد ماهوی و درگیری ذاتی است. بنابراین میان جبهه ایمان و جبهه طاغوت یعنی میان اسلام و کفر هرگز آشتی و مصالحه برقرار نمی شود و نزاع میان این دو جبهه تا از بین رفتن یکی از آن دو امتداد خواهد یافت. جبهه حق که به وعده قطعی پروردگار از بین نخواهد رفت، (1) پس این مبارزه تنها با از بین رفتن کفر و شرک خاتمه می یابد. (2)

تا شرک و کفر هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم. (3)

بنابراین انقلابی بودن معادل فرهنگ انتظار است از آن جهت که هدف انسان انقلابی هدف امام عصر علیه السلام وافق مجاهدت او اصلاح جهان است. آن حضرت در قیام جهانی خود یک جامعه توحیدی متعالی بنا خواهد کرد و یک ساخت اجتماعی نوین پدید خواهد آورد که بستری برای تولد انسان دیگر است :

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست ***عالمی دیگر نباید ساخت وز نوآدمی

ص: 127

1- يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. (صف، آیه 8)

2- این نکته گفتنی است که مبارزه روش ها و تاکتیک های مختلفی دارد؛ گاهی به صورت جنگ رو در رو در میدان نبرد است و گاهی در قالب مذاکره و امضای توافق نامه؛ ولی این مذاکره و امضا هرگز به معنای آشتی میانجیگری و سازش نیست؛ بلکه قالبی هوشمندانه و نرمشی شکوهمند و قهرمانانه است برای ادامه مبارزه. تصور صلح کل و توهم آشتی با جهان کفر و گفت و گوی با نظام سلطه و استکبار تصویری بیجا و رویایی غیرواقعی است.

3- صحیفه امام، ج 21، ص 88.

طلبه انقلابی خود را سرباز تحقق این ساختار میبندد و برای ریشه کن کردن شرک و فقر و فساد و تبعیض و نیز حاکمیت توحید و عدالت و فضیلت تلاش می کند.

دشمن شناسی

انسان انقلابی دائم در حال جهد و مبارزه برای رسیدن به هدف برتر است. «مبارزه» طرف مقابل دارد و جهاد به دلالت التزامی مقابله با یک دشمن را می رساند. (1) بنابراین باید طرف مقابل و دشمن را شناخت این دشمن شناسی باید در مقیاس کلان باشد باید پنجه در پنجه دشمنان اصلی و پیشوایان کفر در انداخت و توان خود را به دشمنی های موهوم یا کوچک هرز نداد. (2) بدین منظور فهم و دانایی و بصیرتی لازم است که جبهه اصلی و محور دشمنی تشخیص داده شود؛ زیرا وقتی به دشمنی های خرد و دشمنان کوچک مشغول می شویم در زمین دشمنان بزرگ قرار گرفته و مطابق خواسته آنان بازی کرده ایم. (3)

اعتقاد به سنن الهی

از پشتوانه های معرفتی انقلابی بودن اعتقاد به سنن الهی است. صبر و مجاهدت در راه خدا برای انسان مؤمن انقلابی یک دستور کور و بی معنا نیست انسان مؤمن در مواجهه با طاغوت ها و ابرقدرت ها هرگز نمی ترسد و میدان را خالی نمی کند زیرا میدانند همه امور عالم به دست خداست، همه قدرت های بزرگ در مقابل قدرت

ص: 128

1- اگر جمهوری اسلامی را توأم و آمیخته با انقلاب فهمیدیم دشمنی برای انقلاب همیشه متصور و نیرویی که از آن دفاع کند همیشه لازم است (بیانات رهبری، 1368/4/19)

2- فَاقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ (توبه، آیه 12).

3- امام راحل قدس سره آمریکا را شیطان بزرگ و محور شرارت معرفی کردند و مکتب غرب و لیبرالیسم را مهم ترین اندیشه مقابل مکتب اسلام دانستند که امروزه سلطه تام را به دست گرفته و دم از نظم نوین جهانی می زند و برای خود با نهادهایی مانند سازمان ملل و دادگاه لاهه در ابعاد بین المللی قوای مجریه و مقننه و قضاییه پدید آورده است.

خدا هیچ اند و خدای قادر بزرگ در رویارویی با آنان وعده قطعی یاری داده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می دارد .

وَلَوْ فَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارُثِمَ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ (2)

و اگر کسانی که کافر شدند به جنگ با شما برخیزند قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یاورى نخواهند یافت سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت .

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ ءَالَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ (3)

آری اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا..... (4)

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند.

اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند

گفته شد که طلبه انقلابی هدف عالی و نگاه کلان دارد و در مقیاس بزرگ می اندیشد. طبیعتاً وقتی مقیاس کار بزرگ میشود از توان یک یا چند فرد خارج

ص: 129

1- محمد، آیه 7 .

2- فتح، آیه 22 و 23 .

3- آل عمران، آیه 125 .

4- حج، آیه 38 .

می‌گردد. اهداف بزرگ را نه آحاد انسانها که اجتماعات انسانی و امت‌ها پدید می‌آورند؛ همان‌گونه که برای پدید آوردن یک کلبه گلی می‌توان به تنهایی اقدام کرد؛ اما برای پدید آوردن یک بنای بزرگ به نیروهای متعدد تخصص‌های مختلف و سازمان‌دهی منسجم آنها نیاز است.

ما چون اتصالات خود با انسانهای دیگر را به خوبی نمی‌شناسیم و به

فعالیت‌های جمعی عادت نکرده‌ایم و توان و مهارت مشارکت‌های گروهی سازمانی و نهادی نداریم معمولاً ناچاریم از آرمان‌های بزرگ دست برداریم و مقاصد کوچکتری را انتخاب کنیم فعالیت گروهی بستر هم‌افزایی است و توان، انگیزه و همت انسان را بالا می‌برد.

انسان انقلابی که هوای اصلاح جهان و درافتادن با دشمنی‌های بزرگ را دارد باید از اقدامات فردی به سوی اقدامات گروهی و از اقدامات گروهی به سوی پدید آوردن نهادهای مؤثر جمعی و از آنجا به سوی پدید آوردن امت واحد اسلامی و جبهه متشکل انسانی بر علیه بدی‌ها و رذیلت‌ها گام بردارد. برای این منظور تشکل داشتن و فعالیت‌های گروهی ضروری است. قرآن کریم اعتصام به حبل‌الله را به صورت جمعی توصیه می‌کند (1) و اجتماعات پراکنده را فاقد عقلانیت می‌شمارد. (2) به استناد توقیع امام زمان علیه السلام، عامل‌گره گشای ظهور آن حضرت، «اجتماع القلوب» شیعیان و اراده‌های جمعی است. یعنی اقدامات گسیخته فردی - هرچند بزرگ و اعجاب‌انگیز توان از بین بردن موانع ظهور را در ابعاد جهانی ندارد.

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاءَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَا تَأَخَّرَعَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِشَاهِدَتِنَا
عَلَى

ص: 130

1- وَعَاتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، آیه 103)

2- تَحْسَبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُعْقِلُونَ. (حشر، آیه 14)

و چنانچه شیعیان ما - خدا به طاعت خود موفقشان بدارد قلبا در وفای به عهدشان اجتماع می شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان میرسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت بما می باشد .

اگر کسی مجاهد، تلاشگر و تحول خواه باشد؛ اما به این ارتباطات مهم توجه نکند کار بزرگی نمی تواند انجام دهد و انقلابی نیست. به همین جهت برای انقلابی بودن خودسازی فردی گرچه بسیار لازم است اما کافی نیست.

نهضت بزرگ حضرت امام قدس سره نمونه ای از ایجاد یک ساخت اجتماعی کارآمد بر علیه نظام سلطه بود که برای اولین بار - پس از صدر اسلام - قدرت سیاسی عظیمی را در اختیار شیعه قرار داد. این حرکت عظیم برای طلبه ای که می خواهد رسالت انقلابی خود را در راستای زمینه سازی و تعجیل ظهور در ابعاد جهانی انجام دهد بسیار مهم است. امام راحل قدس سره در ادامه به ائتلاف انسانی - اسلامی بزرگی متشکل از همه مسلمانان عالم می اندیشید که یک پارچه بر علیه ظلم و کفر قد برافرازد و با آن چالش کند. (2)

ص: 131

1- طبرسی؛ الاحتجاج، ج 2، ص 499 .

2- جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم (صحیفه امام، ج 21، ص 87). جمهوریت نظام اسلامی ذیل همین بحث قرار می گیرد. جمهوریت و مدل سیاسی حضرت امام تحریف دین یا دست برداشتن از مطلوبیت های دینی نیست نیز یک تاکتیک موقت یا یک شگرد زیرکانه و عوام فریبانه برای عبور از بحران یا یک مدل اضطراری و از سر ناچاری و درماندگی نیست. امام بر اساس تعالیم قرآنی دریافته بود که این بار سنگین و رسالت بزرگ بر دوش امت ها قرار می گیرد و توده مردم باید بدان قیام کنند (لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ). بنابراین نباید به جای امت تصمیم گرفت بلکه باید امت را به این درک و بلوغ و معرفت رسانید. چه بسا برای رسیدن به این رشد و بلوغ و پرورش لازم باشد هزینه های سنگینی (مانند انتخاب بنی صدر یا توافق نامه برجام) نیز پرداخته شود؛ زیرا بنابراین نیست که یک نفر بار همه را به دوش بکشد.

این نگاه جمعی وقتی گسترش پیدا میکند از دامنهٔ جمعیتی و جغرافیایی کل جهان در یک عصر نیز فراتر می رود و نسل ها و قرن ها را در بر می گیرد. یک اراده ممتد و حرکت جمعی گسترده که نسل های انسانی را به هم می پیوندد و جبهه ای به طول تاریخ به راهبری انبیای الهی پدید می آورد این سلسله از آدم ابوالبشر علیه السلام آغاز می شود و در مسیر بالندگی تاریخی خود به تشکیل مدینه فاضله اسلامی به دست مبارک امام زمان علیه السلام می انجامد. (1)

هرکس بداند چه کار می کند هر قدمی که بر می دارد برای او هیجان انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی این کاری که سر و کارش با نسل ها و قرن هاست، این را نباید با کارهای دفعی جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام هرگامی محکم تر از گام قبل با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که بر می داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می کنیم همراه باشد. (2)

انسان انقلابی که به یک تحول تاریخی بزرگ می اندیشد باید به خوبی بداند که این اقدام در ازدامن طولانی چه سرگذشتی داشته و این حرکت عظیم برنوار بلند تاریخ تا به کجا رسیده و چه میزان از این کلان پروژه بزرگ انجام یافته و از کجا باقی مانده است. از همان نقطه به این کار می پیوندد و نقش تاریخی خود و نسل خود را در این اقدام جمعی گسترده می یابد و ایفا می کند و کار را به آیندگان می سپارد. طلبه انقلابی یک فرد است ولی یکی از ویژگی های این فرد این است که برای کار بزرگی که می خواهد انجام دهد به تنهایی کافی نیست، وقتی انسان نگاهش را

ص: 132

1- انقلابی ترین انسان های تاریخ، انبیای الهی و پیشوایان معصوم هستند که در یک جریان ممتد تاریخی، بشریت را راهبری میکنند موفقیت این بزرگان را باید در حرکت جمعی و تأثیرگذاری تاریخی شان دید؛ نه صرفاً در فعالیت های مقطعی آنها. مضمون زیارت وارث امام حسین علیه السلام دقیقاً همین پیوند تاریخی اولیای خداست. (ر.ک: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن ص 437 تا 475، جلسه 20 و 21)

2- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید فضلا و طلاب در مدرسه فیضیه قم، 1379/7/14.

توسعه دهد و آرمانش را بزرگ سازد باید دست در دست دیگران نهد و در یک شبکه انسانی منسجم قرار گیرد تا با همیاری آنان بتواند به مقصد عالی خود دست یابد.

طلبه انقلابی میدانند که تنها کس یا اول کسی نیست که به فکر اصلاح امور جهان افتاده و برای آن اقدام میکند بنابراین علاوه بر اینکه به وظایف خود به عنوان یک فرد توجه می کند به وظایف نسل خود به عنوان یک واحد اجتماعی توجه می کند و لازم می داند که برای تحقق آن مقاصد عالی، اسلاف خود یعنی نقش آفرینان گذشته این حرکت جمعی را بشناسد تا این کار را با همراهی نسل خود از آنان تحویل گرفته و به اندازه وسع پیش برند و با سرفرازی به نسل بعد بسپارند و طبعاً قدر آن تلاش های گذشته را به خوبی می شناسد. طلبه انقلابی بر خلاف کسانی که به یک تلاش مثبت فردی راضی هستند در صدد است تا نسبت اقدامات خود را با گذشته و آینده کشف کند و حلقه ای در یک سلسله تاریخی بلند باشد به همین جهت برای برنامه ریزی و اقدام در یک نظام تقسیم کار اجتماعی و تاریخی و در یک شبکه ارتباطی بزرگ تصمیم می گیرد. یعنی اقدامات گروهی بزرگ رقم میزنند و دیگران را حتی آیندگان را هم در آن می گردانند.

بی شک در این افق کلان، شناخت انقلاب اسلامی و استفاده از امکان و ظرفیتی که با نهضت امام رحمه الله برای مکتب اهل بیت علیهم السلام پدید آمده ضروری است. طلبه اگر این گام بلند را شناسد و بدون لحاظ این همه ظرفیت و دستاورد، از صفر شروع کند بی تردید نا آگاه است؛ نظیر نا آگاهی کسی که همه دستاوردهای علمی را نادیده بگیرد و مانند انسان های اولیه زندگی کند تلاش ها و فعالیت های طلبه اگر نسبتی با انقلاب نداشته باشد - به صورتی که اگر پیش از انقلاب نیز متولد شده بود همین اقدامات را می داشت - تلاش های خردمندانه و رضایت بخشی نیست.

آنچه تاکنون گفته شد ویژگیهای انسان انقلابی بود و انسان انقلابی اعم از طلبه انقلابی است؛ یعنی همه اقشار را در بر می گیرد (پزشک انقلابی، مدیر انقلابی، کارمند انقلابی، مهندس انقلابی، معلم انقلابی و....)

در تعریف طلبه انقلابی علاوه بر همه آنها، طلبگی را هم باید اشراب کرد و به سرمایه ویژه طلبه که در سایر اقشار اجتماعی نیست نیز توجه داشت. آن سرمایه ویژه، آشنایی تخصصی با دین و منابع دینی است. طلبه باید از این دارایی ارزشمند نیز در مسیر آرمان های انقلاب اسلامی بهره گیرد.

عنوان طلبه انقلابی دو مؤلفه دارد بنابراین کسی که فقط طلبه است و انقلابی نیست، یا کسی که فقط انقلابی است و طلبه نیست از این عنوان خارج است. طلبه مطلوب علاوه بر انقلابی بودن ویژگیهای دیگری نیز دارد؛ مثلاً در تسلط بر علوم حوزوی، تزکیه نفس و تعالی معنوی، پیشرو است.

با این نگاه طلبه انقلابی یک هویت صنفی دارد و یک هویت تاریخی؛ بر اساس هویت صنفی، عالم و فقیه و وارسته و کارآمد است و بر اساس هویت تاریخی نقش اجتماعی خود را در سیر حرکت اجتماعی کلان بشر می یابد و به خوبی ایفا می کند. دقیق تر آن است که کارآمدی اجتماعی طلبه بدون نظر به این هویت تاریخی و توجه به نهضت بزرگ حضرت امام ث تحقق نمی یابد. در این هویت تاریخی امام راحل قدس سره نه تنها یک فقیه و فیلسوف و عالم که امام و علمدار نهضت است.

دیگر صفات

به فهرست ویژگیهای طلبه انقلابی محورهای دیگری را نیز می توان افزود:

عدالت خواهی؛ هم در فضای روابط بین الملل و هم در درون جامعه اسلامی در

زمان استقرار حکومت اسلامی؛

ولایی بودن و اطاعت از ولی فقیه؛

آگاهی از جریان‌های سیاسی روز و درک پیچیدگی‌های شرایط زمان؛

مردم‌شناسی، تقویت ارتباطات مردمی و پیشتازی در حرکت‌های اجتماعی؛

متخلّق به اخلاق اسلامی، دارای روحیه معنوی و ساده زیستی؛

دارای شجاعت و تسلط بر نفس؛

تلاش برای تقویت و ترویج گفتمان انقلاب و رهبری؛

ایفای نقش فعال در ضرورت‌های انقلاب؛

پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی مورد نیاز نظام اسلامی؛

حساس در برابر فتنه‌ها و اتفاقات جهانی؛

طلبه انقلابی چه چیز نیست؟

از توضیحات بالا- معلوم شد که هرگونه تعلق خاطر به انقلاب و رهبری و دلبستگی به نظام اسلامی، اگر در دایره رفتار صنفی و طلبگی (تحصیل، پژوهش، تبلیغ، تربیت و...) وارد نشود و منتهی به سبک زندگی خاصی نشود، هر چند این دلبستگی صرفاً در دایره رفتار عمومی طلبه اثر بگذارد طلبه را مصداق طلبه انقلاب نمی‌سازد.

روحانیونی که در روند پیروزی انقلاب و پاسداری از اسلام و نظام در ایام دفاع مقدس مشارکت داشته‌اند، الزاماً همه انقلابی نیستند. روحانیونی که در دستگاه‌های رسمی اجرایی یا فرهنگی فعالیت دارند یا طلابی که به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی اقدام می‌کنند یا طلاب دل بسته انقلاب که در مراسمات، انتخابات، راهپیمایی‌ها و اجتماعات انقلابی شرکت می‌کنند الزاماً مصداق حقیقی این عنوان نیستند.

برای انقلابی بودن صرف خودسازی معنوی و تعالی روحی حتی دست یافتن به مرتبه اولیای الهی کافی نیست صرف تلاش علمی و تأثیرگذاری اجتماعی حتی حضور در لایه نخبگانی کافی نیست نیز صرف استفاده از ابزارهای جدید به روز بودن سایت و وبلاگ داشتن، پاسخ گویی به مسائل مستحدثه و فعالیت های مفید اجتماعی کافی نیست. همان طور که صرف سلحشوری، روحیه مبارزه یا شور و شرر درگیری با دشمنان هم کافی نیست.

انقلابی بودن ترکیبی از همه این ویژگیهاست در مدار یک حرکت تاریخی بر اساس اعتقاد به حضور دین در سطوح مختلف شئون زندگی انسان و به هدف تشکیل تمدن زمینه ساز ظهور .

انقلابی بودن معادل افراطی گری هایی از نوع داعش یا خرابکاری و پرخاشگری (وندالیسم اجتماعی) (1) نیست. انسان انقلابی وجودی سرشار از لطافت روحی و عاطفی دارد و سراسر مهربانی و شفقت است و این مقصد بزرگ انقلابی را هم به جهت مهرورزی به بشریت دنبال می کند. (2)

انقلابی بودن به معنای بی فکری و بی ملاحظگی کله شقی و محرومیت از عقلانیت و تدبیر نیست. رسیدن به اهداف بلندی که بیان شد نیازمند عزم و و تدبیر و حسابگری است.

همچنین انقلابی بودن با وجود حکومت مقتدر و مبسوط الید اسلامی به معنای نقض قوانین و خودمختار عمل کردن نیست.

ص: 136

1- ر.ک: محسنی تبریزی، علیرضا، وندالیسم تهران نشر آن 1383.

2- نمونه روشن جمع میان این عطوفت و مهرورزی با پیگیری آرمان انقلابی امام خمینی قدس سره ، امام موسی صدر و شهید چمران است. انسان انقلابی مصداق «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است و با برادران ایمانی خود نهایت محبت و عطوفت را دارد هر چند از جهت سیاسی اختلاف نظر داشته باشند، حتی در ارتباط با کافران غیر حربی، محبت، نیکی و انصاف را مراعات می کند «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه، آیه 8)

برای انقلابی بودن دو الگو قابل تصور است یکی اینکه این صفت در نظام تقسیم کار اجتماعی وظیفه کنایه است و طلبه انقلابی یک نیاز تخصصی در کنار سایر نیازهای حوزه و انقلاب محسوب می شود. بنابراین عده ای باید مبلغ، عده ای محقق، عده ای مدرس و عده ای هم متکفل مسائل انقلاب و پاسداری از آن باشند و اگر برخی از طلاب این نقش را بر عهده گیرند از دیگران ساقط می شود.

فرض دیگر اینکه انقلابی بودن وظیفه همگانی است و در کنار همه اوصاف مطلوب برای همه طلبه ها (از مدرس، مبلغ، مدیر، متکلم، فقیه و مرجع) لازم و با همه مطلوبیت های طلبه قابل جمع است و طلبه ای که انقلابی نیست، واجد استانداردهای لازم شمرده نمی شود.

وضعیت کنونی مطابق فرض اول است، یعنی در انقلابی بودن نوعی تقسیم کار رخ داده است. برخی از فضلاء حوزه خدمات ارزنده ای بر عهده دارند؛ اما دست کم به صورت مستقیم به انقلاب نظری ندارند در حالی که برخی دیگر برای آرمان های انقلاب تلاش می کنند.

از مباحث گذشته معلوم شد که انقلابی بودن شبیه ایمان و تقوا به صورتی شامل برای همه حوزیان - نه به صورت جایگزین پذیر و اختصاصی برای دسته ای از آنان شرط مطلوبیت است و همان گونه که طلبه در هر تخصصی باید مؤمن و متقی و کارآمد باشد در هر تخصصی باید انقلابی نیز باشد.

انقلابی بودن یک تخصص نیست؛ بلکه یک وصف حاکم و یک حیثیت در زندگی طلبه است. از این رو باید در سبک زندگی، طلبه مقتضیات زندگی انقلابی در کنار مقتضیات زندگی ایمانی، مقتضیات زندگی طلبگی و مقتضیات زندگی تخصصی وجود داشته باشد و هیچ کدام دیگری را نفی نکند؛ یعنی همان گونه که

کس به خاطر تخصص، دست از ایمان بر نمی دارد، به خاطر تخصص دست از حیات انقلابی هم بر ندارد.

مدرس، مبلغ، مربی، محقق، قاضی، مدیر فرهنگی و مرجع تقلید همه باید انقلابی باشند؛ معتقد به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و حضور حداکثری دین در اداره جامعه، مجاهد، رسالت مدار، تحول خواه با نگاه کلان بینالمللی و تاریخی که برای فعالیت تخصصی خود در یک نگاه کلان جمعی تعریف و توجیه روشن داشته باشند.

به این ترتیب الگوی طلبه انقلابی قابل توصیه به همه طلاب است و این ظرفیت را دارد که بدون مشکل و تراحم برای همگان تحقق یابد. حوزه انقلابی نیز حوزه ای است که همه شئون و همه تخصصهایش در راستای اهداف انقلاب و با در نظر گرفتن موقعیت تاریخی آن ترسیم شده است.

در پایان این نکته را متذکر شویم که انقلابی بودن یک وصف ژنتیک یا موهوبی نیست؛ کاملاً اختیاری و اکتسابی است برای انقلابی شدن و انقلابی ماندن نمی توان منتظر نشست و نباید به معجزه و دست عنایت امید بست و یا به دعا اکتفا کرد؛ اقدام لازم است. این ویژگی نیز مانند همه ویژگی های شخصیتی و صفات انسانی به مرور و با تلاش حاصل میشود و آرام آرام در وجود ما راسخ میگردد و علاوه بر دعا و توسل نیاز به عمل پیگیری و مراقبت دارد بنابراین از آغاز طلبگی و در دوره جوانی باید برای به دست آوردن این معرفت و این روحیه اقدام کرد؛ زیرا هرچه از جوانی فاصله بگیریم پیدایش آن دشوارتر می گردد.

برای این منظور هم خود طلبه و هم مدیریت و سازمان حوزه باید اقدام متناسب را داشته باشند نه طلبه به استناد وظیفه حوزه و مسئولان معذور است و نه مسئولان به استناد وظیفه فردی طلبه.

برای آشنایی بیشتر طلاب با هویت روحانی و دست یابی به خودآگاهی صنفی کتاب های زیر معرفی می شود. مطالعه این کتابها امکان بهره برداری بیشتر از سرمایه ها و فرصتهای موجود را فراهم آورده و سرگردانی و تردید را در موارد فراوانی مرتفع می سازد.

. آخوند باید روحانی باشد؛ توصیه های رهبر انقلاب برای حوزه های علمیه، تدوین محمدرضا حدادی، تهران: فراندیش.

. اخلاق حرفه ای و وظایف صنفی روحانیت از نگاه امام خمینی قدس سره ؛ حمید آقانوری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

. ارزش و افتخارات طلبه، محمد عالم زاده نوری، قم: وثوق .

. استاد و درس، علی صفایی حایری، قم: هجرت .

• پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مرتضی مطهری، تهران: صدرا.

. پیرامون جمهوری اسلامی، شهید مرتضی مطهری، تهران: صدرا.

• تبیان، دفتر دهم، روحانیت و حوزه های علمیه، روح الله الموسوی الخمینی قدس سره ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

• حوزه و روحانیت از دیدگاه شهید مطهری، داود شهبازی، قم: پارسیان.

حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، حمید آقا نوری، قم: دبیرخانه شورای عالی حوزه های علمیه .

• حوزه و روحانیت؛ برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، نرم افزار مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات

- حوزه های علمیه، طرحی نو بر پایه ارزش ها، محمدتقی مدرسی، ترجمه حمیدرضا آژیر، نشر بقیع.
- . حوزه علمیه؛ هست ها و باید ها، سید احمد خاتمی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- خشت اول، نشریه علمی فرهنگی اجتماعی، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم. خط، نشریه خانه طلاب جوان.
 - درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، منصور علم الهدی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران.
- . ده گفتار، شهید مرتضی مطهری، تهران: صدرا .
- راه و رسم طلبگی (هفت دفتر)، محمد عالم زاده نوری، قم: ولاء منتظر.
 - . رسالت روحانیت در دنیای جدید، سید محمد مهدی میرباقری، قم: مؤسسه فرهنگی فجر ولایت .
 - . روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی قدس سره، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره .
 - روحانیت، شهید مرتضی مطهری، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 - . سیمای آرمانی طلبه، محمد عالم زاده نوری، بوستان کتاب.
 - شکل گیری سازمان روحانیت شیعه، محمدعلی اخلاقی، تهران مؤسسه شیعه شناسی .
 - طلبه و انتخاب رشته تحصیلی معاونت تربیتی فرهنگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام قدس سره.
 - گذشته، حال و آینده حوزه در نگاه رهبری، جمعی از نویسندگان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی .

• لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، محمد عالم زاده نوری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

. مانیفست روحانیت، رضا غلامی، تهران: آفتاب توسعه .

. مباحثی درباره حوزه، آیه الله مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره .

. منشور روحانیت، امام خمینی قدس سره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

. میقات سبز، مهدی هادوی تهرانی، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، کتاب همدم .

. نقش و کارکرد روحانیت در تحولات اجتماعی از دیدگاه امام خمینی قدس سره، محمد عباسی، قم: رواق دانش.

• نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، شهید مرتضی مطهری، تهران: صدرا

• ولایت، رهبری، روحانیت، شهید سید محمد حسین بهشتی، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، تهران: بقعه.

. هویت صنفی روحانی، محمدرضا حکیمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. ابن شعبه حرانی، حسن؛ تحف العقول؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1404.
4. ابن نعمان، محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ با تحقیق مؤسسه آل البيت عليها السلام، قم: دارالمفید، 1414 ق.
5. ابن نعمان، محمد بن محمد (شیخ مفید)؛ الامالی؛ تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، 1404 ق.
6. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)؛ الامالی؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، 1400 ق.
7. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)؛ الخصال؛ تحقیق علیاکبر غفاری، بیروت مؤسسه اعلمی، 1410 ق.
8. ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.
9. انجمن فرهنگی هنری شهید بهروز محمدی؛ جدال دو اسلام (جدال اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی؛ گزیده جلد 21 صحیفه امام قدس سره)؛ تهران: دفتر نشر معارف، 1393
10. آمدی تمیمی، عبدالواحد غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق میرسید جلال الدین محدث ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1360.
11. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ محاسن؛ قم: دار الکتب الاسلامیة، 1371 ق.

12. تقفی، ابراهیم بن محمد الغارات او الاستنفار و الغارات تصحیح عبدالزهره حسینی، دار الاضواء، 1407ق.
13. جبلی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)؛ منیه المرید فی آداب المفید و المستفید؛ تحقیق رضا مختاری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1409ق.
14. حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1409ق.
15. حسینی بهشتی، سید محمد، ولایت، رهبری، روحانیت؛ بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، تهران: بقیه، 1383.
16. حکیمی، محمدرضا؛ هویت صنفی روحانی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360.
17. خامنه ای، سید علی، روح توحید نفی عبودیت غیر خدا؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1388.
18. دیلمی، حسن بن ابی الحسن؛ اعلام الدین، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1408.
19. طاهرزاده، اصغر؛ وظیفه و نحوه سلوک طلبه عصر انقلاب اسلامی قم: دفتر علمی فرهنگی عهد، 1393.
20. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1377.
21. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج مشهد: نشر مرتضی، 1403ق. 22. طوسی، احمد بن علی اختیار معرفه الرجال؛ تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ش.
23. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دار الثقافه، 1414ق.
24. عالم زاده نوری، محمد؛ راه و رسم طلبگی، قم: مؤسسه ولاء منتظر، 1390ش.
25. عالم زاده نوری، محمد، لباس روحانیت، چراها و بایدها؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1378.
26. عالم زاده نوری، محمد؛ استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم عليهم السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1392.
27. عالمزاده نوری، محمد؛ به کجا و چگونه؟ نیم نگاهی به آرمان کمال و راه رسیدن به آن؛ قم مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی قدس سره، 1385.

28. عالم زاده نوری، محمد؛ سیمای آرمانی طلبه؛ قم: بوستان کتاب 1389

29. فتال نیشابوری، محمد بن حسن؛ روضه الواعظین؛ قم: انتشارات رضی، 1418ق.

30. فیض کاشانی، محمد؛ المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء؛ تصحيح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، علی اکبر، 1383ق.

31. کشی، محمد بن عمر؛ رجال کشی؛ مشهد انتشارات دانشگاه مشهد، 1348ش.

32. کلینی رازی، محمد بن یعقوب الکافی؛ با تصحيح و تعليق علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، 1381ق.

33. متقی الهندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال في سنن الاقوال والافعال؛ مؤسسة الرسالة، 1413ق.

34. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار؛ تهران: المکتبه الاسلامیه، 1364.

35. مدرس، محمد علی؛ ریحانه الادب، نشر خیام، 1374.

36. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی نت، 1385.

37. مطهری، مرتضی؛ احیای تفکر اسلامی؛ قم: صدرا، 1386.

38. مطهری، مرتضی؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ تهران: صدرا، 1373.

39. مطهری، مرتضی؛ سیری در نهج البلاغه؛ تهران: صدرا، 1375.

40. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری [رهبری نسل جوان]؛ قم: انتشارات صدرا.

41. موسوی خمینی قدس سره، روح الله؛ صحیفه امام قدس سره؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، 1380ش.

42. نامخواه، مجتبی؛ امام خمینی و طلبه انقلاب اسلامی؛ نشریه خط،

شماره 12 - 13، بهمن و اسفند 94.

43. نراقی، ملامهدی؛ جامع السعادات؛ جامعه النجف الدینی، 1383ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

